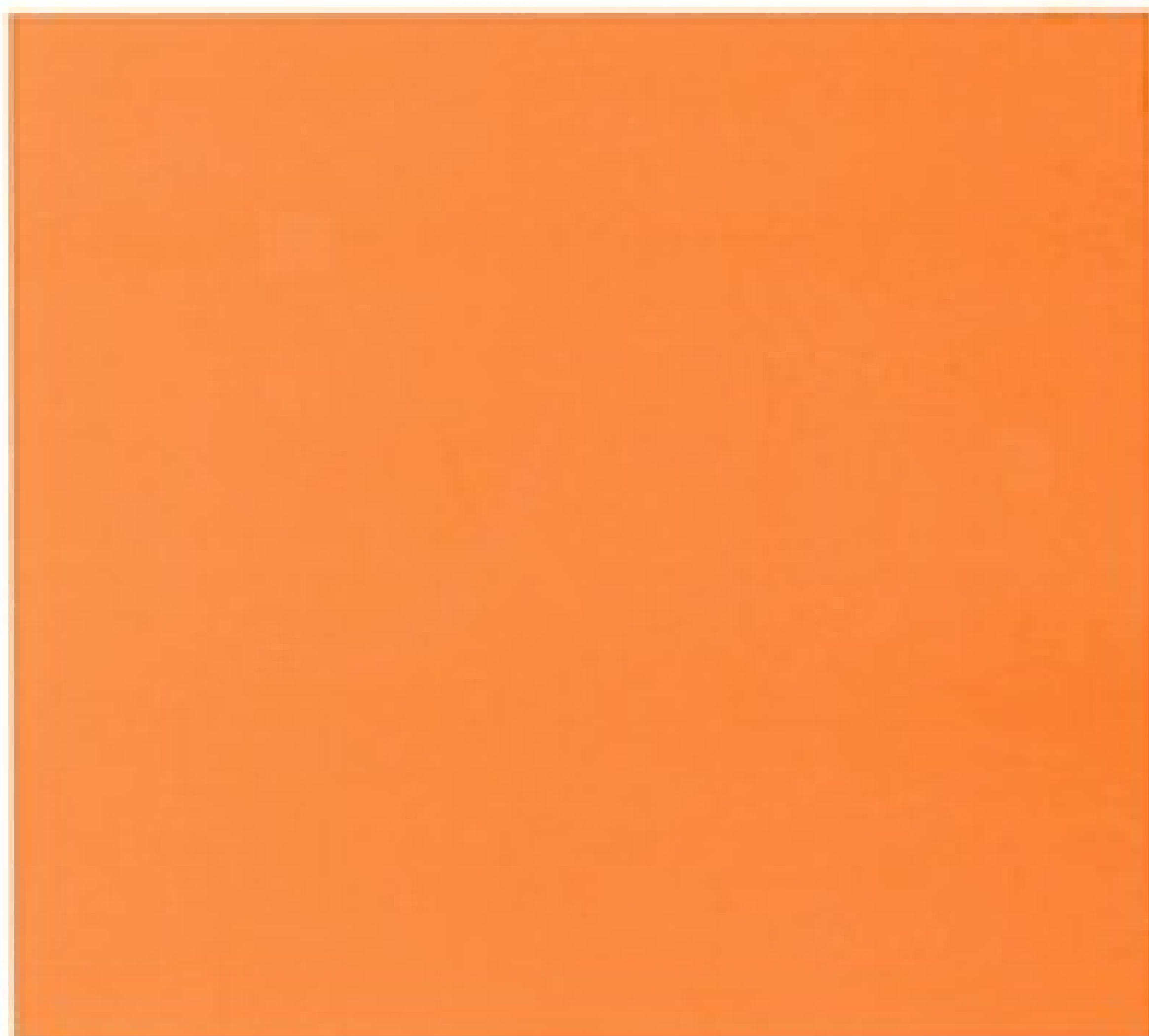


مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

بهشت وصال

بررسی آثار تربیتی، اجتماعی و فرهنگی نماز

حمید وارسته



بسم الله الرحمن الرحیم

بهشت وصال : بررسی آثار تربیتی، اجتماعی و فرهنگی نماز

نویسنده:

حمید وارسته

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵

بهشت وصال : بررسی آثار تربیتی، اجتماعی و فرهنگی نماز ----- ۱۲

مشخصات کتاب ----- ۱۲

اشاره ----- ۱۲

دیباچه ----- ۱۶

پیش گفتار ----- ۱۸

بخش اول: جایگاه نماز در فرهنگ اسلامی ----- ۲۴

اشاره ----- ۲۴

فصل اول: معارف مورد نیاز نمازگزار ----- ۲۵

اشاره ----- ۲۵

۱. مفهوم سعادت ----- ۲۵

۲. مفهوم حیات ----- ۲۷

۳. درک معنای درست نماز ----- ۲۸

۴. تعریف عبادت ----- ۲۹

۵. جایگاه نماز در میان عبادت ها ----- ۳۰

اشاره ----- ۳۰

الف) جایگاه نماز در قرآن ----- ۳۱

ب) جایگاه نماز در روایات ----- ۳۱

اشاره ----- ۳۱

یک ــ ستون دین ----- ۳۲

دو ــ نشانه دین داری ----- ۳۲

سه ــ برترین عبادت ----- ۳۲

چهار ــ محبوب ترین عمل نزد خداوند ----- ۳۳

۶. فلسفه نماز از دیدگاه پیشوایان دینی ----- ۳۴

اشاره ---------- ۳۴
الف) اقرار به ربوبیت و اظهار عجز و خضوع و اعتراف ---------- ۳۴
ب) مداومت بر ذکر حق و فراموش نکردن او ---------- ۳۴
ج) جلوگیری از کبر و غرور ---------- ۳۵
د) سپاس گزاری از صاحب نعمت ---------- ۳۵
۷. حقوق نماز بر نمازگزار ---------- ۳۶
۸. نماز و ادیان الهی ---------- ۳۷
اشاره ---------- ۳۷
حضرت اسماعیل علیه السلام و نماز ---------- ۳۸
حضرت اسحاق و یعقوب علیهماالسلام و نماز ---------- ۳۹
حضرت شعیب علیه السلام و نماز ---------- ۳۹
حضرت موسی علیه السلام و نماز ---------- ۴۰
لقمان و نماز ---------- ۴۰
حضرت عیسی علیه السلام و نماز ---------- ۴۱
نماز و موجودات دیگر ---------- ۴۱
۹. آداب و اسرار نماز ---------- ۴۴
اشاره ---------- ۴۴
الف) ادب ذلت خود در برابر عزت خدا ---------- ۴۶
ب) ادب طمأنینه ---------- ۴۸
ج) ادب محافظت عبادت از تصرف شیطان (اخلاص داشتن) ---------- ۴۸
د) ادب نشاط و بهجت ---------- ۴۹
ه) ادب تفهیم ---------- ۵۰
و) ادب حضور قلب ---------- ۵۱
اشاره ---------- ۵۱
یک ــ موانع حضور قلب ---------- ۵۲
دو ــ راه علاج ---------- ۵۳

سه ــ مراتب حضور قلب ---- ۵۴
۱۰. آداب اقامه نماز در احادیث ---- ۵۶
تأویل نماز از زبان امام علی علیه السلام ---- ۵۸
فصل دوم: فایده ها و آثار نماز ---- ۶۱
اشاره ---- ۶۱
۱. آثار دنیوی نماز ---- ۶۲
اشاره ---- ۶۲
الف) آثار تربیتی نماز ---- ۶۲
اشاره ---- ۶۲
یک ــ محوریت در عمل انسان ---- ۶۳
دو ــ اثر بازدارندگی از فحشا و منکر ---- ۶۴
سه ــ ایجاد آرامش روحی و اطمینان ---- ۶۴
چهار ــ مصونیت از رذایل اخلاقی (کبر) ---- ۶۵
پنج ــ پرورش روحی در سایه ارتباط با خالق هستی ---- ۶۷
شش ــ ثبات روحی ---- ۶۸
ب) آثار اجتماعی نماز ---- ۷۰
ج) آثار جسمی نماز ---- ۷۱
۲. آثار اخروی نماز ---- ۷۱
فصل سوم: پی آمدهای ترک نماز ---- ۷۳
اشاره ---- ۷۳
۱. پی آمدها ---- ۷۳
اشاره ---- ۷۳
الف) زندگی سخت (معیشت ضنک) ---- ۷۳
ب) آثار ترک نماز در دنیا، قبر، قیامت ---- ۷۵
۲. علل گرایش به بی نمازی ---- ۷۷
اشاره ---- ۷۷

الف) عامل خود (فرد) ---- ۷۷
اشاره ---- ۷۷
یک _ ناآگاهی (نسبت به خالق، هستی و خود) ---- ۷۸
دو _ کسالت و تنبلی ---- ۷۸
سه _ گناه ---- ۷۹
ب) عوامل محیطی ---- ۸۰
یک _ خانه ---- ۸۰
دو _ مدرسه ---- ۸۱
سه _ دوستان و همسالان ---- ۸۱
چهار _ فضای فرهنگی و مذهبی ---- ۸۳
فصل چهارم: پاسخ به شبهه ها و پرسش ها ---- ۸۴
فصل پنجم: جایگاه نماز در جامعه ما ---- ۹۱
اشاره ---- ۹۱
۱. نماز و مسئولیت نهادهای اجتماعی و دست اندرکاران ---- ۹۲
۲. شیوه های جذب افراد به نماز ---- ۹۶
اشاره ---- ۹۶
الف) شناسایی هدف ---- ۹۷
ب) شناسایی کامل مخاطب ---- ۹۷
ج) شناسایی شیوه های هدایت ---- ۹۸
۳. نماز و تهاجم فرهنگی ---- ۹۹
۴. نماز در دوران کودکی ---- ۱۰۲
۵. نماز در دوران نوجوانی ---- ۱۰۷
۶. نماز و آموزش و پرورش ---- ۱۰۸
۷. نماز، باران رحمت الهی ---- ۱۱۰
۸. نماز در آینه وحی ---- ۱۱۲
اشاره ---- ۱۱۲

الف) فراگیر بودن نماز ۱۱۴
ب) نماز ذکر ویژه حق ۱۱۴
ج) هدف تمام انبیا ۱۱۴
د) نماز اولین و آخرین سفارش انبیا ۱۱۵
ه) اثر نماز در دوری از گناه ۱۱۵
و) نقش نماز در امور زندگی و هدف خلقت ۱۱۵
فصل ششم: نماز از دیدگاه معصومین علیهم السلام ۱۱۹
اشاره ۱۱۹
۱. ویژگی های نماز ۱۱۹
الف) مَثَل نماز همانند نهری جاری است ۱۱۹
ب) مَثَل نماز مانند ستون خیمه دین است ۱۱۹
ج) نماز در دین، مانند نسبت سر به جسد است ۱۲۰
د) نماز، سیمای مکتب ۱۲۰
ه) نماز، پرچم اسلام ۱۲۰
و) نماز، وسیله قرب الهی و معراج مؤمن ۱۲۰
ز) نماز، نشانه شیعیان ۱۲۰
ح) نماز، اولین محاسبه در قیامت ۱۲۱
۲. ترک نماز و استخفاف آن ۱۲۱
۳. نماز وسیله مهار شیطان ۱۲۳
۴. نماز و ثواب واقعی آن ۱۲۳
۵. شرایط قبول شدن نماز ۱۲۵
۶. نقش نوافل (نمازهای مستحبی) ۱۲۷
۷. نقش علم و تفکر در نماز ۱۲۸
۸. میزان قبولی نماز با توجه به احادیث ۱۲۹
۹. سیره عملی امامان معصوم علیهم السلام در نماز ۱۳۰
فصل هفتم: نماز از نگاه اندیشمندان ۱۳۳

۱. نماز از نگاه امام خمینی رحمه الله ----- ۱۳۳
۲. نماز از دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی حضرت آیت اللّه خامنه ای ----- ۱۳۴
۳. نماز از دیدگاه آیت اللّه العظمی بهجت ----- ۱۳۵
۴. نماز از دیدگاه دانشمندان غربی ----- ۱۳۶
فصل هشتم: نکته ها و ناگفته هایی درباره نماز ----- ۱۳۹
اشاره ----- ۱۳۹
خیر دین ----- ۱۴۰
وقت نماز ----- ۱۴۰
تأثیر نماز ----- ۱۴۱
نماز جماعت ----- ۱۴۱
نماز خوف ----- ۱۴۲
نماز وداع ----- ۱۴۳
تعهد به نماز ----- ۱۴۴
نماز اول وقت ----- ۱۴۴
محرم راز ----- ۱۴۵
استمداد از نماز ----- ۱۴۶
خسارت معنوی ----- ۱۴۶
جایگاه بی نمازان ----- ۱۴۷
آخرین وصیت ----- ۱۴۷
شتاب زدگی در نماز ----- ۱۴۸
مجذوب خدا ----- ۱۴۸
آتش حسرت ----- ۱۴۹
درگاه لایزال ----- ۱۴۹
غرق در نماز ----- ۱۵۰
اسیر گناه ----- ۱۵۰
نافله شب ----- ۱۵۰

بنده خدا ----- ۱۵۱
هدیه ناقابل ----- ۱۵۱
بهترین لباس ----- ۱۵۲
فصل نهم: گزیده ادب فارسی ----- ۱۵۳
اشاره ----- ۱۵۳
جملات و متون ادبی ----- ۱۵۳
اشعار ----- ۱۵۸
بخش دوم: همراه با برنامه سازان ----- ۱۶۲
اشاره ----- ۱۶۲
بایدها و نبایدهای نماز در رسانه ----- ۱۶۲
پیشنهادها و توصیه های کلی ----- ۱۶۶
برنامه های پیشنهادی ----- ۱۷۰
موضوع های داستانی جهت برنامه سازی ----- ۱۷۳
اشاره ----- ۱۷۳
داستان دختر پادشاه و جوان خارکن ----- ۱۷۳
داستان گوهرشاد خاتون و جوان فقیر ----- ۱۸۶
پرسش های مردمی ----- ۱۸۹
پرسش های کارشناسی ----- ۱۹۲
نتیجه ----- ۲۰۰
فهرست داستان های مناسب درباره نماز ----- ۲۰۲
فهرست کتاب های مناسب درباره نماز ----- ۲۰۶
کتاب نامه ----- ۲۱۰
درباره مرکز ----- ۲۱۳

بهشت وصال : بررسی آثار تربیتی، اجتماعی و فرهنگی نماز

مشخصات کتاب

سرشناسه : وارسته، حمید

عنوان و نام پدیدآور : بهشت وصال : بررسی آثار تربیتی، اجتماعی و فرهنگی نماز/حمید وارسته ؛ [تهیه کننده] مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر : قم: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری : ۱۶۰ص.

فروست : مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما؛ ۳۸۰.

شابک : ۱۰۰۰۰ریال:۹۶۴-۸۶۰۶-۹۳-۵

یادداشت : کتابنامه:ص. [۱۵۹] - ۱۶۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : نماز.

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما.

رده بندی کنگره : BP۱۸۶/و۲۳ب۹ ۱۳۸۴

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۳

شماره کتابشناسی ملی : ۱۵۶۵۴۵۷

ص:۱

اشاره

ص:بهشت وصال

کد: ۳۸۰

نویسنده: حمید وارسته

ناشر و تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

چاپ: امیران

صحافی: منتظرالمهدی

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۴

شمارگان: ۱۴۰۰

بها: ۱۰۰۰ تومان

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: Email: IRC@IRIB.COM

تلفن: ۲۹۳۵۸۰۳ و ۲۹۱۰۶۰۲ نمابر: ۲۹۳۳۸۹۲

شابک: ۵-۹۳-۸۶۰۶-۹۶۴ISBN: ۹۶۴-۸۶۰۶-۹۳-۵

دیباچه

دیباچه

وقتی دل تنگ و خسته از خاک، بهشت وصال و سیر به افلاک را آرزو می کنی، تنها می توانی بر بُراق نماز، گستره آسمان ها را بپیمایی که: «الصلاةُ معراج المؤمن».

وقتی غوغای زندگی تو را از خود بی خود می کند به نمازی عاشقانه بایست و غبار تیرگی را با زمزمه نیاز از جسم و جان بزدای تا سبک باری جسم و جان را به تماشا نشینی که: «اِنّ الصلاه تنهی عن الفحشا و المنکر». بکوشیم تا دمی با یار زمزمه وصل بسراییم و نسیم نشاط را در کوچه پس کوچه های دل جاری کنیم. بکوشیم تا در انبوه جامعه و در لابه لای امواج «مردمان» گم نشویم. وقتی دغدغه فردا، امروزمان را به تشویش می کشاند، وقتی هراس تردید، سایه وحشت بر جانمان می گستراند، بیاییم تا آفتاب اطمینان را در سپیده دم نجوا (نماز صبح) و نیم روز نیایش (ظهر و عصر) و شبانگاه شوق (مغرب و عشا) بر دلمان بتابانیم تا همه دغدغه ها و تشویش ها از خاطر سینه ها رخت بربندد.

وقتی بهارِ نماز است، خزان افسردگی چرا؟! وقتی با نماز به معراج می توان رفت، تن سپردن به چاهِ تیره کسالت چرا؟! نماز نور چشم پیامبراکرم صلی الله علیه و آله، ستون دین و استوارترین تکیه گاه و یادآور «راه و مقصد» ماست.

در تکریم نماز بکوشیم و همه توانمان را در حفظ و گسترش فرهنگ نماز به کار ببندیم که اگر چنین شود، تهاجم فرهنگی و دسیسه ها و

نیرنگ های دشمنان بی اثر می گردد و ره به ساحل سلام و سلامت خواهیم برد. بیاییم هماره از او بخواهیم که:

رَبِّ اجْعَلْنی مُقیمَ الصَّلاهِ وَ مِنْ ذُرِّیَّتی رَبَّنا وَ تَقَبَّلْ دُعاءِ. (ابراهیم: ۴۰)

خدایا مرا و فرزندانم را از برپا کنندگان نماز قرار ده، پروردگارا این دعا را بپذیر.

در راستای ترویج فرهنگ نماز و نمازگزاری پژوهشگر ارجمند، جناب آقای حمید وارسته کوشیده است تا ره توشه راهمان را فراهم سازند. با سپاس از ایشان، امید است این مجموعه مورد استفاده برنامه سازان ارجمند قرار گیرد.

انّه ولیّ التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش گفتار

پیش گفتار

در میان آفریده ها، انسان تنها موجودی است که وجودش قابلیت های حیرت انگیزی دارد که شاید پس از گذشت میلیاردها سال از حیاتش، هنوز اسرار وجود او و توانایی هایش ناشناخته مانده است.

بی شک، این قابلیت ها مربوط به جسم و جنبه مادی او نیست؛ زیرا آنچه سبب شده است که انسان بتواند برتری طلبی خویش را بر این جهان مادی و کره خاکی تحمیل کند و طبیعت را مسخر خویش سازد، جنبه واقعی او؛ یعنی قدرت روح و فکر و تعقل اوست.

با توجه به پیچیدگی و اسرارآمیز بودن روح انسان، شاید بتوان ادعا کرد آنچه باعث شده است که انسان خود را حاکم طبیعت و آگاه از اسرار آن نشان دهد، اشباع همین جنبه روحی اوست. حتی انسان فراتر از طبیعت، برای شناخت ذات خود (انسان) نیز کوشیده است تا پس از درک اسرارِ وجودیِ خویش زندگی مطلوب را برای دیگران به تصویر کشد.

همچنین بیشتر آموزه های ادیان و آیین ها، به تناسب دیدگاه آنان درباره انسان است. گروهی تنها ظاهر و جسم انسان را دیده اند و در حقیقت

انسان را حیوانی پیشرفته تر از دیگر حیوانات می دانند. گروهی نیز دیدی ژرف تر به انسان داشته و دیدگاه های عمیق تری درباره او ارائه کرده اند.

نظریه پردازان انسان شناسی به طور کلی در دو دسته قرار دارند: گروهی که جهان و انسان را در حدِ امور ظاهری می بینند که مکتب های مادی نماد این طرز تفکرند. گروه دیگری که ظاهر این جهان را به منزله جسم آن می پندارند و باطن و ماورای این جسم را بسی مهم تر و واقعی تر می دانند. آنان انسان را نیز در دو مرتبه جسم و جان می بینند و در تأمین این دو جنبه دستورهایی به انسان ارائه می دهند. این دسته دو گروهند: گروهی که معتقدند این جهان مخلوق خالقی آگاه و مدبر است و گروهی که در عین داشتن دید عمیق به انسان، چنین اعتقادی ندارند.

گروه اول، جهان هستی را مانند هرمی می بینند که در رأس آن «اللّه » قرار دارد. در این دیدگاه، «اللّه »، مرتبه کامل و بی نقص هستی است و همان ویژگی هایی را دارد که انسان در عرصه حیات خویش برای رسیدن به آن تلاش کرده است، هر چند ممکن است به راهی رفته باشد که تناسبی با آن مرتبه نداشته باشد. برای مثال، انسان در طول تاریخ همواره کوشیده است تا قدرت برتر و مطلق جهان باشد، در حالی که «اللّه » تنها کسی است که این ویژگی را دارد و انسان به طور فطری جویای آن است. همچنین او می خواهد به علم بی حد و قدرت نامحدود و حیات ابدی و استقلال کامل برسد و کمبودهای خود را جبران کند و از هرنظر، کامل و بی نیاز باشد. برای اشباع این ویژگی انسان، به تناسب انسان شناسی هر

مکتبی، راه ها و آموزه هایی به انسان ارائه شـده است. مهم ترین و موفق ترین دیـدگاه ها از آنِ کسانی است که جهان وانسان را واقعی تر دریـافته باشـند و در این میـان، ادیـان الهی جـامع ترین دیـدگاه هـا را ارائه کرده انـد؛ زیرا ادیان الهی، آموزه های خویش را از منبع ذات الهی دریـافت می کننـد. ازاین رو، میـان انـدیشه و نگرش آنان نسـبت به انسان و جهان فرقی نیست. در میان ادیان الهی، دین اسلام، کامل ترین و دقیق ترین آموزه ها را بیان کرده است.

در دیـدگاه الهی، خداونـد قـدرت تصـرف و حاکمیت بر هستی را دارد و فقط او می توانـد انسان را به جایگاه و خواسـته های واقعی اش هدایت کند. در این دیدگاه، خداوند برای رساندن پیام خویش، واسـطه هایی از میانِ مردم برمی گزیند تا پیام او را به انسان ها برسانند. مهم ترین و اصلی ترین پیام انبیای الهی، عبادت خداوند و روی آوردن به درگاه خالق و به جا آوردن حقِ پروردگـاری و سپاس گزاری از نعمت های اوست. راه عبودیت، گـذرگاهی است که نهایت آن، دست یافتن به کمال دلخواه انسـان است. از نظر ادیـان الهی، راز این گرایش، در راز آفرینش انسـان نهفته است؛ یعنی روح انسان جلوه ای از خالق خویش است که در این جهـان مـادی، گویی در زنـدان است. ازاین رو، آگاهـانه یـا ناآگاهـانه و به اقتضای آفرینش و فطرت خویش، اصل خویش را می جویـد. البته شـرط پیمودن این راه و تحقق مقام بندگی، اطاعت از امر و نهی های الهی است که ذکر مدام را برای او تداعی می کند.

ذکر حق دوگونه است: اول اینکه انسان همواره به یاد او باشد و دیگر اینکه در زمان ها یا در مکان های مشخصی به ذکر بپردازد و دیگر هیچ گونه عملی را انجام ندهد.این ذکرخاص و مشخص در زبان دین، صلاه (نماز) نام دارد که در تمام ادیان الهی به بشر آموزش داده شده است.

نکته مهم اینکه بر اساس آموزه های انسان شناسی الهی، هراندازه انسان به ذکر حق مأنوس تر باشد و او را بیشتر یاد کند، در زندگی خویش موفق تر است. چنانچه فردی از ذکر حق روی بتابد، زندگی اش بی هدف، بی ثبات، مشوش و ناآرام خواهد شد، احساس پوچی می کند ودر بسیاری موارد، برای رهایی از درد و رنج ها و سرگردانی ها به حیات خویش پایان می دهد.

انسان، خداجو و کمال گراست؛ زیرا فطرتی الهی دارد: «فِطْرَتَ اللّهِ الَّتی فَطَرَ النّاسَ عَلَیْها؛ فطرت خداوندی که مردم را بر آن آفرید». (روم: ۳۰)

در حقیقت، انسان در صورت دسترسی به کمال، شباهت بسیاری به خالق خویش پیدا می کند و تنها فرقِ او با خالق در آن است که او خالق است و این مخلوق: «لا فَرقَ بَیْنَکَ وَ بَیْنَها اِلّا اَنَّهُمْ عِبادُکَ وَ خَلْقُکَ؛ فرقی میان تو و آنها نیست، مگر اینکه آنان بنده تو و مخلوق تو هستند.»(۱) و تنها راهی که انسان را به این مرتبه می رساند، عبودیت است:

۱- شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ترجمه: آیت اللّه کمره ای، ص ۱۸۴، دعای هر روز رجب.

اَلْعُبُودیَّهُ جَوْهَرهٌ کُنْهُها اَلرُّبُوبِیّهٌ فَما فُقِدَ مِنَ الْعُبودِیَّهِ وُجِدَ فِی الرُّبوبِیَّهِ وَ ما خُفِیَ مِنَ الرّبوبیَّهِ اُصیبَ فِی الْعبُودیَّه.(۱)

بندگی، گوهری است که باطن آن ربوبیت است. پس هر چه در بندگی از دست برود، در ربوبیت یافته می شود و هر چه در ربوبیت پوشیده باشد، در عبودیت به آن می رسد.

حضرت امام خمینی رحمه الله در این باره می فرماید:

چون از تصرفات خود گذشت و مملکت وجود خود را یک سره تسلیم حق کرد و خانه را به صاحب خانه واگذار نمود و فانی در عزّ ربوبیّت شد، صاحب خانه، خود، متصرف در امور گردد. پس تصرفات او تصرف الهی گردد، چشم او الهی شود و با چشم حق بنگرد و گوش او الهی شود و به گوش حق بشنود.(۲)

اوج ظهور کنه و حقیقت عبودیت در نمازهای مستحبی است و در این حالت، قرب بنده به خالق خویش به حدی است که خالق، چشم و گوش و دست و زبان مخلوق مقربِ خویش می گردد. در این صورت هر فعلِ مخلوق، فعلی الهی می شود:

اِنَّهُ لَیَتَقَرَّبُ اِلیَّ بِالنّافِلَهِ حَتّی اُحِبَّهُ، فاِذا اَحْبَبْتُهُ کُنْتُ سَمْعَهُ الَّذی یَسْمَعُ بِهِ وبَصَرَه الّذی یَبْصُرُ به وَ لِسانَه الَّذی یَنطِقُ بِهِ وَ یَدَهُ الَّذی یَبْطشُ بِها اِنْ دَعانی اَجَبْتُهُ وَ اِنْ سَأَلَنی اَعْطَیْتُهُ.(۳)

۱- امام خمینی، آداب الصلاه، ج ۱، ص ۸، برگرفته از: مصباح الشریعه.

۲- امام خمینی، آداب الصلاه، ج ۱، ص ۸، برگرفته از: مصباح الشریعه.

۳- ابی جعفر محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ترجمه: سید جواد مصطفوی، ج ۴، ص ۵۳.

به راستی که بنده به وسیله نافله، آن قدر به من نزدیک می شود تا اینکه او را دوست داشته باشم. پس هنگامی که او را دوست داشتم، گوش او می شوم که با آن می شنود و چشم او می شوم که با آن می بیند و زبان او می شوم که با آن صحبت می کند و دست او می شوم که با آن بگیرد. اگر مرا بخواند، اجابتش می کنم و اگر از من درخواست کند، عطایش می دهم.

عبادت کننده ای که می خواهد به سوی قله کمال سیر کند، باید به بزرگی ربوبیت حق و خواری عبودیت خویش توجه کامل داشته و با تمام وجود به این مطلب رسیده باشد. امام خمینی رحمه الله در این باره چنین می فرماید:

... و آن یکی از منازل مهمه سالک است که قوّت سلوک هر کس به مقدار قوت این نظر است، بلکه کمال و نقص انسانیّت تابع کمال و نقص این امر است و هر چه نظر انیّت و انانیّت و خودبینی وخودخواهی در انسان غالب باشد، از کمال انسانیّت دور و از مقام قرب ربوبیت مهجور است... .(۱)

۱- آداب الصلاه، ص ۷.

بخش اول: جایگاه نماز در فرهنگ اسلامی

اشاره

بخش اول: جایگاه نماز در فرهنگ اسلامی

زیر فصل ها

فصل اول: معارف مورد نیاز نمازگزار

فصل دوم: فایده ها و آثار نماز

فصل سوم: پی آمدهای ترک نماز

فصل چهارم: پاسخ به شبهه ها و پرسش ها

فصل پنجم: جایگاه نماز در جامعه ما

فصل ششم: نماز از دیدگاه معصومین علیهم السلام

فصل هفتم: نماز از نگاه اندیشمندان

فصل هشتم: نکته ها و ناگفته هایی درباره نماز

فصل نهم: گزیده ادب فارسی

فصل اول: معارف مورد نیاز نمازگزار

اشاره

فصل اول: معارف مورد نیاز نمازگزار

زیر فصل ها

۱. مفهوم سعادت

۲. مفهوم حیات

۳. درک معنای درست نماز

۴. تعریف عبادت

۵. جایگاه نماز در میان عبادت ها

۶. فلسفه نماز از دیدگاه پیشوایان دینی

۷. حقوق نماز بر نمازگزار

۸. نماز و ادیان الهی

نماز و موجودات دیگر

۹. آداب و اسرار نماز

۱۰. آداب اقامه نماز در احادیث

تأویل نماز از زبان امام علی علیه السلام

۱. مفهوم سعادت

۱. مفهوم سعادت

سعادت انسان به تناسب افراد، مفهوم متفاوتی پیدا می کند. اگر سعادت را «نجات از عذاب و ورود به بهشت» بدانیم، مفهوم واحد و مشترکی بین افراد مختلف است، ولی اگر آن را به معنای خوشبختی بدانیم، معانی متفاوتی برای افراد مختلف دارد؛

زیرا خوشبختی، برای عامی و عالم و عارف و دیگران تعریف های مختلف دارد.

اگر سعادت و خوشبختی به نجات از دوزخ است، پس افراد مستضعف و دیوانه خوشبخت خواهند بود؛ زیرا خداوند هر کس را به قدر وسع خویش محاسبه می کند و وسع این گونه افراد نیز بسیار ناچیز است. بنابراین، حسابی مختصر همراه با تخفیف خواهند داشت. همچنین مفهوم سعادت در نزد گروهی، به اندازه وسع فهم آنان از خوشبختی است. آنان، تنها به نجات از عذاب دوزخ قانع هستند، عبادت این گروه هم در حد فهم خویش است. برخی نیز عبادت را راه رسیدن به مقصود می دانند و در آخرین درجه معرفت، سعادت، نه نجات از دوزخ و ورود بهشت

است، بلکه رسیدن به حق و فنای در او است. برای این گروه، بالاتر از عذاب دوزخ، عذاب فراق است و بالاتر از بهشت، بهشت وصال:

الهی اِنْ صَبَرْتُ عَلی عَذابِک فَکَیْفَ اَصبرُ علی فِراقِک.(۱)

پروردگارا، اگر بر عذابت صبر کنم، چگونه بر فراق تو صبر کنم.

در سخنان عرفا و اولیای حق، حور و قصور، نه هدف است و نه بیانگر سعادت، بلکه بهشت بی دوست، خود، دوزخ است. بنابراین در تبلیغ نماز، نخست فهم درست از سعادت و سپس گسترش آن در میان مردم لازم است تا به این وسیله نیت ها، عبادت ها و اعمال عبادت کنندگان در مسیر صحیح قرار گیرد.

۲. مفهوم حیات

۲. مفهوم حیات

حیات به معنای زندگی است؛ در زبان قرآن و فرهنگ آن تمام اشیا دارای نوعی حیات هستند و این نوع حیات، بین تمام مخلوقات مشترک است. در این زندگی و برخورداری از لوازم آن، انسان موجودی ضعیف است: «خُلِقَ ٱلْإِنْسانُ ضَعیفًا». (نساء: ۲۸) این نوع حیات و گرایش های آن نیازی به پیامبر و کتاب و شریعت ندارد، بلکه قوانین تکوینی موجود برای پیشبرد آن کافی است.

با توجه به آیات قرآن، درمی یابیم که مفهوم زندگی(حیات) در انسان حالت بالقوه دارد و امری روحانی به شمار می رود و هر کسی از آن

۱- مفاتیح الجنان، دعای کمیل.

برخوردار نیست. در آیه ای از قرآن، خداوند، مردم مؤمن را به زنده شدن و حیات یافتن فرا می خواند:

یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اسْتَجیبُوا لِلّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذا دَعاکُمْ لِما یُحْییکُمْ. (انفال: ۲۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا و رسول را اجابت کنید، هنگامی که شما را دعوت کردند تا شما را زنده کنند.

می توان گفت که اصلاح و تبیین معنای واقعی حیات، نوعی معرفت اصیل و هدایت به سمت عبادت واقعی است که مفهوم سعادت واقعی را روشن تر می کند. در غیر این صورت، اگر حیات ما شبیه حیات دیگر موجودات باشد، بنا بر نص قرآن، این امر برای انسان یک خسارت و گمراهی به شمار می رود و مرتبه آدمی از حیوانات پست تر خواهد بود: «اُولئِکَ کَالْاَنعامِ بَلْ هُمْ اَضَلَّ».

۳. درک معنای درست نماز

۳. درک معنای درست نماز

مفهوم نماز در اذهان بیشتر مردم، حتی مؤمنان به اصلاح نیاز دارد. برای مثال، از حدیث «قُرَّهُ عَیْنِی فِی الصلاه؛ روشنی چشم من در نماز است»،(۱) شاید مفهوم لذت و خوشحالی پیامبر را از نماز استنباط کنیم یا از حدیث «نماز معراج مؤمن است»،(۲) مفهوم درستی در ذهن نداریم؛ زیرا حقیقت معراج را به روشنی در نیافته ایم. از سوی دیگر، در کتاب های مربوط به نماز و در

۱- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۴۹.

۲- مستدرک سفینه البحار، ج ۶، ص ۳۴۳.

موعظه ها، تنها به ظواهر فقهی نماز اکتفا شده و اسرار و شگفتی های مربوط به تأثیر آن تحقیق و بررسی نشده است.

مقام معظم رهبری در این باره می فرماید:

نشانه (حق گـذاری) دیگر، مطرح شدن نماز در عرصه مطالعات و تحقیقات علمی است. همان طور که بحث فقهی درباره نماز و مقـدمات آن، طولا‌نی ترین مبـاحث فقهی در حوزه های علمیه را تشـکیل می دهـد، بحث کلامی و عرفانی و اجتماعی نماز بایـد سلسـله مهمی ازمبـاحث دینی مطرح در سـطح جـامعه را پدیـد آورد. آگاهـان دینی و محققان و نویسـندگان در این باره مقالا‌ت و تحقیقات و کتاب هایی فراهم آورنـد و بحث نماز به طور مکرر در همه جایگاه های تبلیغ دین با زبان ها و شـیوه ها از زاویه های گوناگون مطرح گردد.

۴. تعریف عبادت

۴. تعریف عبادت

عبادت را اهل لغت به معنای نهایت خضوع و کرنش دانسته اند و گفته اند چون عبادت، والاترین مرتبه خضوع است، پس تنها شایسـته کسـی است که والا‌ترین مرتبه وجود و کمـال و بزرگ ترین درجه نعمت ها و احسان را دارد و از این جهت، عبادت غیر حق، شرک است. شاید عبادت که در فارسی به معنای پرستش و بندگی است، در حقیقت، بیش از این معنا باشد که گفته اند و آن عبارت است از خضوع برای خالق و خداوند.

«احتراماتی که صاحبان مذاهب از بزرگان مذهب خود می کنند، با اعتقاد به آنکه آنها بندگانی هسـتند که در همه چیز محتاج به حق تعالی هسـتند ــ در اصل وجود و کمال آن ــ و عباد صالحی هستند که با آنکه مالك نفع و ضرر و موت و حیات خود نیستند، به واسطه عبودیت، مقرب درگاه و مورد عنایت حق تعالی و وسیله عطیّات اویند، به هیچ وجه شائبه

شرک و کفر در آن نیست و احترام خاصان خدا، احترام او و حب خاصان خدا، حب خداست».(۱)

۵. جایگاه نماز در میان عبادت ها

اشاره

۵. جایگاه نماز در میان عبادت ها

برای تبیین جایگاه نماز در میان دیگر عبادت ها نخست باید عبادت ها را در دسته بندی مشخصی جای داد تا جایگاه نماز در این میان مشخص گردد. عبادت، یا بدنی است یا مالی. عبادت بدنی به دلیل پیوستگی و امکان تحقق آن افضل از عبادت مالی است؛ زیرا عبادت مالی به وجود مال بستگی دارد و با نبود مال، ساقط می گردد، مانند: خمس و زکات. به جز آن، عبادت های مالی همیشگی نیستند، مانند خمس و زکات که در زمان معینی واجب می شود، ولی عبادت بدنی یا در طول عمر یک بار واجب می شود (حج) و یا سالی یک بار (روزه) و یا ماهی یک بار به صورت استحباب (نمازهای ماه ها) و یا هفته ای یک بار به صورت واجب تخییری (نماز جمعه) و یا روزی یک بار (عبادت های مخصوص هر روز) و یا اینکه هر روز و همیشه ایام.

در بین عبادت بدنی که انجام آن همیشگی است، نمازهای روزانه، از جایگاه و ویژگی خاصی برخوردار است. نماز، اولین واجبی است که با پذیرش دین اسلام واجب می گردد و آخرین عبادت واجبی است که بر

۱- آداب الصلاه، امام خمینی، صص ۲۸۴ و ۲۸۵.

جسـد میت باید به جا آورد. همچنین نماز، نخستین پرسشـی است که در قیامت از فرد پرسـیده می شود و تنها عبادتی است که سعادت و شقاوت انسان به انجام صحیح آن بستگی کامل دارد.

الف) جایگاه نماز در قرآن

الف) جایگاه نماز در قرآن

نماز، یاد خداست. در قرآن آمده است: «اذْکُرُونی أَذْکُرْکُمْ؛ مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم». (بقره: ۱۵۲)

در این آیه، خداوند با امر به یاد از او، شـرط این را که او نیز به یاد بنده باشد، یاد کردن از او در این دنیا قرار داده است؛ یعنی اگر بنـده ای بخواهـد که خدا او را یاد کند، باید او هم خدا را یاد کند: «اَقِمِ الصـلاه لِذِکْری؛ برای یاد من نماز به پا دار». (طه: ۱۴)

خداوند در آیه اول می فرماید مرا یاد کنید و در این آیه فرمان می دهد با نماز مرا یاد کنید. ازاین رو، نماز، یاد خداست و یاد خدا در این دنیا سبب می شود که خدا در هر دو جهان، بنده را یاد کند.

آیات دیگری از قرآن، این مطلب را به شـکل دیگری بیان می کننـد: «وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِکْری فَإِنَّ لَهُ مَعیشَهً ضَـنْکًا؛ و هر کس از یاد من روی بگرداند، او را زندگی سخت و تنگی خواهد بود». (طه: ۱۲۴)

اهـل دوزخ در پاسـخ به این پرسـش که چه چیزی شـما را در دوزخ انـداخته است، می گوینـد: «... یَتَساءَلُونَ عَنِ الْمُجْرِمینَ ما سَلَکَکُمْ فی سَقَرَ قالُوا لَمْ نَکُ مِنَ الْمُصَلِّینَ ... ؛ (اصـحاب یمین) از گناه کاران می پرسند چه چیزی شما را در جهنم انداخت، گویند ما از نمازگزاران نبودیم». (مدثر: ۴۲)

ب) جایگاه نماز در روایات

اشاره

ب) جایگاه نماز در روایات

در روایت های معصومین علیهم السلام، جایگاه نماز نسبت به عبادت های دیگر مشخص شده است که در این قسمت تنها به برخی از آنها اشاره می کنیم.

یک _ ستون دین

روایت های زیادی در این باره نقل شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «اَلصَّلاهُ عِمادُ الدینِ فَمَنْ تَرَکَ صَلْوتَهُ مُتعمِّدا فَقَدْ هَدَمَ دینَهُ؛ نماز، ستون دین است. پس هر کس نمازش را به عمد ترک کند، بی گمان، دین خود را نابود کرده است».(۱)

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«اللّه، اللّه فی الصلاه فَإنَّها عَمودُ دینِکُمْ؛ از خدا بترسید، از خدا بترسید درباره نماز که ستون دین شماست».(۲)

همچنین در حدیثی دیگر از پیامبراکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است:

«مَوضعُ الصلاه مِنَ الدّینِ کَمَوْضع الرَأْسِ منَ الْجَسدِ؛ جایگاه نماز در دین، همانند جایگاه سر در جسد است».(۳)

دو _ نشانه دین داری

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «عَلَمُ الِاسلامِ الصّلاهُ؛ نماز، پرچم اسلام است».(۴)

سه _ برترین عبادت

امام رضا علیه السلام می فرماید: «انَّ الصّلاهَ أَفضَلُ الْعبادهِ للّه ِوَ هِیَ اَحْسَنُ صُورهٍ خَلقَها

۱- محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۵،ص ۴۰۲.

۲- نهج البلاغه، ترجمه و شرح: فیض الاسلام، رسائل، شماره ۴۷، ص ۹۷۸.

۳- ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص ۶۲۴.

۴- کنزالعمال، ج ۷۹.

اللّه ؛ نماز برترین عبادت برای خداوند است و آن بهترین صورتی است که خداوند آفریده است».(۱)

چهار _ محبوب ترین عمل نزد خداوند

امام علی علیه السلام می فرماید: «لیسَ عملٌ احبُّ الی اللّه ِعزّ وَ جلَّ منَ الصلاهِ؛ عملی محبوب تر از نماز برای خداوند عزّ و جلّ وجود ندارد».(۲)

ج) جایگاه نماز در سخن امام خمینی رحمه الله

امام خمینی رحمه الله در کتاب آداب الصلاه می فرماید:

خصوصا نماز که سِمَت جامعیت دارد و منزله آن در عبادات منزله انسان کامل است و منزله اسم اعظم، بلکه خود اسم اعظم است.

نماز در بین عبادت ها، عبادت جامع است؛ زیرا شامل اقسام گوناگون عبادت ها است. راز جامعیت نماز را می توان از این کلام پیامبر دریافت که می فرماید:

بِالصّلاهِ یَبْلُغُ الْعَبْدُ اِلی الدَّرجَهِ الْعُلیا لِأَنَّ الصَّلاهَ تَسبیحٌ و تَهلیلٌ وَ تَحمیدٌ و تَکبیرٌ وَ تَمجیدٌ وَ تَقدیسٌ وَ قَوْلٌ وَ دَعوَهٌ.

به وسیله نماز، بنده به درجه والا (نزد خدا) می رسد؛ زیرا نماز هم تسبیح است و هم تهلیل و هم تحمید و هم تکبیر و هم تمجید و هم تقدیس و هم گفتار و هم دعوت (دعا و درخواست).

۱- بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۳۷۹، باب آداب الصلاه.

۲- میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۱۲۸.

۶. فلسفه نماز از دیدگاه پیشوایان دینی

اشاره

۶. فلسفه نماز از دیدگاه پیشوایان دینی

امامان معصوم علیهم السلام درباره فلسفه تشریع نماز و دلایل واجب بودن آن در دین مواردی را ذکر کرده اند که به برخی از آنها اشاره می شود:

الف) اقرار به ربوبیت و اظهار عجز و خضوع و اعتراف

الف) اقرار به ربوبیت و اظهار عجز و خضوع و اعتراف

امام رضا علیه السلام در مورد علت واجب بودن نماز می فرماید:

اِنَّ عِلَهَ الصَّلاهِ إنّها اِقْرارٌ بِالرّبوبیَّهِ لِلّه ِعزَّ وَ جلَّ وَ خَلْعُ الْاَنْدادَ وَ قیامٌ بَیْنَ یَدَیِ الْجَبّارِ جَلَّ جَلالُه بِالذُّلِ وَ الْمَسکَنَهِ وَ الْخُضوعِ وَالإِعْتِرافِ وَ الطَّلَبِ لِلاقالَهِ مِنْ سالِفِ الذّنوبِ وَ وَضْعُ الوَجْه عَلیَ الْاَرْضِ کُلَّ یَومٍ اِعْظاما لِلّه عَزَّ وَ جَلَّ.(۱)

علت (وجوب) نماز این است که نماز اقرار به پروردگاریِ حق تعالی عزّ و جلّ و نفی شریک(برای اوست) و ایستادن درمقابل خداوند جبار با خواری و بیچارگی و خضوع و اعتراف و تقاضای بخشش گناهان گذشته و گذاشتن صورت بر زمین(خاک) در هر روز برای بزرگداشت و تعظیم مقام خدای عزوجل است.

ب) مداومت بر ذکر حق و فراموش نکردن او

ب) مداومت بر ذکر حق و فراموش نکردن او

امام رضا علیه السلام درباره فلسفه نماز می فرماید:

وَ اَنْ یَکون ذاکرا غَیْرَ ناسٍ وَ لا بَطِرٍ وَ یَکونُ خاشِعا مُتَذَلِّلًا راغِبا لِلزِّیادَهِ فِی الدّینِ وَ الدُّنیا مَعَ ما فیهِ مِنَ الایجابِ وَ المُداوَمهِ عَلی ذِکْرِ اللّه ِعزَّ وَ جَلَّ بِاللَّیلِ وَ النَّهارِ لِئَلّا یَنْسَی الْعَبْدُ سَیِّدَهُ وَ مُدَبِّرَهُ وَ خالِقَهُ فَیَبْطَرَ وَ یَطْغی وَ یَکونُ فی ذِکْرِهِ لِرَبِّهِ وَ قیامِهِ بَینَ یَدَیْهِ زاجِرا لَهُ

۱- صدوق، خصال، تحقیق: علی اکبر غفاری، ص ۵۲۵، ح ۱۱.

عَنِ الْمَعاصی وَ مانِعا لَهُ عَنْ اَنواعِ الْفَسادِ.(۱)

و اینکه بنـده به یاد (خالق خویش) باشـد و غافل و سـرکش نباشـد و اینکه خاشع و ذلیل و جویای زیادی در دین و دنیا باشد و آنکه ذکر حق عزّوجلّ و مـداومت بر آن در شب و روز واجب است تـا مبـادا بنـده آقـای خویش و تـدبیر کننـده و خالقش را فراموش کند که در نتیجه آن به سرکشـی و طغیان درافتد و در یاد کردن پروردگارش و ایسـتادن در مقابل او مانع و بازدارنده ای از انواع فساد، برای بنده باشد.

ج) جلوگیری از کبر و غرور

ج) جلوگیری از کبر و غرور

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید:

فَرَضَ اللّه ُالایمانَ تَطهیرا مِنَ الشِّرکِ وَ الصَّلاهَ تَنْزیها عَنِ الْکِبْرِ.(۲)

خداوند ایمان را برای پاک شدن از شرک و نماز را به منظور دور کردن بندگان از کبر، واجب کرد.

فاطمه زهرا علیهاالسـلام در خطبه مشهور خود می فرماید: «فَرَضَ اللّه ُالصَّلاهَ تَنْزیها عَنِ الکِبْرِ؛ خداوند، نماز را برای پاک شدن از کبر قرار داد».(۳)

د) سپاس گزاری از صاحب نعمت

د) سپاس گزاری از صاحب نعمت

۱- شـیخ محمـد بن الحسن حرالعـاملی، وسائل الشـیعه، تصـحیح و تحقیق: شـیخ عبـدالرحیم ربانی شـیرازی، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ه .ق، چ ۵، ج ۳، ص ۴.
۲- نهج البلاغه، فیض الاسلام، ص ۱۱۹۷، حکمت ۲۴۴.
۳- میزان الحکمه، ج۵، ص ۳۷۵.

امام سجاد علیه السلام می فرماید:

اَلْحمدُ للّه ِ الَّذی لَوْ حَبَسَ عَنْ عبادِهِ مَعْرِفَهَ حَمْدهِ عَلی ما اَبْلاهُمْ مِنْ مِنَنِهِ الْمُتَتابِعَهِ وَ اَسْبَغَ عَلَیْهِمْ مِنْ نِعَمِهِ الْمُتَظاهِرَهِ، لَتَصَرَّفوا فی مِنَنِهِ فَلَمْ یَحْمَدوهُ، وَ تَوَسَّعوا فی رزقِهِ فَلَمْ یَشکروهُ، وَ لَوْ کانوا کَذلِکَ لَخَرجوا مِنْ حُدودِ الإنسانیَّهِ اِلی حَدِّ الْبهیمیَّهِ فَکانوا کَما وَصَفَ فی مُحْکَمِ کَتابِهِ: اِنْ هُمْ اِلاّ کَالْاَنْعامِ بَلْ هُمْ اَضَلُّ سَبیلاً.(۱)

سپاس خدایی را که اگر شناخت حمد و سپاس خویش را بر آنچه از نعمت های پی در پی خود بر بندگان خویش عطا کرده و از نعمت های آشکاری که بر آنها گسترده است، از آنها مخفی می داشت (و بر این حمد گفتن آگاهشان نمی کرد) بدون شک از نعمت های او استفاده کرده و سپاس گزاری اش نمی کردند و از روزی او استفاده بسیار کرده و شکرش نمی گفتند. در این صورت، قطعا از حدود انسانیت خارج و در حد حیوان بودن داخل می گشتند؛ چنان که در کتاب خود فرموده است: آنان مگر همانند حیواناتی بیش نیستند، بلکه (این گونه افراد) گمراه ترند.

۷. حقوق نماز بر نمازگزار

۷. حقوق نماز بر نمازگزار

بر اساس گفتار و بیان ائمه دین، همان گونه که نماز، نمازگزار را از فحشا و بدی باز می دارد، همین طور هم حقوقی بر او پیدا می کند که رعایتِ حق او لازم است. از امام سجاد علیه السلام در این باره روایت شده است:

عَنْ محمد بنِ یعقوبِ باسناده اِلی مولانا زین العابدین علیه السلام اَنَّه قالَ: فَأمّا حقوقُ

۱- صحفیه کامله سجادیه، ترجمه و شرح: فیض الاسلام، دعای یکم، ص ۳۱.

الصَّلاهِ. فَاَنْ تَعْلَمَ انَّها وفادَهٌ اِلی اللّه ِ وَ انّکَ فیها قائِمٌ بَیْنَ یَدَیِ اللّه ِ فَإذا عَلِمْتَ ذلکَ کنتَ خَلیقا اَنْ تَقومَ فیها مَقامَ العَبْدِ الـذَّلیلِ الرّاغِبِ الرّاهِبِ الْخائِفِ الرّاجی الْمُسْتکینِ الْمُتَضَرِّعِ الْمُعظِم مقامَ مَنْ یَقومُ بَیْنَ یَدیْهِ بالسُّکونِ وَ الْوَقارِ وَ خُشوعِ الأطرافِ وَلینِ الْجناحِ وَ حُسْنِ الْمُناجاهِ لَهُ فی نَفْسِهِ وَ الطَّلبِ الیْهِ فی فَکاکِ رَقَبَتِهِ الّتی اَحاطَتْ بِهِ خطیئتهُ وَ اسْتَهْلَکَتْها ذُنوبُهُ وَ لا قوّهَ اِلاّ بِاللّه ِ.(۱)

اما حقوق نماز (که باید رعایت شود) عبارت از این است که بدانی نماز ورود به محضر خداست و بدانی که به هنگام نماز در پیشگاه خدا ایستاده ای. چون این را دانستی، شایسته خواهی بود که به نماز بایستی؛ آن گونه که بنده ذلیل، طالب و راغب، بیمناک (از عذاب خدا)، امیدوار (به رحمت خدا)، در مانده و زار به نماز می ایستد که با آرامش و وقار، خشوع در اعضا و جوارح، فروتنی و با مناجات نیکو و با طلب رهایی نفس خود که خطایایش او را فرا گرفته و گناهانش او را هلاک ساخته، مقام آن را که در پیشگاهش ایستاده، بزرگ می دارد و هیچ نیرویی جز از خدا نیست.

۸. نماز و ادیان الهی

اشاره

۸. نماز و ادیان الهی

بنا به نص آیات قرآن، نماز، عبادتی است که در آغاز نبوت حضرت آدم علیه السلام از سوی خداوند بر انسان واجب شده است و تمام انبیای الهی نیز بدان عمل می کرده اند، ولی چگونگی و شکل ظاهری آن دقیقا معلوم نیست.

۱- بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۳۸۰باب آداب الصلاه. در کتاب رساله الحقوق امام سجاد علیه السلام با اندکی تفاوت آمده است.

آنچـه مهم است ویژگی نمـاز در نهی از فحشـا و منکر و رسانـدن بنـده به معراج و مقـام قرب الهی است که همـواره در ادیـان مختلـف الهی مـورد توجه بوده است. در آیـات متعـددی از قرآن کریم به وجود نمـاز در دیگر ادیـان الهی اشـاره شـده است. نخست حدیثی از امام صادق علیه السلام در این باره نقل می شود:

اَحَبُّ الْأَعْمالِ الی اللّه ِعَزَّ وَ جَلَّ الصَّلاهُ وَ هِی آخِرُ وَصایا الْأنبیاءِ عَلیهم السَّلام.(۱)

محبوب ترین کارها نزد خدای عزّ و جل، نماز است و آن آخرین سفارش های پیامبران علیهم السلام است.

برخی از آیاتی که به وجود نماز در ادیان دیگر الهی دلالت دارند، به شرح ذیل است:

حضرت ابراهیم علیه السلام و نماز

قرآن در آیاتی از زبان حضرت ابراهیم علیه السلام چنین می فرماید:

رَبَّنا إِنّی أَسْکَنْتُ مِنْ ذُرِّیَّتی بِوادٍ غَیْرِ ذی زَرْعٍ عِنْدَ بَیْتِکَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنا لِیُقیمُوا الصَّلاهَ. (ابراهیم: ۳۷).

ای پروردگار ما، من ذریه خویش را در سرزمینی غیر قابل کشت در نزد خانه حُرمت یافته ات سکونت دادم تا نماز به پا دارند.

رَبِّ اجْعَلْنی مُقیمَ الصَّلاهِ وَ مِنْ ذُرِّیَّتی رَبَّنا وَ تَقَبَّلْ دُعاءِ. (ابراهیم: ۴۰)

پروردگارا، مرا و ذریه مرا به پا دارنده نماز قرار ده و دعای ما را بپذیر.

حضرت اسماعیل علیه السلام و نماز

حضرت اسماعیل علیه السلام و نماز

۱- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۶، ح ۲.

قرآن یکی از ویژگی های حضرت اسماعیل علیه السلام را امر مدام به نماز ذکر می کند:

وَ اذْکُرْ فِی الْکِتابِ إِسْماعِیلَ إِنَّهُ کانَ صادِقَ الْوَعْدِ وَ کانَ رَسُولاً نَبِیًّا وَ کانَ یَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلاهِ وَ الزَّکاهِ. (مریم: ۵۴ و ۵۵)

و در کتاب (قرآن) یادآور اسماعیل را که او وفا کننده به عهد و فرستاده ای نبیّ (خبر رسان) بود و همیشه اهل خود را به نماز و زکات فرمان می داد.

حضرت اسحاق و یعقوب علیهماالسلام و نماز

حضرت اسحاق و یعقوب علیهماالسلام و نماز

هنگامی که قرآن درباره حضرت اسحاق و یعقوب علیهماالسلام سخن می گوید، به این نکته اشاره دارد که ما (خداوند) بر آن پیامبران فعل خیر و اقامه نماز را وحی کردیم:

وَ وَهَبْنا لَهُ إِسْحاقَ وَ یَعْقُوبَ نافِلَهً وَ کُلًّا جَعَلْنا صالِحِینَ وَ جَعَلْناهُمْ أَئِمَّهً یَهْدُونَ بِأَمْرِنا وَ أَوْحَیْنا إِلَیْهِمْ فِعْلَ الْخَیْراتِ وَ إِقامَ الصَّلاهِ وَ إِیتاءَ الزَّکاهِ وَ کانُوا لَنا عابِدِینَ. (انبیاء: ۷۲ و ۷۳)

و به او اسحاق و یعقوب فرزند زاده اش را عطا کردیم و تمام آنها را نیکان قرار دادیم و آنان را ائمه ای قرار دادیم که به امر ما هدایت می کردند و بر آنها انجام اعمال خیر و بر پا داشتن نماز و دادن زکات را وحی کردیم و آنان (نیز) برای ما بندگانی عبادت کننده بودند.

حضرت شعیب علیه السلام و نماز

حضرت شعیب علیه السلام و نماز

بنا به نص قرآن، حضرت شعیب علیه السلام نیز نماز را به قوم خویش ابلاغ کرده است:

قالُوا یا شُعَیْبُ أَ صَلاتُکَ تَأْمُرُکَ أَنْ نَتْرُکَ ما یَعْبُدُ آباؤُنا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فی أَمْوالِنا ما

نَشوا. (هود: ۸۷)

گفتند: ای شعیب آیا نمازت تو را فرمان می دهد که ما آنچه را که پدرانمان می پرستیدند ترک کنیم یا آن گونه که می خواهیم در اموالمان تصرف نماییم.

حضرت موسی علیه السلام و نماز

حضرت موسی علیه السلام و نماز

هنگامی که حضرت موسی علیه السلام به پیامبری برگزیده شد، اولین فرمان الهی که به آن حضرت ابلاغ شد، اقامه نماز بود:

فَلَمّا أَتاها نُودِیَ یا مُوسی إِنّی أَنَا رَبُّکَ... فَاسْتَمِعْ لِما یُوحی إِنَّنی أَنَا اللّهُ لا إِلهَ إِلاّ أَنَا فَاعْبُدْنی وَ أَقِمِ الصَّلاهَ لِذِکْری. (طه: ۱۱ _ ۱۴)

پس چون موسی (نزد آن آتش) آمد، ندا داده شد که ای موسی من همان پروردگار تو هستم... پس به آنچه که بر تو وحی می شود گوش فرا ده که من اللّه هستم و جز من خدایی نیست، پس مرا عبادت کن و نماز را برای ذکر و یاد من به پا دار.

لقمان و نماز

لقمان و نماز

لقمان در مورد نماز و امر به معروف و نهی از منکر به فرزند خود، چنین سفارش می کند:

یا بُنَیَّ أَقِمِ الصَّلاهَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ انْهَ عَنِ الْمُنْکَرِ. (لقمان: ۱۷)

ای فرزندم، نماز را به پا دار و امر به معروف و نهی از منکر نما.

حضرت زکریا علیه السلام و نماز

همچنین قرآن در مورد نمازگزار بودن زکریا علیه السلام می فرماید:

فَنادَتْهُ الْمَلائِکَهُ وَ هُوَ قائِمٌ یُصَلّی فِی الْمِحْرابِ. (آل عمران: ۳۹)

پس فرشتگان او را ندا دادند، در حالی که او در محراب به نماز ایستاده بود.

حضرت عیسی علیه السلام و نماز

حضرت عیسی علیه السلام و نماز

هنگامی که حضرت عیسی علیه السلام طفلی در گهواره بود، به مردمان خبرداد که خداوند مرا پیامبر قرار داده و به نماز سفارش کرده است:

قالَ إِنّی عَبْدُ اللّهِ آتانِیَ الْکِتابَ وَ جَعَلَنی نَبِیًّا وَ جَعَلَنی مُبارَکًا أَیْنَ ما کُنْتُ وَ أَوْصانی بِالصَّلاهِ وَ الزَّکاهِ. (مریم: ۳۰ و ۳۱)

(عیسی) گفت: من بنده خدا هستم. (او) مرا کتاب داده و پیامبر قرار داده است و هر کجا باشم مرا مبارک قرار داده و به نماز و زکات سفارش کرده است.

بنا بر آنچه گفته شد، صلاه یا نماز یک حکم واجب الهی در همه ادیان بوده است و همه اقوام انبیای الهی موظف به انجام فریضه نماز بوده اند:

و هنگامی که ما از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و مسکینان نیکی کنید و با مردم نیکو صحبت کنید و نماز به پا دارید و زکات بدهید، سپس شما سرباز زدید. (بقره: ۸۳)

اما اهمیت نماز در دین اسلام نسبت به دیگر ادیان الهی را باید همانند شأن پیامبر و قرآن در میان پیامبران و کتاب های آنها دانست.

نماز و موجودات دیگر

نماز و موجودات دیگر

قرآن کتابی است که کلمات آن بیانگر اسرار هستی است .یکی از مسائل قابل توجه در آن، مسئله تسبیح موجودات و اشیاست. با توجه به اینکه تسبیح و عبادت موجودات بر حیات آنها استوار است، پس تمام موجودات دارای نوعی حیات در حد اقتضای وجود خود هستند و این مسئله در علوم عقلی و عرفانی اسلام امری اثبات شده است.

امام خمینی رحمه الله در مقام استاد برجسته در علوم برهانی و عرفانی در مورد تسبیح موجودات می فرماید:

... در مدارک ائمه برهان و قلوب اصحاب عرفان به ظهور پیوسته که تمام دائره وجود ـ بمُلکِها و ملکوتها و قَضّها و قضیضها ـ حیات شعوریِ ادراکیِ حیوانی بل انسانی دارند و حامد و مسبِّح حق تعالی از روی استشعار و ادراکند و در فطرت تمام موجودات ـ خصوصا نوع انسانی ـ خضوع در پیشگاه مقدس کامل و جمیل علی الاطلاق ثبت و ناصیه آنها در آستانه قدسش بر خاک است.(۱)

نظر قرآن در این باره قابل توجه است:

۱. دیگر جنبندگان، گروه هایی همانند شما هستند:

وَ ما مِنْ دَابَّةٍ فِی ٱلْأَرْضِ وَ لا طائِرٍ یَطیرُ بِجَناحَیْهِ إِلاّ أُمَمٌ أَمْثالُکُمْ. (انعام: ۳۸)

و هیچ جنبنده ای در زمین و پرنده ای که با دو بالش پرواز می کند نیست، مگر اینکه امت هایی مانند شما (هستند).

۲. هر یک از موجودات به نماز و تسبیح خود آگاهند:

أَ لَمْ تَرَ أَنَّ اللّهَ یُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ ٱلْأَرْضِ وَ الطَّیْرُ صَافّاتٍ کُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلاتَهُ وَ تَسْبیحَهُ وَ اللّهُ عَلیمٌ بِما یَفْعَلُونَ. (نور: ۴۱)

آیا نمی بینی که هرچه در آسمان ها و زمین است و پرنده بال گشوده، همگی خدا را تسبیح می گویند و هر کدام نماز و تسبیح خویش را می داند و خداوند به آنچه انجام می دهند، آگاه است.

در این آیه از واژه «صلاه» در مورد موجودات استفاده شده است.

۳. تمام اشیا و موجودات و تمام عوالم هستی و آسمان های هفت گانه و زمین و هر آنچه در آنها است، همگی خداوند را تسبیح می گویند:

۱- آداب الصلاه، صص ۲۷۹ و ۲۸۰.

تُسَبِّحُ لَهُ السَّماواتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ فيهِنَّ وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لكِنْ لا تَفْقَهُونَ تَسْبيحَهُمْ. (اسراء: ۴۴)

آسمان های هفت گانه و زمین و هر چه در آنهاست، خدا را تسبیح می گویند و هیچ چیزی وجودندارد مگر اینکه او را تسبیح می گوید، ولی شما تسبیح آنها رانمی فهمید.

همچنین آیات دیگری نیز به شعور عالم هستی و تسبیح موجودات اشاره دارند، از جمله:

وَ لِلّهِ يَسْجُدُ ما فِي السَّماواتِ وَ ما فِي الْأَرْضِ مِنْ دابَّةٍ وَ الْمَلائِكَةُ وَ هُمْ لا يَسْتَكْبِرُونَ. (نحل: ۴۹)

و آنچه در آسمان ها و زمین، جنبنده وجود دارد و نیز فرشتگان برای خدا سجده می کنند و از این کار سرپیچی و تکبر نمی کنند.

سَخَّرْنا مَعَ داوُودَ الْجِبالَ يُسَبِّحْنَ وَ الطَّيْرَ وَ كُنّا فاعِلِينَ. (انبیاء: ۷۹)

پرنده و کوه ها را مسخره کردیم که با داود تسبیح گویند و ما انجام دهنده بودیم.

وَ النَّجْمُ وَ الشَّجَرُ يَسْجُدانِ. (رحمن: ۶)

و ستاره و درخت او را سجده می کنند.

بنابراین، تمام هستی به تسبیح خالق خود مشغولند، ولی ما این تسبیح و نماز آنان را درک نمی کنیم، چنان که در آیه ۴۴ سوره اسراء نیز بدان تأکید شده است.

مفسران درباره چگونگی تسبیح و نماز موجودات اختلاف دارند؛ گروهی به تکوینی بودن تسبیح آنان معتقدند، ولی برخی مانند امام خمینی رحمه الله بر شعوری بودن و تسبیح آگاهانه نطقی اعتقاد دارند.

در اینجا به نظر امام خمینی رحمه الله که گویای وجود آرا و اختلاف نظر مفسران است، اشاره می شود:

بدان که از برای جمیع موجودات حظّ، بلکه حظوظی از عالم غیب که حیات محض است، می باشد و حیات ساری درتمام دار وجود است و این مطلب نزد ارباب فلسفه عالیه، با برهان و نزد اصحاب قلوب و معرفت، به مشاهده و عیان، ثابت است و آیات شریفه الهیه و اخبار اولیای وحی علیهم الصلاه و السلام دلالت تام تمام بر آن دارد.

و محجوبین از اهل فلسفه عامیه و اهل ظاهر که نطق موجودات را نیافته انـد به تأویل و توجیه پرداخته اند و عجب آن است که اهل ظاهر که به اهل فلسفه طعن زنند که تأویل کتاب خدا کنند، به حسب عقل خود در این موارد، خود تأویل این همه آیات صریحه و احادیث صحیحه کنند؛ به مجرد آنکه نطق موجودات را نیافته اند، با آنکه برهانی در دست ندارند، پس تأویل قرآن را، بی برهان و به مجرد استبعاد کنند.

بالجمله، دار وجود اصل حیات و حقیقت علم و شعور است و تسبیح موجودات تسبیح نطقی شعوری ارادی است؛ نه تکوینی ذاتی که محجوبان گویند و تمام آنها به حسب حظّی که از وجود دارند، به مقام باری جلّت عظمته معرفت دارند.(۱)

۹. آداب و اسرار نماز

اشاره

۹. آداب و اسرار نماز

اجتماع و زنـدگی اجتماعی انسان اقتضای خلقت و طبع مـدنی و اجتماعی اوست؛ به گونه ای که نه نوع انسان قادر به زنـدگی غیر اجتماعی و بریده از دیگران است و نه شرع و دستورهای الهی به او اجازه چنین عملی می دهد. ساده ترین شکل اجتماع، هم نشینی است که در آموزه های اسلامی بدان توجه شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

۱- آداب الصلاه، صص ۲۵۵ و ۲۵۶.

الْوَحدَهُ خیرٌ مِنْ جَلیسِ السُّوءِ وَ الْجَلیسُ الصّالحُ خَیرٌ مِنَ الْوَحْدَهِ.(۱)

تنهایی بهتر از هم نشین بد است و هم نشین نیکوکار بهتر از تنهایی است.

مسئله مهم در زندگی اجتماعی و ارتباط با دیگران، مسئله رعایت آداب و رسوم است؛ یعنی رعایت مسائلی که انجام یا ترک آن ضروری است و نشان عقل و شخصیت انسان به شمار می رود. به حکم عقل، رعایت آداب در ارتباط با دیگران به تناسب میزان اعتبار و جایگاه طرف مقابل، بسیار ضروری است و این مسئله در زندگی روزانه قابل درک است. برای مثال، در دیدار یک پادشاه و یا یک مسئول بلندپایه، از لحاظ ظاهری و رفتاری، ادب لازم را رعایت می کنیم. در شرع مقدس و احادیث، دو گونه ادب به نمازگزاران توصیه شده است که رعایت آنها به رشد و کمال انسانی و تأثیرگذار بودن نماز خواهد انجامید و رعایت نکردن آن محرومیت از لطف الهی را به همراه خواهد داشت.

«بدان که از برای نماز غیر از این صورت، معنایی است و غیر از این ظاهر، باطنی است و چنانچه ظاهر را آدابی است که مراعات ننمودن آنها موجب بطلان نماز صوری یا نقصان آن گردد، همین طور از برای باطن آدابی است قلبیه باطنیه که با مراعات ننمودن آنها نماز معنوی را بطلان یا نقصان دست دهد، چنانچه با مراعات آنها نماز دارای روح ملکوتی

۱- نهج الفصاحه، ص ۶۴۳ .

شود».(۱)

آداب نماز دوگونه است: آداب ظاهری و آداب باطنی. نماز هم مثل انسان دارای ظاهر و باطن است وانسانیت انسان براساس نماز و نماز انسان براساس انسانیت او محقق می گردد. امام خمینی رحمه الله درباره رابطه نماز با انسانیت انسان می فرماید:

بالجمله از برای نماز مقامات و مراتبی است که در هر مرتبه ای که مصلی است، نمازش با مرتبه دیگر بسیار فرق دارد، چنانچه مقامش با مقامات دیگر خیلی فرق دارد. پس مادامی که انسان، صورت انسان و انسان صوری است نماز او نیز نماز صوری است و فایده آن نماز، فقط صحت و اجزای صوری فقهی است... و اگر ازمرتبه ظاهر به باطن و از صورت به معنی پی برد تا هر مرتبه ای که محقق شود نماز او نیز حقیقت پیدا می کند... .

پس مادامی که نماز انسان صورت نماز است و به مرتبه باطن و سرّ آن نرسیده، انسان متحقق نشده، انسان نیز صورت انسان است و به حقیقت آن محقق نگردیده، پس میزان درکمال انسانیت وحقیقت آن عروج به معراج حقیقی و صعود به اوج کمال و وصول به باب اللّه با مرقات نماز است.(۲)

در این قسمت، مختصری از آداب عبادت ونماز از زبان امامان معصوم علیهم السلام و نیز اهل نماز حقیقی، به ویژه امام خمینی رحمه الله بیان می شود:

امام خمینی رحمه الله در آداب عمومی عبادت، به ویژه نماز می فرماید:

الف) ادب ذلت خود در برابر عزت خدا

الف) ادب ذلت خود در برابر عزت خدا

«یکی از آداب قلبیه در عبادت و وظایف باطنیه سالك طریق آخرت،

۱- آداب الصلاه، ص ۲.

۲- امام خمینی، اسرارنماز یا معراج السالکین و صلاه العارفین، ص ۷.

توجه به عزّ ربوبيّت و ذلّ عبوديت است.(۱) پس سالک الی اللّه را ضرور است که به مقام ذلّ خود پی برد و نصب العين او ذلّت عبوديّت و عزت ربوبيّت باشد».(۲)

بنابراين، نمازگزار بايد به هنگام عبادت، ناچيزی و ضعيف بودن خود را در مقابل عظمت بی انتهای خالق خويش به ياد آورد تا از حجاب خودبينی بيرون آيد. «تا انسان را نظر به خويشتن و کمال و جمال متوهم خود است، از جمال مطلق و کمال صرف، محجوب و مهجور است و اول شرط سلوک الی اللّه خروج از اين منزل است، بلکه ميزان در رياضت حق و باطل همين است».(۳)

حاصل اين ادب درنماز، خشوع است: «يکی از اموری که برای سالک در جميع عبادت خصوصا نماز که سرآمد همه عبادات است ومقام جامعيت دارد لازم است، خشوع است و حقيقت آن عبارت است از خضوع تامّ ممزوج با حبّ يا خوف.(۴) اگر قلب از قلوب شوقی باشد، خضوع در عين حبّ اوست و ناشی از هيبت و عظمت و سطوت جمال حق است و اگر قلب خوفی باشد، خضوع او ناشی از ادراک عظمت و کبريا و جلال حق است».

۱- آداب الصلاه، ص ۷.

۲- آداب الصلاه، ص ۹.

۳- آداب الصلاه، ص ۸.

۴- آداب الصلاه، ص ۱۳.

ب) ادب طمأنینه

ب) ادب طمأنینه

«و از آداب مهمه قلبیه عبادات، خصوصا عبادات ذکریه، طمأنینه است و آن غیر از طمأنینه ای است که فقها «رضوان اللّه علیهم» در خصوص نماز اعتبار کرده اند و آن عبارت است از آنکه شخص سالک عبادت را از روی سکونت قلب و اطمینان خاطر به جا آورد؛ زیرا که اگر عبادت رابا حال اضطراب قلب و تزلزل به جا آورد، قلب از آن عبادت منفعل نشود و آثاری از عبادت در ملکوت قلب حاصل نشود و حقیقت عبادت صورت باطنیه قلب نگردد.(۱)

در اول امر که زبان قلب گویا نشده، سالک راه آخرت باید آن را تعلیم دهد و با طمأنینه و سکونت، ذکر را به آن القا کند. همین که زبانِ قلب باز شد، قلب، قبله لسان و سایر اعضا می شود. با ذکر، آن همه مملکت وجود انسانی ذاکر گردد و ولی اگر این ذکر شریف را بی سکونت قلب و طمأنینه آن و با عجله و اضطراب و اختلال حواس گفت، از آن در قلب اثری حاصل نشود و از حدّ زبان و گوش حیوانی ظاهری به باطن و سمع انسانی نرسد...».(۲)

ج) ادب محافظت عبادت از تصرف شیطان (اخلاص داشتن)

ج) ادب محافظت عبادت از تصرف شیطان (اخلاص داشتن)

امام خمینی رحمه الله، این ادب را از اصولی ترین و مهم ترین آداب قلبی دانسته و به آیه «وَ الَّذینَ هُمْ عَلی صَلَواتِهِمْ یُحافِظُونَ» (مؤمنون: ۹) استناد می کند:

۱- آداب الصلاه، ص ۱۶.

۲- آداب الصلاه، ص ۱۷.

و خلوص از تصرف شیطان که مقدمه اخلاص است، به حقیقت حاصل نشود؛ مگر آنکه سالک در سلوکش خداخواه شود وخودخواهی و خودپرستی را که منشأ تمام مفاسد و امّ الامراض باطن است، زیر پا نهد.(۱)

پس بر سالک طریق آخرت لازم و حتم است که... با کمال دقت و تفتیش در حرکات و سکنات و طلب و مطلوب خود غور کند... و از حیله های نفس و شیطان غفلت نکند و از دام های نفس اماره و ابلیس غافل نشود و در جمیع حرکات و افعال، سوء ظن کامل به خود داشته باشد و هیچ گاه آن را سرخود و رها نکند...».(۲)

د) ادب نشاط و بهجت

د) ادب نشاط و بهجت

«و دیگر از آداب قلبیه نماز و سایر عبادات که موجب نتایج نیکویی است، بلکه باعث فتح بعضی از ابواب و کشف بعضی از اسرار عبادات است، آن است که سالک جدیّت کند که عبادت را از روی نشاط و بهجت قلب و فرح و انبساط خاطر به جا آورد و از کسالت و ادبار نفس در وقت عبادت احتراز شدید کند. پس وقتی را که برای عبادت انتخاب می کند، وقتی باشد که نفس را به عبادت اقبال است و دارای نشاط و تازگی است و خستگی و فتور ندارد؛ زیرا اگر نفس را در اوقات کسالت و خستگی وادار به عبادت کند ممکن است آثار بدی به آن مترتب شود که از جمله

۱- آداب الصلاه، ص ۲۰.

۲- آداب الصلاه، ص ۲۱.

آنها آن است که انسان از عبادت منزجر شود...».(۱)

پیامبراکرم صلی الله علیه و آله که می فرماید:

قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله یا عَلیُّ، اِنَّ هذا الدین متینٌ، فَأَوغِلْ فیهِ بِرِفْقٍ وَ لا تُبَغِّضُ اِلی نفسکَ عبادهَ ربِّکَ.(۲)

ای علی، این دین متین و استوار است، با رفق و مدارا در آن گام نه و پرستش پروردگارت را مبغوض خود مکن.

همچنین امام حسن عسکری علیه السلام که می فرماید:

اِذا نَشَطَتِ القلوبُ فَاَوْدِعوُها وَ اذا نَفَرَتْ فَوَدِّعوها.(۳)

هنگامی که قلوب نشاط و بهجت دارند، به آنها امانت بسپارید و وقتی که گریزانند آنها را واگذارید.

امام خمینی رحمه الله با اشاره به حدیث می فرماید:

و از این احادیث و احادیث دیگر استفاده ادب دیگر شود که آن نیز از مهمات باب ریاضت است و آن عبارت از مراعات است و آن، چنان است که سالک در هر مرتبه که هست، چه در ریاضات و مجاهدات علمیّه یا نفسانیّه یا عملیّه، مراعات حال خود را بکند و با رفق و مدارا با نفس رفتار نماید و زائد بر طاقت و حالت خود تحمیل آن نکند، خصوصاً برای جوان ها و تازه کارها این مطلب از مهمات است... ».(۴)

ه) ادب تفهیم

ه) ادب تفهیم

۱- آداب الصلاه، ص ۲۳.

۲- آداب الصلاه، ص ۲۴، به نقل از اصول کافی، ج ۳، ص ۱۳۸.

۳- آداب الصلاه، ص ۲۵.

۴- آداب الصلاه، ص۲۵.

«یک از آداب قلبیه عبادات، خصوصاً عبادات ذکریه تفهیم است و آن، چنان است که انسان قلب خود را در ابتدای امر چون طفلی پندارد که زبان باز نکرده و آن را می خواهد تعلیم دهد».(۱)

و) ادب حضور قلب

اشاره

و) ادب حضور قلب

«یکی از مهمّات آداب قلبیه که شاید کثیری از آداب، مقدمه آن باشد و عبادت را بدون آن روح و روانی نیست... و در احادیث شریفه از کمتر چیزی این قدر ذکر شده و به کمتر ادبی این قدر اهمیت داده شده، حضور قلب است».(۲)

در احادیث و آیات قرآن، ادب حضور قلب، مهم ترین ادبی است که درباره آن مطالب فراوانی آمده است و حقیقت نماز با توجه به این ادب محقق می شود و تأثیر نماز نیز که منع از فحشا و منکر است و اختلاف درجه نمازها به همین ادب است. حضور قلب به معنای حاضر بودن جان و روح و قلب انسان همراه با حرکات و ذکر نماز است که در روایات بیشتر به اقبال قلب از آن تعبیر شده است. (تفصیل بیشتر این مطلب مطابق روایت های ائمه علیهم السلام در بخش دوم آمده است و در اینجا بیشتر درباره چگونگی کسب حضور قلب مطالبی آورده می شود). امام خمینی رحمه الله با اشاره به موانع حضور قلب و راه علاج آنها می فرماید:

پس ای عزیز، اگر ایمان به آنچه ذکر شد که گفته انبیا علیهم السلام است، آوردی و خود را برای

۱- آداب الصلاه، ص۲۸.

۲- آداب الصلاه، ص۳۱.

تحصیل سعادت و سفر آخرت مهیا نمودی و لازم دانستی حضور قلب را نمایی و خارهای طریق را از سر راه سلوك ریشه کن کنی و پس از آن اقدام به خود آن کنی.(۱)

یک _ موانع حضور قلب

«مانع حضور قلب در عبادات، تشتّت خاطر و کثرت و ارادت قلبیه است».(۲) بنابر نظر امام خمینی رحمه الله، این پراکندگی خاطر و حواس انسان ناشی از دو عامل (خارجی و داخلی) است:

اول _ عامل خارجی یا ظاهری

اغلب از راه حواس ظاهر پنج گانه انسان بر تمرکز خاطر تأثیر می گذارد؛ مثلاً گوش انسان در حالت عبادت بشنود و توجه به آن منشأ تخیل و افکار در مورد آن گردد و همین طور از طریق چشم و... . در مورد راه علاج این مشکل، گروهی گفته اند که بهتر است انسان در خانه تاریکی یا محلّ خلوت نماز بخواند یا در نماز چشم خود را ببندد و در مواضعی که جلب نظر می کند، نماز نخواند.

امام خمینی رحمه الله به رفع موانع ظاهری بسنده نمی کند، بلکه معتقد است باید خاستگاه اندیشه و خیال کنترل شود که همان کنترل قوه خیال و وهم است:

ولی معلوم است این، رفع مانع نکند و قطع ماده ننماید؛ زیرا که عمده تصرف خیال است که با منشأ جزیی کار خود را انجام می دهد، بلکه گاه شود که در خانه تاریك و کوچك و تنها، تصرف

۱- آداب الصلاه، ص۴۲.

۲- آداب الصلاه، ص۴۲.

واهمه و خیال بیشتر شود... پس قلع ماده کلی به اصلاح خیال و وهم است... .(۱)

دو ــ عامل داخلی یا باطنی

گـاهی تشـتّت خاطر و مانع حضور قلب، از امور باطنی است که دو منشأ دارد: «یکی هرزه گردی و فرّار بودن طایر خیال است؛ زیرا که خیال، قوه ای است بسـیار فرّار که دائماً از شاخه ای به شاخه ای آویزد... و این مربوط به حبّ دنیا و توجه به امور دنیّه و مـال و منـال دنیوی نیست، بلکه فرّار بودن خیال خود مصـیبتی است که تارک دنیا نیز به آن مبتلا است... . «منشأ دیگر، حبّ دنیـا و تعلق خـاطر به حیثیـات دنیوی است که رأس خطیئـات و امّ الامراض باطنه است که خار طریق اهل سـلوک و سرچشـمه مصیبات است...».(۲)

دو ــ راه علاج

امام خمینی رحمه الله در علاج این دو مانع باطنی؛ یعنی هرزه گردی خیال و حب دنیا، راه هایی معرفی می کند:

بـدان که هریک از قوای ظاهره و باطنه نفس قابل تعلیم و تربیت است با ارتیاض مخصوص؛ مثلاً چشم انسان قادر نیست که به یک نقطه معینه یا در نور شدیـد، مثل نور عین شـمس، مـدتی طولانی نگاه کنـد بـدون به هم خوردن پلک های آن، ولی اگر انسان چشم را تربیت کنـد چنانچه بعضـی از اصـحاب ریاضات باطنه برای مقاصـدی عمل می کننـد، ممکن است چنـد ساعت متمادی در قرص آفتاب نظر را بـدوزد، بدون آنکه چشم به هم بخورد یا خسـتگی پیدا کند... و از قوایی که قابل تربیت اسـت قوه خیال و قوه واهمه است... و طریق عمده رام نمودن آن عمل به خلاف است و آن، چنان است که انسان در وقت نماز خود را مهیا کند که حفظ خیال در نماز کند و آن را حبس در عمل

۱- آداب الصلاه، صص ۴۲ و ۴۳.

۲- آداب الصلاه، ص ۴۳.

نماید و به مجرد اینکه بخواهد از چنگ انسان فرار کند، آن را استرجاع نماید... و این در اول امر کاری صعب به نظر می آید، ولی پس از مدتی عمل و دقت و علاج حتماً رام می شود... .(۱)

در علاج حب دنیا نیز می فرماید:

علاج این مرض مهلک و فساد خانمان سوز با علم و عمل نافع است، اما علم نافع برای این مرض، تفکر در ثمرات و نتایج آن و مقایسه کردن بین آنها و مضار و مهالک حاصله از آن است.(۲)

چون معلوم شد که حبّ دنیا مبدأ و منشأ تمام مفاسد است، بر انسان عاقل علاقه مند به سعادت خود لازم است این درخت را از دل ریشه کن کند و طریق علاج عملی آن است که معامله به ضدّ کند: پس اگر به مال و منال علاقه دارد، با بسط ید و صدقات واجبه و مستحبه، ریشه آن را از دل بکند... و اگر علاقه به فخر و تقدّم و ریاست و استطالت دارد، اعمال ضدّ آن را بکند و دماغ نفس اماره را به خاک بمالد و اصلاح شود.(۳) پس عزم خود را قوی کن و اراده خویش را محکم نما که اول شرط سلوک عزم است و بدون آن راهی نتوان پیمود و به کمالی نتوان رسید.(۴)

سه _ مراتب حضور قلب

امام خمینی رحمه الله مراتبی را برای حضور قلب ذکر می کند:

اول مرتبه حضور قلب در عبادات، حضور قلب در عبادت است اجمالاً ـ و آن از برای همه کس میسور است و آن چنان است که انسان به قلب خود بفهماند که باب عبادت باب ثنای معبود است.

مثل طفلی که شعری را در مدح کسی بخواند و اجمالاً بداند که دارد مدح می کند، اگرچه معنی جملات را نداند. مرتبه دوم از حضور، حضور قلب در عبادت است تفصیلاً و آن چنان است که قلب عابد در جمیع عبادات حاضر باشد و بداند که حق را به چه توصیف می کند و چطور مناجات می کند و از برای آن مراتب و مقدماتی است بسیار متفاوت... پس یک طایفه هستند که از

۱- آداب الصلاه، صص ۴۳ و ۴۴.

۲- آداب الصلاه، ص ۵۰.

۳- آداب الصلاه، صص ۵۰ و ۵۱.

۴- آداب الصلاه، ص ۵۲.

نماز و سایر عبادات جز صورت و قشر و هیئت ملکی آن چیزی نمی دانند، ولی مفاهیم عرفیه اذکار و ادعیه و قرائت را می فهمند... و طایفه دیگر آنانند که حقایق عبادات و اذکار را می فهمند به قدم عقلی و فکری... و این طایفه حضور قلبشان در عبادت آن است که تفصیلاً قلبشان در ذکر این حقایق و... حاضر باشد و بفهمند چه می کنند و چطور ثنا و حمد حق می گویند.

و طایفه دیگر آنانند که حقایقی را که با قدم فکری و عقلی ادراک کرده اند، با قلم عقل به لوح قلب رسانند و قلب آنها نیز به آن حقایق آشنا شده و ایمان آورده است؛ زیرا که مرتبه ایمان قلبی با ادراک عقلی بسیار فرق دارد... .

و طایفه دیگر آنانند که علاوه بر آنکه این حقایق را به قلب رسانده و به مقام کمال اطمینان رسیدند، با مجاهدات و ریاضات به مرتبه کشف و شهود رسیده و حقایق را با چشم ملکوتی و بصیرت الهیه به مشاهده حضوریه و حضور عینی دریابند.(۱)

سومین مرتبه حضور قلب، حضور قلب در معبود است که خود دارای مراتبی است. «بالجمله، مرتبه اول حضور قلب در معبود آن است که با علم برهانی عالم را محضر ربوبیت بداند و عبادت خود و جمیع حرکات باطن و ظاهر خود را عین حضور و نفس خود بداند... .

مرتبه دوم از حضور قلب در تجلی فعلی، مرتبه ایمان و اطمینان است که از تذکر حبیب در سرّ و علن و مناجات با ذات اقدس و خلوت با او حاصل گردد...

پس قلب لذت حضور را دریابد و لذت فیض حضور، او را از عبادت غافل کند. سپس از خود و عبادت محجوب شود و از عالم، فانی گردد و به تجلی فعلی مشغول شود و این حال که در حد تمکین رسید و از تلوین خارج شد، کم کم نمونه تجلیات اسمائیه از قلب سالک بروز کند که مرتبه

۱- اسرار نماز، صص ۱۹ و ۲۲.

دیگر از حضور قلب در معبود است (مرتبه سوم).»(۱)

۱۰. آداب اقامه نماز در احادیث

۱۰. آداب اقامه نماز در احادیث

بعد از تأکید ائمه علیهم السلام بر اهمیت نماز و امر و نهی درباره آن، به آدابی که برای اقامه این فریضه الهی بیان کرده اند، اشاره می شود:

امام صادق علیه السلام می فرماید:

اِذا اِسْتَقْبَلْتَ الْقِبْلَهَ فَانْسِ الدُّنیا وَ ما فِیها وَالْخَلْقَ وَ ما هُم فیه... و اذْکُر وُقُوفَک بَینَ یَدَیهِ یَومَ تَبلُو کُلُّ نَفْسٍ ما اَسْلَفَتْ.(۲)

هنگامی که مقابل قبله ایستادی، پس دنیا و آنچه را در آن است و خلق و آنچه را به آن مشغولند، فراموش کن و یاد آور ایستادنت را در مقابل او (پروردگار)؛ روزی که هرکس هرچه پیش فرستاده است، آشکار ببیند.

همچنین می فرماید:

اِذا صَلّیتَ صَلاهَ فَریضَهٍ فَصَلِّها لِوَقْتِها صَلاهَ مُوَدِّعٍ یَخافُ اَنْ لایَعودَ إلیْها اَبداً.(۳)

هنگامی که نماز واجبی بگزاری پس آن را در وقتش به جا آور، همانند وداع کننده با نماز که می ترسد که دیگر هیچ گاه به او باز نگردد.

و در آداب تکبیر می فرماید:

۱- اسرار نماز، صص ۲۴ و ۲۵.

۲- بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۳۶۹ برگرفته از: مصباح الشریعه.

۳- بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۱۰.

چون تکبیر گفتی، کوچک شمار در محضر کبریای آن ذات مقدس، بین عرش تا فرش را؛ زیرا خداوند تعالی اگر بنده ای را ببیند که تکبیر گوید، ولی در قلبش اشکالی است؛ یعنی آنچه به زبان آورده، قلب موافقت نکند، فرماید: «ای دروغ گو، با من خدعه می کنی؟ به عزت و جلالم قسم که از شیرینی ذکر خود، تو را محروم می کنم و از قرب خود تو را محجوب نمایم و از سُرور مناجات خویش، تو را محتجب کنم».(۱)

در مورد ادب رکوع می فرماید:

فارکع رکوع خاضعٍ لِلّهِ بقَلْبِهِ، مُتَذلِّلٍ و جلٍ تَحْتَ سُلْطانِهِ، خافِضٍ لَهُ بِجَوارِحِهِ خَفْضِ خائفٍ حزنٍ عَلی ما یَفوتُهُ مِن فائِدهِ الرّاکِعین.(۲)

رکوع کن، مانند رکوع کسی که با قلبش برای خداوند خضوع کند و (رکوع کسی که) ذلیل و ترسان [داخل در] سلطنت او شود و با اعضایش برای او فروتنی نماید؛ فروتنی فرد نگران و غم زده بر از دست رفتن فایده های رکوع کنندگان.

در ادب سجود هم می فرماید:

فَاسْجُدْ سُجُودَ مُتَواضِعٍ لِلّهِ ذَلیلٍ، عَلِمَ اِنّهُ خُلِقَ مِنْ تُرابِ یَطَأهُ الْخَلَقَ وِ اِنَّه اَتَّخَذَکَ مِنْ نُطْفَهٍ یَسْتَقْذِرُها کُلُ اَحَدٍ، وَ کُوْنَ ما لَمْ یَکُنْ.(۳)

پس سجده کن، سجده تواضع کننده ذلیل برای خداوند، اینکه بداند او از خاک خلق شده است و او (خدا) از نطفه ای که هر کسی از آن بیزار است، تو را پدید آورده و او آنچه را که نبود، هستی داد.

۱- بحار الانوار، ج۸۱، ص۳۶۹.

۲- بحار الانوار، ج۸۲، ص۵۳۳.

۳- بحار الانوار، ج۸۲، ص۵۴۹.

تأویل نماز از زبان امام علی علیه السلام

تأویل نماز از زبان امام علی علیه السلام

در کتاب بحارالانوار درباره تأویل نماز روایتی از امام علی علیه السلام نقل شده است. جابربن عبدالله انصاری گوید: «با امام علی علیه السلام بودم. مردی را دید که به نماز ایستاده بود، پس به او فرمود: ای مرد، آیا تأویل نماز را می دانی؟ مرد گفت: ای مولای من، آیا برای نماز غیر از عبادت تأویلی هست؟ فرمود: بله، قسم به کسی که محمد صلی الله علیه و آله را به نبوت برانگیخت و نبی خود را به کاری برانگیخته نکرد، مگر اینکه آن کار را تشابه (متشابه) و تأویل و تنزیلی است و تمام آنها به تعبد و بندگی دلالت دارند. مرد گفت: مرا تعلیم فرما که آن تأویل چیست؟

فرمود: تأویل تکبیر اول برای احرام بستن تو آن است که هنگامی که «اللّه اکبر» گفتی، به قلب خود خطور دهی که خدا برتر است از اینکه به قیام و قعود (برخاستن و نشستن) متصف گردد؛

و در تکبیر دوم (به قلبت خطور دهی) که خدا برتر است از اینکه به حرکت و جمود (توقف) وصف شود؛

و در تکبیر سوم، از اینکه خدا به جسم یا به دلیل شباهت داشتن به چیزی، قیاس شود، برتر است؛

و در تکبیر چهارم، به قلب خود خطور دهی که او برتر است از اینکه چیزی بر او عارض شود، یا مرضی او را ناراحت کند؛

و در تکبیر پنجم، خطور دهی که خدا برتر است از اینکه به جوهر و عرض وصف شود، یا آنکه در چیزی حلول کند و یا چیزی در او حلول نماید.

و در تکبیر ششم، به قلب خود خطور دهی که خدا برتر است از زوال و انتقال (تبدیل حال) که بر پدیده ها جایز است؛

و در تکبیر هفتم، آنکه خدا برتر است از اینکه حواس پنج گانه او را دریابد.

پس تأویلِ کشیدنِ گردن در رکوع آن است که در عمق جانت به خاطر آوری که به تو ایمان آوردم حتی اگر گردن مرا بزنی، سپس سر برداشتن از رکوع، هنگامی که می گویی: «سَمِعَ اللّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ الْحَمدُ لِلّهِ رَبِّ العالَمینِ» تأویلش آن است که (تو کسی هستی که) مرا از عدم به عالم وجود آوری و تأویل سجده اول آن است که در حالی که در سجده هستی به خاطر آوری که مرا از خاک آفریدی و سر برداشتن تأویلش آن است که مرا از آن بیرون می آوری.

سجده دوم؛ یعنی مرا به آن برمی گردانی و در سر برداشتن، به قلب خود خطور می دهی که مرا بار دیگر از آن خارج می کنی.

و تأویل نشستن بر طرف راست خود (در حالت تورک) آن است که به قلبت خطور دهی که پروردگارا، من حق را بر پا داشتم و باطل را کنار زدم (چون در حالت تورک، پای راست بر چپ نهاده می شود و این به معنای اقامه حق و سرکوب باطل است). و تأویل تشهّد، تجدید ایمان و

برگشت به اسلام و اعتراف به برانگیخته شدن بعد از مرگ است و تأویل خواندن تحیّات، تمجید از پروردگار سبحان و تعظیم و منزه کردن او از آن چیزهایی است که ظالمان می گویند و ملحدان وصفش می کنند. و تأویل «السَّلامُ عَلَیکُمْ وَ رَحْمَهُ اللّهِ وَ بَرَکاتُهُ» ترحمی است از پروردگار سبحان و معنایش آن است که: این امانی برای شما از عذاب روز قیامت است.

«هرکس این گونه تأویل نمازش را نداند، پس نمازش ناقص است».(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۸۱، صص ۳۸۴ و ۳۸۵، باب آداب الصلاه ترجمه.

فصل دوم: فایده ها و آثار نماز

اشاره

فصل دوم: فایده ها و آثار نماز

بی شک، سخن گفتن در مورد فایده ها و آثار واقعی نماز بر روح و باطن انسان، جز برای کسانی که حقیقت و معنای نماز را دریافته اند و از برکات آن بهره مند شده اند، کاری بس مشکل است. آنچه برای غیر این گروه قابل تشخیص است، پی آمدهای نمازگزاری است؛ یعنی آثاری که برای عموم نمازگزاران معتقد به نماز رخ می دهد. روح و جان نمازگزار هنگام نماز، در پرتو انوار و اسرار آن به اصل خویش متصل می گردد و چنان غرق انوار جمال و جلال معبود و معشوق می شود که کون و مکان و هر دو جهان را فراموش می کند. چنان که سرور نمازگزاران، حضرت علی علیه السلام به هنگام نماز حتی متوجه بیرون کشیدن تیر از بدن خویش نمی شود؛ تیری که دردش در غیر نماز تحمل ناپذیر بود. این اثر نماز همان کمال الانقطاع است که در مناجات شعبانیه، همه امامان، آن را درخواست کرده اند:

وَاَنِرْ اَبْصارَ قُلوبِنا بِضیاءِ نَظَرِها الیکَ حَتّی تَخْرقَ اَبْصارُ الْقلوبِ حُجُبَ النّورِ فَتَصِلَ اِلی مَعْدِنِ الْعَظَمهِ وَتَصیرَ أرواحُنا مُعَلَّقهً بِعزِّ قُدسِکَ.(۱)

و چشمان قلب ما را به روشنیِ نظر کردن به سوی تو روشن گردان تا آنجا که

۱- مفاتیح الجنان، مناجات شعبانیه، ص۲۱۶.

چشـمان قلب هایمـان حجـاب هـای نور را پاره کنـد و به معـدن عظمت برسـد (و متصل گردد) و روح های ما به عزّ قـدس تو آویخته گردد.

نظر انـداختن به دوست و کنار زدن حجاب های نور و رسیدن به منبع نور فقط در نماز و نیایش رخ می دهـد و فقط نمازگزار معنی آن را می داند و بس.

حافظ می گوید:

در نمازم خم ابروی توام یاد آمد

حالتی رفت که محراب به فریاد آمد

بی شک، گستره تأثیر نماز، تمام زندگی، ظاهر و باطن و دنیا و آخرت است؛ زیرا دنیا و آخرت تمام عرصه حیات انسان است. ازاین رو، نماز را در دو دسته آثار دنیوی و آثار اخروی برمی شماریم:

۱. آثار دنیوی نماز

اشاره

۱. آثار دنیوی نماز

آثار دنیوی نماز، شامل آثار تربیتی، اجتماعی، جسمانی و فیزیکی است که هر کدام به تفصیل بررسی می شود:

الف) آثار تربیتی نماز

اشاره

الف) آثار تربیتی نماز

مهم ترین و اصـلی ترین اثر نماز که هدف از تشریع نماز است، اثر تربیتی آن است و آثار دیگر آن به تبع و دنباله این خاصیت است. با تربیت صحیح، رفتارهای اجتماعی و نظم اجتماع و سلامت آن، در مسیر سالم و تکامل قرار می گیرد.

هدف اصلی آموزه های دین در درجه اول، تربیت، تزکیه و ادب آموزی

است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیش از تربیت دیگران، خود تربیت یافته پروردگار بود: «اَدَّبَنی رَبِّی فَأحْسَنَ تأْدیبی؛ پروردگارم مرا ادب (تربیت) کرده، پس نیکو تربیتم کرده است».(۱)

برخلاف زندگی حیوانی (در انسان و حیوان) که مراحل رشد آن به اقتضای حکم غریزی صورت می گیرد، حیات واقعی انسانی حالت بالقوه دارد. ازاین رو، انبیای الهی همواره انسان را از خطر گرایش مطلق به زندگی حیوانی باز داشته اند تا استعدادهای بالقوه خود را در رسیدن به کمالات شکوفا سازد.

«انبیا مردم را از دنیا باز دارند و تقیید اطلاق شهوت و غضب کنند و تحدید موارد منافع نمایند. غافل گمان کند دعوتِ به دنیا کنند... پس آنها جلوگیر اطلاق هستند نه داعی به دنیا».(۲)

یکی از برنامه های تربیتی انبیای الهی نماز است. تمام ادیان الهی و انبیا، به دلیل آثاری که نماز بر روح و زندگی فرد می گذارد، عامل و آمر به نماز بوده اند. مهم ترین آثار نماز عبارت است از:

یک _ محوریت در عمل انسان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «وَاعْلَمْ انَّ کُلَّ شَی ءٍ مِنْ عَمَلِکَ تَبَعٌ لِصَلوتِکَ... .»(۳)

۱- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۷۸.

۲- آداب الصلاه، ص۴۵.

۳- بحارالانوار، ج ۸۰، ص۱۳.

امام علی علیه السلام نیز در نهج البلاغه به همین مطلب اشاره کرده است. بر این اساس، اعمال انسان تابع کیفیت نماز اوست؛ هرچه نماز صحیح تر انجام گیرد، عمل انسان سالم تر است و هرچه نماز صوری و ظاهری باشد، عمل او هم متزلزل و بی ریشه خواهد بود. همان گونه که امام خمینی رحمه الله نیز بر این باور است که نماز و انسانیت رابطه متقابل دارند و سعادت و شقاوت هرکس به عمل اوست که تابع نماز اوست.

دو _ اثر بازدارندگی از فحشا و منکر

در قرآن کریم، به این امر به طور صریح اشاره شده است: «انَّ الصلاهَ تَنهی عن الفحشاء والْمنکر؛ نماز (انسان) را از فحشا و منکر باز می دارد». (عنکبوت: ۴۵)

البته در قرآن به موارد دیگر پی آمدهای نماز اشاره شده است. برای مثال، هنگامی که رذایل اخلاقی یا نقایص روحی انسان نکوهش می شوند، اهل نماز مستثنا می شوند:

إِنَّ الإنْسانَ خُلِقَ هَلُوعاً إذا مَسَّهُ الشَّرُ جَزوعاً وإذا مَسَّهُ الْخَیْرُ مَنوعاً إلاَّ الْمُصَلّینَ. (معارج: ۱۹ _ ۲۳)

به راستی که انسان حریص آفریده شده است، هنگامی که او را شرّی در رسد، جزع و بی تابی می کند و هنگامی که خیری به او رسد منع می کند (بخیل می شود) مگر نمازگزاران (که این گونه نیستند).

سه _ ایجاد آرامش روحی و اطمینان

این خاصیت و اثر نماز را می توان به سادگی در چهره و قوت روحی اهل نماز مشاهده کرد؛ زیرا آنان به تناسب بهره مندی از آثار نماز معمولاً در سختی ها و گرفتاری ها چهره ای مطمئن و آرام دارند و هیچ گاه در زندگی خویش احساس پوچی و اضطراب ندارند؛ زیرا در سایه ارتباط با

مبدأ عالم همواره از او استمداد جسته و در امور زندگی بر او توکل می کنند. هر نمازگزار در نمازهای روزانه خویش، ده بار جمله «اِیّاکَ نَعْبَدُ وَ اِیّاکَ نَسْتَعینِ» را بر زبان می آورد و جان خود را با آن مأنوس می کند.

قرآن کریم به پیامبر خویش می فرماید: «وَاَقِمِ الصَّلاهَ لِذِکری؛ نماز را به خاطر ذکر و یاد من به پای دار». (طه: ۱۴) و در جای دیگر می فرماید: «اَلا بِذِکْرِ اللّه ِ تَطْمَئِنُّ الْقُلوبُ؛ هان، آگاه باشید که دل ها به یاد خدا آرام می گیرد». (رعد: ۲۸)

ذکر خدا باعث آرامش دل هاست و نماز ذکری است که این اثر را داراست: «وَفی مُناجاتِکَ رَوْحی وَ راحَتی؛ راحتی و آرامش من در مناجات با توست».(۱)

چهار ـ مصونیت از رذایل اخلاقی (کبر)

با توجه به احادیث و روایات بسیار و قرار گرفتن کبر در میان دیگر گناهان کبیره، می توان به نقش نماز در مصون کردن انسان از خطر کبر پی برد.

عَنْ حکیمٍ قال سألْتُ اباعبداللّه ِ علیه السلام عَنْ اَدنی الإلْحادِ فَقالَ اَنَّ الْکِبْرَ أَدْناهُ.(۲)

از حکیمی رسیده است که از امام صادق علیه السلام درباره پایین ترین درجه الحاد و برگشت از حق پرسیدم. پس فرمود: پایین ترین درجه کبر (الحاد) است.

۱- مفاتیح الجنان، مناجات المریدین، ص ۱۷۰.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۰۹، باب کبر، ح ۱۰.

کبر از بزرگ ترین گناهان کبیره است که باعث سقوط انسان از مرتبه قرب الهی می گردد. بیشتر گناهان کبیره به نوعی موجب عقوبت و حتی دخول در آتش می گردند و انسان را بدهکار خدا یا خلق می گردانند، ولی صفت کبر نوعی تنازع با صفت ذاتی حق تعالی است.

امام صادق علیه السلام فرمود: ...

... وَالْکِبر رداءُ اللّه ِ فَمَنْ نازَعَ اللّه َعزَّوَجلَّ رداءَهُ لَمْ یَزِدْهُ اللّه ُالاّ سَفالاً؛(۱)

... کبر ردای خداوند است، هرکس بر سر آن با خدا به منازعه و مقابله برخیزد، خداوند جز پستی و خواری چیزی بر او نیفزاید.

شیطان با همه تقربی که در درگاه الهی داشت، در اثر یک تکبر از درگاه الهی رانده شد و دچار لعنت ابدی گردید:

قالَ أَنَا خَیْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنی مِنْ نارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طینٍ قالَ فَاخْرُجْ مِنْها فَإِنَّکَ رَجیمٌ وَ إِنَّ عَلَیْکَ لَعْنَتی إِلی یَوْمِ الدِّینِ. (ص: ۷۶ _ ۷۸)

شیطان گفت: من از او بهتر (برتر) هستم، مرا از آتش آفریدی و او را از خاک، (خدا به او) گفت: از آن (صف فرشتگان) بیرون شو که تو رانده شده ای و لعنت من تا روز قیامت بر توست.

قرآن کریم، استکبار و تکبر در عبادت را وعید به آتش داده است:

إِنَّ الَّذینَ یَسْتَکْبِرُونَ عَنْ عِبادَتی سَیَدْخُلُونَ جَهَنَّم داخِرینَ. (غافر: ۶۰)

کسانی که از عبادت من تکبر می کنند به زودی خوار و ذلیلانه داخل جهنم شوند.

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۰۹، باب کبر، ح ۲.

نماز حقیقی، روح منیّت را از نمازگزار می زداید و او را به فقر ذاتی خویش توجه می دهد. نمازگزار، خود و اعمالش را ناچیز می بیند و در قول و فعل خویش هیچ گاه دچار کبر نمی شود و نوع مخلوق را با دیده استقلال و غنا نمی نگرد.

در روایات شیعه، فلسفه وجوب و تشریع نماز از سوی خداوند، دوری از کبر بیان شده است؛ چنان که امام علی علیه السلام می فرماید:

فَرَضَ اللّه ُالإیمانَ تطهیراً مِنَ الشِّرْکِ وَالصَّلاهَ تَنْزیهاً عَنِ الْکِبْر.(۱)

خداوند ایمان را برای پاک شدن از شرک و نماز را برای دوری از کبر واجب ساخت.

حضرت زهرا علیهاالسلام نیز به این مضمون اشاره کرده است.

پنج ـ پرورش روحی در سایه ارتباط با خالق هستی

خداوند می فرماید: «اَنَا جَلیسُ مَنْ ذَکَرَنی؛ من هم نشین کسی هستم که مرا یاد کند.»(۲) یکی دیگر از آثار فردی نماز، پرورش و ایجاد قوت روحی است که در اثر ارتباط مداوم و مکرر با سرچشمه هستی ظاهر می شود. قرآن می فرماید: «وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِکْری فَإِنَّ لَهُ مَعیشَهً ضَنْکًا؛ و هرکس از ذکر و یاد من روی بتابد، پس زندگی سختی خواهد داشت». (طه: ۱۲۴)

در آیه ای دیگر آمده است:

وَ مَنْ یَعْشُ عَنْ ذِکْرِ الرَّحْمنِ نُقَیِّضْ لَهُ شَیْطانًا فَهُوَ لَهُ قَرینٌ. (زخرف: ۳۶)

۱- نهج البلاغه فیض الاسلام، حکمت ۲۴۴.

۲- اصول کافی، ج ۴، ص ۲۵۵، ح ۴.

اگر کسی از ذکر پروردگار رحمان سَر باز زند، شیطانی که هم نشین او باشد، بر او می گمارم.

همچنین خداونـد می فرماید: «وَ مَنْ یَکُنِ الشَّیْطانُ لَهُ قَرِینًا فَساءَ قَرِینًا؛ و هرکس شـیطان قرین او باشد، پس بد هم نشـینی است». (نساء: ۳۸)

دوری از ذکر حق، انسـان را دچار بی هـدفی و پوچی می کنـد؛ زیرا روح انسان به دلیل بُعـد ملکوتی اش همیشه جویای اصـل خویش است:

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش

باز جوید روزگار وصل خویش

هم نشـین انسانِ بریـده از ذکر حق، شـیطان و هم نشـین انسان نمازگزار، حق تعالی است. هم نشـینی با خـدا خواسـته فطری هر انسانی است و تنها کسانی آرامش دارند که مطلوب درون خویش را بیابند و او جز خالق هستی نیست.

«به عرفان فطری انسان ها نظر می انـدازیم و گوییم در فطرت و خلقت، انسان امکان نـدارد به غیر کمال مطلق توجه کنـد و دل ببندد، همه جان ها و دل ها به سوی اویند و جز او نجویند و نخواهند جست و ثناخوان اویند و ثنای دیگری نتوانند کرد...».(۱)

شش _ ثبات روحی

۱- ره عشق [نامه عرفانی حضرت امام خمینی رحمه الله]، ص ۲۴.

در سایه آرامش و اطمینان روحی حاصل از نماز، انسان دارای روحی پرورش یافته و باثبات می شود. اهل نماز همیشه از خالق خویش درخواست می کنند که از راه و رسوم گمراهان و غضب شدگان درامان باشند:

اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقیمَ. صِراطَ الَّذینَ أَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ غَیْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَیْهِمْ وَ لاَ الضّالِّینَ. (حمد: ۵ _ ۷)

شخص نمازگزار در سختی ها و راحتی ها یک حال ثابت دارد و همه چیز را از ناحیه خالق خود و بر اساس حکمت و خیرخواهی او می بیند و به علم و عدالت او ایمان دارد.

قرآن به نمونه هایی از ثبات روحی نمازگزاران اشاره می کند:

إِنَّ ٱلإِنْسانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَ إِذا مَسَّهُ الْخَیْرُ مَنُوعًا إِلاَّ الْمُصَلِّینَ الَّذینَ هُمْ عَلی صَلاتِهِمْ دائِمُونَ. (معارج: ۱۹ _ ۲۳)

انسان حریص آفریده شده است، هنگامی که به او شرّ رسد، جزع و بی تابی می کند و هنگامی که خیر به او برسد منع می کند (بخیل می شود)، مگر نمازگزاران (که چنین نیستند) و همیشه در سختی و فراخی حالی ثابت دارند.

همچنین خداوند یکی از ویژگی های اهل ایمان را این گونه توصیف می کند:

الَّذینَ إِذا أَصابَتْهُمْ مُصیبَةٌ قالُوا إِنّا لِلّهِ وَ إِنّا إِلَیْهِ راجِعُونَ أُولئِکَ عَلَیْهِمْ صَلَواتٌ مِنْ رَبِّهِمْ. (بقره: ۱۵۵ و ۱۵۶)

آن کسانی که چون مصیبتی بر آنها وارد شود، گویند: ما از خدا هستیم و به سوی او می رویم، بر آنان صلوات و رحمت هایی از پروردگارشان خواهد بود.

ب) آثار اجتماعی نماز

ب) آثار اجتماعی نماز

اجتماع، مجموعه ای از افراد است که صـلاح و فساد آن بسـتگی به صلاح و فساد افراد آن جامعه دارد. افراد نمازگزار به دلیل اعتقـاد و احساس حضور در محضـر حق، کمتر از دیگران در معرض انحراف قرار دارنـد. بنابراین، اجتماعی که مجموعه ای از افراد نمازگزار باشـد، می تواند سالم ترین محیط اجتماعی را از هر حیث داشـته باشد؛ حتی در صورت وجود برخی انحرافات، این جامعه از حیث نوع انحراف و جرم با جوامع دیگر فرق دارد.

تأثیر روح نهی از فحشا و منکرِ نماز بر شـخص نمازگزار، خود به خود نمود عینی خود را در اجتماع بروز می دهد؛ به گونه ای که افراد منحرف، تحت تأثیر این فضا دچار محـدودیت شدیـدی در انجام منکرات می شوند و این مهم ترین اثر اجتماعی نماز است.

ویژگی دیگر نمـاز برای اجتماع، کنترل درونی نمازگزار است. نمازگزار حقوق دیگران را محترم می شـمارد، به قوانین احترام می گـذارد؛ در نتیجه در جامعه امنیت و نظم اجتماعی برقرار می شود و تعداد ناهنجاری ها و جرایم و نوع جرم ها بسـیار کم و ناچیز می شود. البته اگر در چنین اجتماعی انحرافاتی رخ می دهد، اغلب از ناحیه افراد بی نماز آن جامعه خواهدبود. مراجعه و تفحص از وضعیت مجرمان و زندانیان حقیقت این امر را روشن می کند.

ج) آثار جسمی نماز

ج) آثار جسمی نماز

نماز از لحاظ صورت ظاهری ونوع اعمال وحرکات واسرار باطنی که اساس نماز بر آن استوار است، برای هدف اصلی آن یعنی نهی از فحشا و منکر و قرب الهی تشریع شده است. به دیگر سخن، هدف اصلی از مجموع نماز (ظاهر و باطن) هدف معنوی است، ولی چون همه افعال و اقوال پروردگار حکیم عالم، بر اساس علم و مصلحت است و هیچ کار او عبث نیست، همین ظاهر نماز هم دارای خواص و آثاری است که دنیای پزشکی کنونی حاصل عمیق ترین و طولانی ترین تحقیقات خود را در عملی مستحبی یا حرکت بسیار ساده ای در نماز می یابد.

اینکه بیشتر نمازگزاران به تناسب میزان دقت و عمل به احکام مستحبی و واجب خود، دچار بسیاری از بیماری ها نمی شوند، رازی است که در اجزا و حرکات نماز نهفته است و علوم تجربی و تحقیقات دانشمندان تنها تعداد اندکی از این اسرار را فهمیده است. ساده ترین اثر جسمی نماز برای نمازگزار، نظافت و پاکی جسم و لباس اوست که خاستگاه سلامتی جسم است.

۲. آثار اخروی نماز

۲. آثار اخروی نماز

پی بردن به آثار اخروی نماز، تنها از طریق وحی و اخبار و روایات امامان معصوم علیهم السلام امکان پذیر است؛ از جمله حساب آسان در قیامت، مغفرت و آمرزش گناهان، نجات از آتش غضب الهی، پذیرش اعمال (در صورتی که نماز او حقیقی باشد)، آسانی های هنگام مرگ و عالم قبر... .

از نظر عـامه مردم، یکی از مهم ترین آثار اخروی نماز، نجات از آتش دوزخ از نظر خواص، نیل رسـیدن به قرب الهی بهشـت جاودان است. در احادیث، عبادت با توجه به نیت عابدان، به سه نوع تقسیم شده است:

امام صادق علیه السلام فرمود:

[انَّ] العُبّـادَ ثَلاثَهٌ قَومٌ عَبَدوا اللّه - عزَّوجـلَّ خوفاً فَتِلـکَ عبادهُ الْعَبیـدِ وَقَوْمٌ عَبـدوا اللّه - تبارکَ وَتعالی طَلَبَ الثّوابِ، فَتِلکَ عِبادهُ الأجَرا، وَ قومٌ عَبدوااللّه عزَّوَجلَّ حُبّاً لَهُ فَتِلکَ عبادهُ الأحْرارِ وَهِیَ أَفْضَلُ الْعِبادهَ.(۱)

عبادت کنندگان سه دسته اند: گروهی که خدای عزّوجلّ را از ترس عبادت کنند، این عبادت بردگان است؛ مردمی که خدای تبـارک و تعـالی را به طمع ثواب عبـادت کننـد و این عبـادت مزدوران است؛ گروهی که خـدای عزّوجـلّ را برای دوسـتی اش عبادت کنند و این عبادت آزادگان و بهترین عبادت است.

۱- اصول کافی، ج ۳، صص ۱۳۱ و ۱۳۲، ح ۵.

فصل سوم: پی آمدهای ترک نماز

اشاره

فصل سوم: پی آمدهای ترک نماز

زیر فصل ها

۱. پی آمدها

۲. علل گرایش به بی نمازی

۱. پی آمدها

اشاره

۱. پی آمدها

پیش تر، آثار و فایده های نماز را برشمردیم. در این قسمت پی آمدهای ترک نماز را بررسی خواهیم کرد. بی شک، افراد غیر نمازگزار از تمام آثار مثبتی که نمازگزاران در پرتو نماز از آن برخوردار می شوند، بی بهره اند و این بدیهی ترین اثر ترک نماز است.

برخی از آثاری که در قرآن و احادیث برای روگردانی از ذکر حق و نماز به آن اشاره شده است، عبارت است از:

الف) زندگی سخت (معیشت ضنک)

الف) زندگی سخت (معیشت ضنک)

انسانی که نماز به پا ندارد، در حقیقت رشته حیات معنوی (که حیات واقعی است) را از خود قطع کرده و ازاین رو، مدد الهی را از دست داده است و همین امر موجب ناآرامی و پوچی او می شود و طبعاً وجود طوفان ها و صخره های مهیب مشکلات زندگی، آرامش و قرار را از او خواهد گرفت و چه بسا در برخورد با موانع محکم، زندگی او از هم پاشیده، رشته هستی اش از هم بگسلد. قرآن می فرماید:

وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْری فَإِنَّ لَهُ مَعیشَةً ضَنْكًا. (طه: ۱۲۴)

و هرکس از یاد کردن من روی بگرداند، پس او را زندگی سختی خواهد بود.

این زنـدگی سـخت به دلیـل سـختی زنـدگی مـادی و فقر نخواهـد بود؛ زیرا بسـیاری از غافلان با وجود برخورداری از شـرایط مطلوب زندگی مادی دچار پوچ گرایی و نیهلیسم هستند و حتی گاه اقدام به خودکشی می کنند.

ب) آثار ترک نماز در دنیا، قبر، قیامت

ب) آثار ترک نماز در دنیا، قبر، قیامت

حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام از پدر گرامی خویش می پرسد: چه بلا و مصیبتی است برای زنان و مردانی که نماز را سبک می شمارند؟ حضرت فرمود: هر کس نماز را سبک بشمارد، دچار پانزده بلا می شود: شش بلا در دنیا و سه بلا هنگام مرگ و سه بلا در قبر و سه بلا و عقوبت هنگامی که از قبر بیرون می آید. آنچه در دنیا به آن دچار می شود:

فَالاولی، یرفع اللّه ُالْبَرَکَهَ مِنْ عُمرِهِ، وَیَرفع اللّه ُالْبَرکهَ مِنْ رِزْقِهِ وَیَمْحواللّه ُعَزَّوَجَلَّ سیماءَ الصّالَحینَ مِنْ وَجْهِهِ وَکُلُّ عَملٍ یَعْمَلُهُ لا یُوجَرُ عَلَیْهِ وَلا یرتفع دُعاؤُهُ اِلی السّماءِ وَالسّادِسَهُ لَیْس لَهُ حَظٌّ فی دُعاءِ الصّالِحینَ.

اول آنکه خداوند برکت را از عمر او برمی دارد و برکت را از رزق او دور می کند و خداوند عزّوجل سیمای صالحان را از چهره اش می برد و هر عملی که انجام دهد، اجری نمی یابد و دعایش به آسمان نمی رود و ششم آنکه از دعای صالحان بهره ای نخواهد داشت.

آنچه به هنگام مرگ به آن دچار می شود:

فَاوَّلُهُنَّ انّهُ یَموتُ ذَلیلًا وَالثانیهُ یموتُ جائِعاً وَالثالِثَهُ یَموتُ عَطشاً فَلَوْ سُقِیَ مِنْ أنهارِ الدّنیا کُلِّها لَمْ یُرَوَّ عَطَشُهُ.

پس اول آنکه ذلیل می میرد و دوم این که گرسنه می میرد و سوم آنکه تشنه می میرد. پس اگر از همه جوی های آب دنیا به او آب داده شود، عطش او رفع نمی شود.

آنچه در قبر دچارش می شود:

فَاَوَّلَهُنّ یُوَکِّلُ بِهَ مَلِکا یَزعْجَهُ فی قَبْرِهِ وَ الثانیهُ یُضَیِّقُ عَلَیهِ قَبرَهُ وَ الثّالِثَهُ تَکوُن الظُّلمَهُ فی قَبرِهِ.

پس اول اینکه خداوند در قبرش ملکی می گمارد که آزارش دهد و دوم اینکه قبرش بر او تنگ می گردد و سوم آنکه در قبر او ظلمت و تاریکی حاکم می شود.

آنچه در قیامت هنگام برخاستن از قبر به آن دچار می شود:

فَاوَّلَهُنَّ اِنْ یُوَکِّلُ اللّهُ بِهِ مَلِکا یُسَحِّبه عَلی وَجْهِهِ وَ الْخَلایِقِ یَنْظُرَوَن اِلَیهِ وَ الثّانِیَهُ یُحاسِبَ حِسابا شَدیدا وَ الثّالِثَهُ لا یَنْظِرُ اللّهُ اِلَیهِ وَ لا یُزَکّیهِ وَ لَه عَذابٌ اَلیمٌ.(۱)

پس اول آنکه مَلکی بر او می گمارد که او را با صورت بر زمین بکشد؛ در حالی که خلایق به او نگاه می کنند و دوم آنکه کارش بسیار سخت محاسبه می شود و سوم آنکه خداوند به او نظر رحمت نمی کند و پاکش نمی نماید و او را عذابی بزرگ خواهد بود.

از آثار دیگر بی نمازی، شرک و بی دینی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «مَنْ تَرَکَ الصَّلاهَ مُتعمِّداً فَقَدْ کَفَرَ؛ هر کس نماز را به عمد ترک کند، بی گمان کافر گشته است.»(۲) همچنین ایشان می فرماید:

اَلصَّلاهُ عمادُ الدّینِ فَمَنْ تَرَکَ صَلوتَهُ مُتَعَمِّداً فَقَدْ هَدَمَ دینَهُ.(۳)

نماز ستون دین است، پس هر کس نمازش را به عمد ترک گوید، به یقین دینش را نابود کرده است.

و نیز فرموده است:

لَیسَ بَیْنَ الْعَبْدِ وَالشِّرْکِ اِلّا تَرْک الصّلاهِ فَإذا تَرَکَها فَقدْ أشْرَکَ.(۴)

۱- بحارالانوار، ج ۸۰، ص۱۷.

۲- محمد حسن جلالی شاهرودی، مجموعه الاخبار، ص ۲۰۵.

۳- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۴۰۲.

۴- کنزالعمال، ج ۷، ص ۲۷۹.

بین بنده و شرک مگر (به اندازه) ترک نماز فاصله ای نیست، پس هنگامی که آن را ترک کرد، قطعاً مشرک شده است.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «لا حَظّ فِی الْاِسلامِ لِمَنْ تَرَکَ الصَّلاه؛ هر کس نماز را ترک کند، بهره ای از اسلام ندارد».(۱)

۲. علل گرایش به بی نمازی

اشاره

۲. علل گرایش به بی نمازی

بر اساس عقل و نقل، گرایش به عبادت و پرستش امری فطری است و وجود خدایان و معبودان غیرواقعی در طول تاریخ زندگی بشر و در مذاهب بشری گواه این مدعاست. گرایش به پرستش، در پاسخ به حس پرستش و خداجویی بشر بوده است؛ هرچند در اسلام، اخبار و منابع دینی نیز به این امر اشاره دارند. گرایش به بی نمازی و روگردانی از ذکر حق، امری خلاف ذات و خلقت یا طبیعت و سرشت انسان است و در واقع انحراف از آن به شمار می رود. عوامل مؤثر در گرایش فرد به نماز یا بی نمازی و نیز سعادت و شقاوت او عبارتند از: شخص (خود)، محیط (اجتماع) و وراثت (البته عامل وراثت در نوع زندگی فرد بی تأثیر نیست، ولی این عامل بیشتر در بروز اوصاف و ویژگی های فردی موثر است).

الف) عامل خود (فرد)

اشاره

الف) عامل خود (فرد)

۱- کنزالعمال، ج ۷، ص ۲۷۹.

عامل «خود» یا مجموعه افکار و عقاید، میزان آگاهی و قوت اراده فرد، مهم ترین عامل برای تعیین سرنوشت فرد و افعال ارادی او در محیط است. شخص به دلایل زیر ممکن است از نماز و عبادت روگردان باشد:

یک _ ناآگاهی (نسبت به خالق، هستی و خود)

با توجه به اینکه پاداش و حاصل عبادت ها، پاداش نقد نیست، در صورتی که فرد علم کافی به اهمیت آنها نداشته باشد و از تأثیر آن در پیشرفت و تکامل زندگی غافل باشد، ممکن است همین امر نوعی سستی در او ایجاد کند. در صورتی که اگر او از هدف آفرینش خویش آگاه باشد و ویژگی های دنیایی را که اکنون در آن زندگی می کند، بشناسد و زندگی در جهان دیگر و ارتباط بین آن دو را باور داشته باشد، بی گمان از گذران عمر و سستی خود وحشت خواهد کرد. تا هنگامی که فرد عبادت را فقط تکلیف اجباری بداند و از تأثیر فراگیر آن غافل باشد، انگیزه ای برای انجام دادن آن نخواهد داشت.

نشناختن پروردگار و احسان های او سبب می شود در مقابل خدا وظیفه ای احساس نکند و سپاس گزاری از نعمت های او را به هیچ انگارد. قرآن برای توجه به این امر می فرماید: «نعمت های خداوند را ذکر و یادآوری کنید». (اعراف: ۷۴)؛ تنها در این صورت است که حقیقتِ شایسته عبادت و سپاس گزاری بودن حق روشن خواهد شد.

دو _ کسالت و تنبلی

این مسئله نیز به نادانی فرد برمی گردد و حاصل توجه به لذت های حیوانی (خور و خواب) است. ممکن است فردی تا حدی آگاهی دارد،

ولی به علت سستی ناشی از تن پروری و شهوت و آسایش طلبی، توان تحمل رنج و زحمت عبادت و نماز را نداشته باشد. امامان ما همواره از این خصلت ها به خداوند پناه برده اند: «اَللّهمَّ انّی اَعوذُ بِکَ مِنَ الکَسَلِ وَ الفَشَلِ...؛ پروردگارا به تو پناه می برم از تنبلی و سستی».(۱)

سه _ گناه

یک عامل اساسی در گرایش نداشتن به نماز، یا نداشتن توفیق در اقامه نماز حقیقی که در عرفان اسلامی و آموزه های دینی بر آن تأکید شده است، عامل گناه و اثر بازدارندگی آن است.

از نظر اسلام، قلب انسان مادامی که به گناه آلوده نباشد، آینه تجلی حق و وسیله شناخت فطری اوست، ولی اصرار بر گناه باعث تاریکی قلب شده و کم کم جلوه گری حق در این حرم الهی (قلب) را مانع می شود.

در مناجات امام سجاد علیه السلام آمده است:

فیا مَوْلایَ وَ یا مُؤَمَّلی وَ یا مُنْتهی سُؤلی فَرِّقْ بَیْنی وَ بَیْنَ ذَنْبی الْمانِعِ لی مِنْ لُزومِ طاعتِکَ.(۲)

پس ای مولای من و امید و نهایت درخواست من، بین من و گناهم که مانع لزوم و پیوستگی اطاعتم از تو می شود، جدایی انداز.

۱- مفاتیح الجنان، دعای ابوحمزه ثمالی، ص ۲۶۵.

۲- مفاتیح الجنان، دعای ابوحمزه ثمالی، ص ۲۶۰.

در دعای ابوحمزه ثمالی آمده است:

پروردگارا، من هرگاه به خود می گویم که آماده شده ام (و محیای مناجات با تو هستم) و در مقابل تو به نماز می ایستم و با تو مناجات می کنم، در حال نماز، حالت خواب آلودگی بر من می افکنی و مناجات با خود را از من سلب می کنی و مرا چه شده است که هر گاه گفتم که درونم شایسته و نیکو گشته و به مجلس توبه کنندگان نزدیک شده ام، بلایی بر من عارض می شود و قدمم را سست کرده و بین من و خدمت تو، مانع می شود.(۱)

آن حضرت، آن گاه اقسام شیوه های گناه را که باعث این بلا می گردد، بر می شمارد.

ب) عوامل محیطی

یک _ خانه

اولین محیطی که کودک با آن آشنا می شود، محیط منزل است. این محیط و فرهنگ افراد آن، اصلی ترین محیط پرورش روحی کودک است. کودکان معمولاً آینه حرکات و رفتار اولیای خود هستند. بنابراین، اگر خانه ای از روح نماز خالی باشد، طبعا بر روی کودک نیز تأثیر خواهد گذاشت. پیامبراکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

وَ اللّه ما مِنْ مولودٍ الاّ وَ یولَدُ علی الفِطرهِ ثمَّ اَبواهُ یُهوِّدانهِ وَ یُنَصِّرانهِ و یُمجِسانِهِ.(۲)

به خدا سوگند هیچ مولودی نیست مگر اینکه بر فطرت (خداجوی توحیدی) به

۱- مفاتیح الجنان، ص ۲۵۶.

۲- امام خمینی رحمه الله، شرح چهل حدیث، ص ۱۸۸، برگرفته از: عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۳۵.

دنیا می آید، سپس پدر و مادرش او را یهودی یا نصرانی یا مجوسی می کنند.

دو ـ مدرسه

پس از کانون خانواده، مدرسه دومین محیطی است که کودک و نوجوان بیشترین اوقات خود را در آن می گذراند. به طبع، به دلیل رشد گرایش های روحی و جسمی حاصل از تکامل و گذشت ایام، فرد به سوی اموری که خوشایند اوست و یا در اثر هم نشینی با دوستان به آن گرایش پیدا می کند، کشیده می شود. حال اگر در محیط مدرسه به مسئله نماز توجهی نشود و یا فرد با مسائل و گرایش های مخالف آن آشنایی پیدا کند و لذت بی قیدی را بپسندد، کم کم به بی نمازی عادت می کند. عامل اصلی گرایش به بی نمازی در مدرسه، تأثیر دوستان ناباب است و همچنین بی توجهی به احساسات دانش آموز و به کارگیری شیوه غلط در وادار کردن ظاهری و اجباری او به نماز بدون ایجاد انگیزه و تلاش در جهت رشد معرفت او می تواند عامل مهم دیگری در گرایش به بی نمازی دانش آموزان باشد و چه بسا تصویری ناخوشایند از دین و عبادت در ذهن آنها ایجاد گردد که باعث گریز همیشگی آنها از دین و مسائل مربوط به آن شود.

سه ـ دوستان و همسالان

یکی دیگر از عوامل مهم در گرایش به بی نمازی، نقش دوستان و همسالان است. قرآن کریم نیز این امر مهم و کلی را یادآور شده است. در

آیه ای از قرآن درباره تأثیر منفی دوست ناباب بر شقاوت یکی از اهل دوزخ چنین آمده است:

یا وَیْلَتی لَیْتَنی لَمْ أَتَّخِذْ فُلانًا خَلیلاً لَقَدْ أَضَلَّنی عَنِ الذِّکْرِ بَعْدَ إِذْ جاءَنی. (فرقان: ۲۸ و ۲۹)

ای کاش فلانی را به دوستی نمی گرفتم؛ بی گمان او بود که مرا از یاد حق گمراه کرد، پس از اینکه به سوی من آمد (و به آن دعوت شدم).

از سوی دیگر، شرح حال کسی را که به مدد الهی از پی آمدهای منفی هم نشینی با دوست نااهل رسته و به سعادت ابدی رسیده است، بیان می کند:

قالَ قائِلٌ مِنْهُمْ إِنّی کانَ لی قَرینٌ... . (صافات: ۵۱ و ۵۳)

یکی از آنها گوید که مرا (در دنیا) هم نشینی بود که می گفت: آیا تو ازتصدیق کنندگان آخرت هستی؟ آیا وقتی که ما مردیم و خاک و استخوان پوسیده شدیم، آیا باز می گردیم.

آن گاه آن بهشتی به دوستان می گوید:

قالَ تَاللّهِ إِنْ کِدْتَ لَتُرْدینِ وَ لَوْ لا نِعْمَهُ رَبّی لَکُنْتُ مِنَ الْمُحْضَرینَ. (صافات: ۵۶ و ۵۷)

به خدا قسم، نزدیک بود که مرا هم در آتش افکنی و اگر نعمت پروردگارم نبود، من هم از دوزخیان بودم.

در دعای سمات نیز از شر عوامل سوء محیطی به خدا پناه برده شده است:

وَ اکْفِنی مَؤُنَهَ اِنْسانِ سَوْءٍ وَ قرینِ سَوْءٍ و سلطان سَوْءٍ.(۱)

۱- مفاتیح الجنان، دعای سمات، ص ۹۹.

و مرا کفایت کن از رنج انسان بد و همسایه بد و هم نشین بد و سلطان بد.

چهار _ فضای فرهنگی و مذهبی

این عامل دربرگیرنده درصد زیادی از عوامل اجتماعی است. اگر آن را به عنوان فضای استشمام معنوی در نظر بگیریم، جو مسموم و گناه آلود یک محیط کوچک یا بزرگ، عامل بازدارنده ای در گرایش و توفیق در عبادت خواهد بود. محیط هایی که جو حاکم بر آن برای عبادت ارزشی قائل نیست و عبادت و نماز در آن به تمسخر گرفته می شود، عامل مهمی در گرایش به ترک نماز و عبادت است.

قرآن در آیه ای از زبان گروهی که گرفتار محیط ستم شده اند و میدانی برای عبادت نمی یابند، می فرماید:

الَّذینَ یقولونَ رَبَّنا أَخْرِجْنا مِن هَذِهِ الْقَرْیَهِ الظالِمِ اَهْلُها وَ اْجعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ وَلیّا. (نساء: ۷۵)

آن کسانی که می گویند پروردگارا! ما را از این قریه که اهل آن ظالمند، خارج فرما و از جانب خود برای ما ولیی قرار ده.

در آیه ای دیگر، کسانی را که با سکونت در محیط های نامناسب در عمل به دین و گرایش به آن توفیقی نمی یابند، چنین سرزنش می کند:

قَالوا کُنّا مُسْتَضْعَفینَ فِی الأرضِ قالوا اَلَمْ تَکُنْ اَرضُ اللّه وَاسِعَهً فَتُهاجروا فیها فَاولئک مَأویهُم جَهَنَّم... . (نساء: ۷۵)

(در پاسخ فرشتگان گویند:) ما در زمین مستضعف بودیم (ندای دین را نشنیدیم). (فرشتگان) به آنها می گویند: آیا سرزمین خدا وسیع نبود تا در آن مهاجرت کنید. پس آنان در دوزخ خواهند بود.

فصل چهارم: پاسخ به شبهه ها و پرسش ها

فصل چهارم: پاسخ به شبهه ها و پرسش ها

یکی از وظایف مدافعان و مروّجان امر نماز و مؤمنان دل سوز، تلاش برای تبلیغ نماز و تشویق به آن و پاسخ منطقی به پرسش ها و تعارض ها یا تناقض های موجود در اذهان بسیاری از مردم به ویژه نسل جوان و تحصیل کردگان... است و این امر میسر نمی شود، مگر آنکه اسرار نماز را از درون خویش دریافته باشند. در غیر این صورت، دفاع جاهلانه واستفاده از ابزارهای ظاهری و تکفیر و... جز گریزان کردن مردم نتیجه ای نخواهد داد و مصداق حدیث «قَطَعَ ظَهْری إثنانِ جاهِلٌ مُتَنَسِّکٌ وَ عالِمٌ مُتَهَتِّکٌ» خواهد بود.

در این قسمت کوشیده ایم با طرح چند پرسش، به بخشی از پرسش های نسل جدید پاسخ داده شود:

۱. چرا نماز ملاک قبولی یا رد اعمال دیگر است؟ به عبارت دیگر، چرا نماز ستون دین است؟

اینکه نماز ستون دین است، به خواست و نظر انسان و انکار و قبول او بستگی ندارد. چنان که می دانیم دین، مجموعه ای از سوی خداوند است و خواست سازنده این مجموعه بر این قرار گرفته است که ساختار آن بر اصل (نماز) استوار باشد، مانند کسی که خانه ای می سازد و تمام استحکام خانه را بر یک یا دو ستون استوار می کند که اگر آن ستون یا ستون ها نباشد، آن ساختمان درهم فرو می ریزد. قرآن درباره اینکه خداوند در کار و اراده خود باز خواست کننده ای ندارد، می فرماید: «لا یُسْئَلُ عَمّا یَفْعَلُ وَ هُمْ

یُسْئَلُونَ؛ (خداوند) درباره اعمالی که انجام می دهد باز خواست نمی شود، ولی آنان بازخواست می شوند». (انبیاء: ۲۳)

از یک سو، چون اراده الهی بر این امر قرار گرفته است، در صورت تشریع نشدن نماز طبیعتا دینی بر پا نخواهد شد و این مسئله ای عقلی است، چنان که در طبیعت نیز همین گونه است. در قرآن هر گاه از اعمال نیک سخن به میان آمده، به نماز نیز اشاره شده است؛ گویی نماز صبغه الهی اعمال نیک است. با توجه به تأثیر نماز در امور دنیوی و معنوی و نقش نماز در بنای ایمان، مرز بین کفر و اسلام و نشانه دین وعروج معنوی، استواری دین به نماز کاملاً منطقی و به جاست.

از سوی دیگر، با توجه به سخن پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام، که هر عملی از انسان تابع نماز اوست، می توان نتیجه گرفت که هر کس نماز را ضایع کند (چه با ترک و چه با سهل انگاری)، اعمال دیگر او تباه می شود؛ زیرا کیفیت عمل انسان مشابه کیفیت نماز اوست. ازاین رو، عملی که در تمام زمینه ها تأثیر دارد، در صورت نبودن یا حتی نقصان آن، دیگر اعمال نیز خدشه دار می شود. در یک تشبیه ظاهری، می توان نماز را به گذرنامه تشبیه کرد که تمام تدارک و تلاشِ مسافر با انبوه بار و هزینه های زیاد او، بدون داشتن این مجوز بیهوده و بی اثر است. همچنین بر اساس احادیث و روایات، اعمال نیک کافر و بی نماز برای سعادت او مؤثر نخواهد بود. هرچند خداوند به لطف خود در تخفیف عذاب و

آسایش های دنیایی، آنها را پاداش می دهد، ولی تنها اعمالی را که به نیت قرب او انجام شده باشد، می پذیرد:

وَ مَنْ يَعملْ مِنْ الصّالحات مِنْ ذَكرٍ أوْ أُنْثى وَ هُوَ مُؤمنٌ فَأولئك يَدخُلون الْجَنَّة. (نساء: ۱۲۴)

و هر کس عمل نیک انجام دهد، چه مرد یا زن، در حالی که ایمان داشته باشد، آنان داخل بهشت می شوند.

۲. چرا تارک الصلاه مشرک است؟

اساس دین و دعوت انبیای الهی، پرستش نکردن غیر خداست، چنان که پیامبر اسلام برای دعوت مردم به دین می فرمود: «قولوا لا اله الاّ اللّه تفلحوا؛ بگویید جز خداوند، خدایی نیست تا رستگار شوید.» ازاین رو، باید بت ها شکسته شوند و خدایان خیالی و مادی کنار روند و انسان هماهنگ با ندای هستی، هیچ مخلوقی را در مقام و شأن خالق قرار ندهد.

نمود عینی این خواسته حق (نفی غیر خدا)، در پرستش خدا به وسیله نماز و نفی غیر او و سرباز زدن از اطاعت غیر او محقق می شود. نمازگزار با هر عمل خود که دارای اسرار و معانی ویژه ای در دین هستند، ارادت و اطاعت خویش را به خالقش نشان می دهد. در این دعوی، قول و فعل او باید واحد باشد و جز در برابر خدا هیچ گونه اطاعت و کرنشی برای غیر روا ندارد و این عمل را با اعتقاد عمیق روزانه تکرار کند، چنان که در چگونگی ایستادن نیز مطیع امر خدا باشد و به سویی روی کند که او تعیین کرده است.

نکته دیگر اینکه تحقق دین الهی در گرو تحقق عبارت «لا اله الاّ اللّه » است

و این عبارت، نه تنها یک اعتقاد و مسئله نظری، بلکه حقیقتی عملی است. امام خمینی رحمه الله آن موحد بزرگ، تمام علوم حتی علم توحید را هم عملی می داند؛ زیرا آنچه در جهان تحقق دارد، لا ـ اله الاّ ـ اللّه است و ما باید خود را با این حقیقت هماهنگ کنیم و با نفی غیر خدا حتی خواسته های نفسانی خویش، تنها او را بپرستیم. بنابراین، تارک نماز با پرستش شیطان و نفس خود، برای خدا شریک قائل شده است. از سوی دیگر، با به جا نیاوردن نماز عملاً توحید الهی را با قلب خویش نپذیرفته است.

۳. چرا حکم ترک نماز از گناه کبیره و فحشا و منکر بالاتر است؟

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: چرا ترک کننده نماز را کافر می دانید؟ ایشان فرمود:

کسی که نماز را ترک می کند، هرگز آن را ترک نمی کند، مگر به خاطر سبک شمردن آن... و هر کس نماز را ترک کند، پس به قصد لذت این کار را نکرده است. در نتیجه، هرگاه قصد لذت نفی شد، استخفاف (سبک شمردن) اتفاق افتاده است و هرگاه استخفاف باشد، کفر محقق شده است.(۱)

۴. کدام نماز (مورد نظر ائمه و قرآن) و با چه شرایطی مانع فحشا و منکر می شود؟

در کتاب شریف فلاح السائل نوشته سید بن طاووس نقل شده است که شخصی در حضور منصور خلیفه عباسی از امام صادق علیه السلام پرسید: حدود نماز چیست؟ حضرت فرمود: «لِلصَّلاهِ اربعهُ الاف حدٍّ لستَ تفی ء بِواحدٍ منها؛ نماز

۱- نک: اصول کافی، ج ۴، ص ۹۷.

دارای چهار هزار حدّ است که تو حتی توان ادای یکی از آنها را نداری».(۱)

همچنین آن حضرت در بیان حدود لازمی که نماز بدون آن کامل نمی شود، می فرماید:

نماز به کمال نرسد، مگر برای کسی که طهارتی همه جانبه و تمامیتی رسا داشته باشد و حق آن را کامل ادا کند و از وسوسه و انحراف به دور باشد؛ خدای را بشناسد و برای او خشوع کند وثبات ورزد، در حالی که میان نومیدی و امید و شکیبایی و بی تابی ایستاده باشد، گویی وعیدها برای او ساخته آمده و عددها بر او واجب گردیده است؛ دارایی خود را بخشیده و با در نظر گرفتن مقصود خویش، جان در راه خدا نهاده و طریق او را برگزیده است. در بینی بر خاک نهادن (در سجده) کمترین کراهتی به دل راه ندهد و پیوند علایق را از جز او بریده و تنها به او متوجه گردیده و به حضور او آمده و عطای او را خواسته است. پس اگر چنین نمازی به جای آورد، همان نمازی خواهد بود که به آن امر شده و از آن خبر داده شده است و این همان نمازی است که از فحشا و منکر باز می دارد.(۲)

رابطه «نماز و انسان» همانند رابطه «تقوا و انسان» است. شهید مطهری درباره رابطه تقوا با انسان در نهج البلاغه می فرماید: «در نهج البلاغه با اینکه اصرار شده که تقوا نوعی ضامن و وثیقه است در برابر گناه و لغزش، به این نکته توجه داده می شود که در عین حال، انسان از حراست و نگهبانی تقوا، نباید آنی غفلت ورزد. تقوا نگهبان انسان، است و انسان

۱- فلاح السائل، ص ۶۴.

۲- آداب الصلاه، ص ۱۴۹، به نقل از: فلاح السائل، ص ۲۳.

نگهبـان تقوا و این دور محـال نیست، بلکه دور جـایز است. این نگهبـانی متقابـل از نوع نگهبانی انسان و جامه است که انسان، نگهبان جامه از دزدیدن و پاره شدن است و جامه نگهبان انسان از سـرما و گرما است. علی علیه السـلام درباره نگهبانی متقابل انسان و تقوا می فرماید:

ایقظوا بها نومکم و اقطعوا بها یومکم و اشعروها قلوبکم و ادحضوا بها ذنوبکم... الا فصونوها و تصونوا بها.(۱)

خواب خویش را به وسـیله تقوا تبـدیل به بیـداری کنید و وقت خود را با آن به پایان رسانید و احساس آن را در دل خود زنده کنید و گناهان خود را با آن بشویید... همانا تقوا را صیانت کنید و خود را در صیانت تقوا قرار دهید.

بر اساس گفتار امام علی علیه السـلام ما باید پرهیزکار باشیم تا تقوا ما را حفظ کند. از سویی بر اساس آیه صریح قرآن این دو مطلب در مورد نماز آمده است؛ یعنی هم به نقش ناهی از منکر بودن نماز اشاره شده: «ان الصـلاه تنهی عن الفحشاء و المنکر» و هم به پاسداشت نماز فرمان داده شده است: «حافظوا علی الصلوات و... علی صلاتهم یحافظون».

نتیجه می گیریم همان گونه که تقوا در صورت محافظت از آن، انسان را از کـج روی نگه می دارد، پاسـداشت نماز هم ناهی از منکر است. به همین خاطر، در احادیث هم به حفاظت از انجام آن در اول وقت تأکیـد شده است و هم به حفاظت از حضور قلب و اقبال قلب و آگاهی از اسرار آن. از این رو، نماز بی حضور و بی حفاظت، تأثیری در حفظ انسان از منکر

۱- مرتضی مطهری، سیری در نهج البلاغه، صص ۲۰۸ و ۲۰۹ قم، انتشارات صدرا.

ندارد و قرآن در سوره ماعون به صراحت می فرماید: «وای بر نمازگزاران؛ آنانی که در نمازشان سهو می کنند». (ماعون:۴و۵)

فصل پنجم: جایگاه نماز در جامعه ما

اشاره

فصل پنجم: جایگاه نماز در جامعه ما

ایران همواره صاحب فرهنگ و مذهب بوده و اکنون نیز پیروان سه دین بزرگ را در خود جای داده است. خوشبختانه فرهنگ و دین غالب در این سرزمین، اسلام و مذهب اصیل شیعه است و دیگر مذاهب حتی فرقه های اسلامی در آن در اقلیت اند.

متأسفانه در جامعه کنونی ما به علت سیاست های استعماری و دین زدایی حاکمان جور، زشتی ترک نماز بسیار کم گشته و اساسا عمل به این فریضه الهی مورد بی توجهی قرار گرفته است.

تعداد کم نمازگزاران نسل جدید بیشتر مایه تأسف است. این امر بیشتر به سیاست های دولت و چگونگی اجرای برنامه های پرورش مذهبی این نسل بستگی دارد. در تفکر عامه مردم و نیز بیشتر مسئولان، به نماز آن گونه که باید و شاید، اهمیت داده نمی شود. از این رو، نخست لازم است اهمیت این فریضه الهی را درک کنیم و آن گاه متناسب با اهمیت آن و با شیوه های مقتضی، به ترویج نماز همت گماریم.

امروزه با بروز خطر تهاجم فرهنگی، هیچ سلاحی قادر نیست از انحراف های اجتماعی و فرهنگی ملت ها جلوگیری کند ؛ زیرا با پیشرفت تکنولوژی، کنترل اجتماعی و ارگان ها کم کم بی تأثیر خواهد شد و تنها نماز و فرهنگ آن است که می تواند خطر آن را خنثی کند. قرآن نیز به این مسئله اشاره می کند: «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أضاعوا الصَّلاهَ وَ اتَّبَعوا الشَّهواتِ؛ پس گروهی جانشین آنان شد که نماز را ضایع کرده و از شهوت ها پیروی نمودند...».

(مریم: ۵۹)

الکسیس کارل در مورد تأثیر ناگوار روگردانی جوامع از نیایش و عبادت می نویسد:

اجتماعـاتی که احتیـاج به نیـایش را در خود کشـته انـد، معمولاً از فساد و زوال مصون نخواهنـد بود. این از آن جهت است که متمدنین بی ایمان نیز همچون مردم دیندار وظیفه دارند که به مسئله رشد همه فعالیت های باطنی و درونی خود که لازمه یک وجود انسانی است دل بستگی پیدا کنند... .

حضرت امام خمینی رحمه الله در مورد اهتمام دیگر مسلمانان به نماز می فرماید:

من در مکه مشـرف بودم، یک روز می خواستم کتابی بخرم که برای آن کتاب فروش هم فایده داشت. ایستاده بودم [که] اذان گفتند. یک دفعه [معامله را]رها کرد و گفت: «سنه الحنیفه»، دیگر با من حرف نزد، رفت سراغ نماز. در مدینه، بازار را که می دیدم بسته بود؛ یعنی باز بود، لکن هیچ کس نبود، می رفتند سراغ نماز.(۱)

متأسـفانه سرمایه گذاری و تلاش در جهت تبلیغ کالاها و مادیات بیشتر از توجه به سرمایه گذاری در راه نجات و رستگاری به وسیله نماز است و در بسیاری موارد، این بی توجهی به امر نماز را هر روز شاهد هستیم. خداوند می فرماید:

هنگامی که تجارت یا لهوی مشاهده، کنند (ای پیامبر،) تو را ترک گفته و به سوی آن می شتابند. (جمعه:۱۱)

۱. نماز و مسئولیت نهادهای اجتماعی و دست اندرکاران

۱. نماز و مسئولیت نهادهای اجتماعی و دست اندرکاران

۱- صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۲۳۴ ۲۰/۴/۵۹.

پیش از پرداختن به موضوع فوق، نخست بایـد مطالبی را درباره اصول هدایت افراد ذکر کنیم. یکی از اصول هدایت دیگران و تعلیم و تربیت فرد یا جامعه این است که هـدایتگر باید خود هدایت یافته باشد؛ یعنی شـخص، نخست خود و سـپس دیگران را هدایت کند.

از امام علی علیه السلام روایت شده است:

مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنّاسِ اماما فَعَلْیهِ اَنْ یَبْدَأَ بِتَعلیم نَفسِهِ قَبلَ تعلیم غَیرهِ وَلْیَکُنْ تَأدیبُهُ بِسیرَتهِ قَبلَ تأدیبهِ بِلسانه.(۱)

پس هرکس که خود را امام مردم قرار داد، بر او لازم است که پیش از تعلیم دیگران، از تعلیم خویشـتن آغاز کنـد و باید ادب کردنش بر سیره و منش را و استوار باشد، قبل از ادب کردن با زبانش.

بنابراین، صـرف داشـتن احساس مثبت و قصد توسعه دین کافی نیست؛ زیرا عالمان هتاک و جاهلان عابد، بیشترین ضربه ها را بر دین وارد کرده اند.

اصل دوم این است که قول هدایتگر باید با فعل او همخوانی داشته باشد:

یا اَیُّها الذینَ امَنوا لِمَ تقولونَ ما لاتَفْعلونَ کَبُرَ مَقْتا عِنْدَ اللّه ِ اَنْ تَقولوا ما لا تَفْعَلونَ(صف:۲ و ۳)

ای کسانی که ایمان آورده ایـد، چرا می گویید آن چیزی را که عمل نمی کنید (این عمل) نزد خداوند (باعث) خشم شدیدی است؛ اینکه می گویید آنچه را عمل

۱- نهج البلاغه، حکمت ۷۰، ص ۱۱۱۷.

نمی کنید.

امام علی علیه السلام نیز در دعای کمیل چنین می فرماید:

حَتّی تکونَ اَعْمالی وَ اَوْرادی کلُّها وِرْدا واحدا؛

(و اوقات شبانه روز مرا به ذکر خود مشغولم داری)... تا آنجا که اعمال من و گفتار من یک آهنگ باشد.

بی شک، دوگانگی در قول و فعل، زمینه های تأثیرپذیری افراد را از میان می برد.

اصل دیگر این است که دعوت از طریق عمل و کردار، مؤثرتر از تبلیغ به وسیله زبان است؛ چنان که ائمه ما علیهم السلام به پیروان خود تأکید دارند که با زبان، کمتر دعوت کنید:

امام صادق علیه السلام فرمود:

کُونُوا دُعاةً لِلنّاسِ بِالْخَیرِ بِغَیْرِ اَلْسِنَتِکُمْ لِیَروْا مِنْکُمْ الاجتهادَ وَ الصِّدقَ وَ الْوَرَع(۱)

دعوت کنندگان مردم به نیکویی به غیر زبان های خویش باشد (با عمل نه قول) تا اینکه از شما جدیّت و راستی و پرهیزکاری را مشاهده کنند.

درباره نقش نهادها و ارگان های دولتی در تبلیغ نماز می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف) اجباری نبودن نماز؛ زیرا اکراه موجب موفقیت نیست.

ب) نماز در ارزیابی کار شخص و وظایف اداری او تأثیری نداشته باشد؛ زیرا ممکن است کسی در نماز بسیار جدی باشد و ظاهر اسلامی را

۱- اصول کافی، ج ۲، کتاب ایمان و کفر، باب الصدق واداء الامانه، ص ۱۰۵،۱۰.

رعایت کنـد، ولی در کار اداری ناموفق و بی نظم باشـد. این گونه افراد در ردیف عابـدان جاهلنـد و در دین ارزشـی ندارند و توجه به این افراد موجب بدبینی افراد سست ایمان نسبت به دین می شود.

ج) به کارمندان خود حس نیاز به عبادت را تلقین کنند.

امام خمینی رحمه الله در این باره می فرماید:

عمـده در این بـاب حس احتیـاج است که آن در مـا کمتر است. قلب ما باور نکرده که سـرمایه سـعادت عالم آخرت و وسـیله زندگانی روزگارهای غیرمتناهی، نماز است. ما نماز را سربار زندگانی خود می شماریم و تحمیل و تکلیف می دانیم.(۱)

د) برای تقویت نماز و کیفیت آن، به خصوص اخلاص در نمازگزاری تلاش شود، نه در اقامه نماز ظاهری و صوری.

تـوجه به مـوارد فـوق، سـبب افزایش تعـداد نمـازگزاران مخلص و واقعی می شـود که خـود می تواننـد در محیـط منزل و محل زنـدگی یک مبلّغ نماز شونـد. از جمله این نهادها، سـتاد اقامه نماز، صدا و سـیما و فرهنگ و ارشاد اسـلامی و سازمان تبلیغات اسلامی است که وظیفه ای سنگین تر از دیگر اداره ها بر عهده دارند.

وظیفـه اساسـی سـتاد اقـامه نمـاز این است که به دسـته بنـدی افراد جـامعه در رابطه بـا نمـاز بـپردازد؛ یعنی برای افراد معتقـد و غیرمعتقد و عامل یا غیرعامل به نماز، داشـتن یک شـیوه دعوت کافی نیست. آن انسانی که اعتقادی به نماز ندارد، اگر بخواهد در مراسم رسمی نماز در اداره یا

۱- امام خمینی، آداب الصلاه، ص ۴۵.

مدرسه، برای رسیدن به اغراض خود، نماز بخواند، ضرر این کار از سودش بیشتر است. شاعر می گوید:

خانه از پای بست ویران است

خواجه در بند نقش ایوان است

توجه بیش از حد به برپایی ظاهری نماز و به دست آوردن آمار و ارقام بی کیفیت، خطری بزرگ است. از طرف دیگر، گروهی که اهل نمازند و گاه رفتارهای منافی با نماز دارند، آنها هم به تقویت واصلاح نیاز دارند.

بنابراین، ارگان ها باید به اصلاح شیوه و تقویت نقاط مثبت خود بپردازند و در کیفیت کار که منشأ تأثیر واقعی است، بیشتر توجه کنند تا در کمیت و بسنده کردن به آمار و ارقام.

۲. شیوه های جذب افراد به نماز

اشاره

۲. شیوه های جذب افراد به نماز

با توجه به شیوه های موفق تبلیغ دین از سوی خداوند و اولیای او، بهترین شیوه جذب به نماز همان شیوه ائمه دین است. در این قسمت، قصد نداریم که با ارائه یک شیوه واحد، همگان را به نماز و عبادت جذب کنیم؛ زیرا این کار عملاً انجام شدنی و موفقیت آمیز نیست.

برای جذب دیگران به نماز، باید دو مسئله را در نظر داشت: یکی، نیاز ما که به شناخت و اطلاعات ما برمی گردد و دیگری، مخاطب ما که در حقیقت، تعیین کننده شیوه عمل ما در برابر اوست.

برای جذب افراد به امور معنوی از جمله نماز، توجه به این نکته ها ضروری است:

الف) شناسایی هدف

ما تا هدف را مشخص نکنیم، نمی توانیم برنامه متناسب بان آن را اجرا کنیم. با مروری اجمالی درمی یابیم که در دین، هدف از نماز تنها به جا آوردن آن نیست، بلکه هدف، اقامه ستون دین است؛ چه بسا آیات و روایت هایی که نمازگزاران را شایسته سرزنش و تهدید به آتش کرده اند. بنابراین، تزیین فضای ظاهر جامعه به نماز کافی نیست؛ زیرا اسلام از نمازگزاران خود، ضربه های بسیار سنگینی خورده است تا از دشمنان بیرونی خود.

ب) شناسایی کامل مخاطب

ما برای موفقیت در جذب، باید آگاهی های کافی در مورد جنس، موقعیت سنی، گرایش های فرهنگی خانواده، وضعیت روحی و شرایط کنونی فرد داشته باشیم و نیز راه و شیوه ارتباط با او را دریابیم. برای مثال، شخصی که تصور غلطی ازدین و نماز دارد و با دیده نفرت به آن نگاه می کند، حدیث و آیه در او چندان تأثیری ندارد، بلکه باید به سخنان معقول وحکیمانه بزرگان دین که موافق طبع اوست، استناد کرد. هر چند افرادی نیز هستند که هرگز قابل هدایت نیستند. ازاین رو، نباید خیلی درصدد جذب آنان باشیم، بلکه باید با پی آمدهای منفیِ افکار و افکار آنها مبارزه کنیم.

قرآن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

فَذَرْهم يَخوضوا وَ يَلْعَبوا حَتّی يُلاقوا يَوْمَهُمْ الّذی يوُعدون (زخرف:۸۳)

پس رها کن آنان را تا اینکه (در گناه و مادیات) فرو رونـد و به بازی دنیا مشـغول شوند تا اینکه ملاقات کنند روزی که وعده داده شده اند.

ج) شناسایی شیوه های هدایت

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای مبارزه با کفار بهترین شیوه را برگزیده بود:

«قولوا لا اله الا الله تفلحوا؛ بگوییـد جز خدا، خدایی نیست تا رسـتگار شوید». ایشان نخست با بت پرستی مبارزه کرد، سـپس به مجـادله و گفت وگـو و مـوعظه حسـنه و نیکو پرداخت و مؤمنـان را از توهین به خـدایان آنهـا و حـتی از حضور در جمع آنها بازداشت تا مبادا مشکلاتی پیش آید.

آموزه هـای عبـادی واخلاـقی اسـلام در عین عبادی بودن، سیاسـی و روان شـناسانه و... است که به کارگیری دقیق آنها، نتیجه مطلوب خواهد داد. در حالی که ما چندان به این مسائل و روان شناسی اسلامی توجهی نمی کنیم، ولی جوامع استکباری برای ساده ترین امور خود از روان شناسان و مسائل روان شناسی استفاده می کنند.

در عرفان اسـلامی، قلوب انسان ها به دو دسته شوقی و خوفی تقسیم می شود که از لحاظ روش جذب، نقطه مقابل هم هستند؛ یعنی گروهی را باید با تشویق و تبشیر و گروه دیگر را با وعید وانذار متوجه حقایق کرد. (مشهور است که حضرت عیسی علیه السلام، شوقی و حضرت یحیی علیه السلام، خوفی بود و معمولاً از خوف گریه می کرد).

خانواده ها یا مذهبی یا غیرمذهبی (بی اعتقاد) هسـتند؛ خانواده های معتقد هم یا همه افراد آن اهل نمازند(که باید کیفیت نماز آنها را تقویت کرد و

به سوی نماز واقعی کشاند) یا بعضی اهل نمازند و یا هرگز نماز نمی خوانند که از روی عمد و عناد نیست.

افراد جامعه هم همین گونه اند و هر گروه را با یک روش خاص باید به نماز فراخواند؛ یعنی گروهی را باید با استفاده از آیات و روایات و گروه دیگر را با استناد به سخن بزرگان و دانشمندان دینی، به نماز دعوت کرد.

معجزات انبیای الهی هم بر اساس مسائل روز بوده است. حتی کشتن گاو در بنی اسرائیل بر اساس حکمت و اقتضای آن روز بوده است.

آیات قرآن نیز به دو گونه است. قرآن در جایی می فرماید: «وای برنمازگزاران...» (ماعون:۴) و در جایی دیگرمی فرماید: «آیا شما را به تجارتی دلالت کنم که شما را از عذاب نجات دهد؟». (صف:۱۰)

بنابراین، شیوه جذب، متناسب با فرد و شرایط او متفاوت خواهد بود، ولی مهم ترین ویژگی شیوه های تبلیغ دین، رفتار صحیح و محترمانه و پرهیز از راه های طرد کننده و ناصحیح است.

۳. نماز و تهاجم فرهنگی

۳. نماز و تهاجم فرهنگی

خطرناک ترین نوع تهاجم، تهاجم فرهنگی است؛ درتهاجم فرهنگی، ارزش های یک ملت مغلوب ارزش های فرهنگ مهاجم می گردد و در واقع، فرهنگ و ملت مغلوب، هویت واقعی خود را از دست می دهد و با فرهنگ بیگانه، نوعی احساس قرابت می کند. در نتیجه، زمینه نفوذ و تسلط بر او به راحتی فراهم می شود.

مشخص ترین عارضه و هدف تهاجم فرهنگی غرب، ایجاد و اشاعه فساد و فحشا و امور منکر است؛ یعنی همان هدفی که نماز برای جلوگیری از آن تشریع شده است:

«اِنَّ الصَّلاهَ تَنْهی عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنکَرِ؛ نماز انسان را از فحشا و منکر باز می دارد» (عنکبوت:۴۵)

درباره نقش نماز در مقابله با تهاجم فرهنگی می توان گفت که رعایت فقهی احکام نماز (نماز صوری) و نیزرعایت اسرار باطنی آن مانع پذیرش فرهنگ بیگانه می شود و از آنجا که التزام به شی ء، التزام به مقدمات آن را به همراه دارد، مقدمات نماز هم به شکلی دیگر، فرد را از خطر پذیرش فرهنگ دشمن در امان نگه می دارد.

یکی از شرایط نهی از منکر کردن نماز، رعایت دستورهای الهی است؛ یعنی زمانی نماز مایه قرب و دوری از فساد می گردد که فرد شرایط قرب به خدا را داشته باشد؛ یعنی اصول و فروع دین را بشناسد و به آنها عمل کند. او با نماز خود، در عمل، اعتقاد قلبی اش را به خدا و توحید و معاد و نبوت اثبات می کند و با تکرار «ایاک نعبد و ایاک نستعین»، تکیه کردن بر بیگانه و خواری ناشی از آن را از ذهن و جان خود می زداید و با یاد کردن از «ضالین و مغضوبین» خواستار هدایت به صراط مستقیم می شود.

نمازگزار، چون معنای واقعی لذت مناجات با خالق را درمی یابد، هیچ گاه لذت ها و خوشی های ظاهری، نیاز روحی او را برآورده نمی کند.

انسان نمازگزار به حکم خدا و رسول، دشمن خدا را به دوستی نمی گیرد و اصل تولّی و تبرّی را در روابط خویش اجرا می کند و از بیگانه

تقلید نمی کند. انسان نمازگزار به حکم احکام فقهی باید لباس های مجاز شرعی بپوشد، از لباس و وسایل حرام وممنوع فقهی بپرهیزد (از جنس ناپاک غربی و حیوانات حرام گوشت و لباس ابریشمی و طلا و... استفاده نکند) و هویت خود را حفظ کند. در فرهنگ غربی، غفلت، بی خبری، حیوان منشی، سردرگمی و پوچی و غرور و تکبر بر روح انسان حاکم است؛ در حالی که نماز، انسان را از تکبر دور می سازد. او را از لحاظ روحی و جسمی سالم نگه می دارد، به خدا نزدیک می کند و از اعمال حرام (شراب خواری و قمار) برحذر می دارد.

توجه فرد به وقت نماز و تلاش جهت اقامه نماز در اول وقت، او را نظم می کند و با توجه و چنین فردی با یادآوری شبانه روزی نماز، در ورطه بسیاری اعمال خلاف گرفتار نمی شود.

در زمینه اخلاق، افزون بر تأثیر نماز در دوری از فحشا و منکر، نمازگزار باید دقت کند که بعضی رفتارها مانع اجابت دعا و نماز او می شود. ازاین رو، رعایت حقوق دیگران و مواظبت بر رفتار باعث می شود که زمینه انحراف و گرفتاری به غضب الهی از میان برود و بین افراد و به ویژه نسبت به والدین، روابط صمیمی برقرار گردد و کانون محبت خانوادگی سالم بماند؛ یعنی آن چیزی که در فرهنگ مهاجم غربی ازبین رفته و بحران های اخلاقی وروانی بر جامعه آن حاکم گشته است. با این مختصر، شایدبتوان به اهمیت فرمان الهی پی برد که می فرماید:

«وَ اسْتَعینوا بِالصّبرِ وَ الصَّلاهِ؛ از نماز و صبر یاری بجویید».(بقره:۴۵)

۴. نماز در دوران کودکی

۴. نماز در دوران کودکی

سفـارش نماز به اهل خانه یک فرمان الهی است: «وَ أمُرْ اَهْلَکَ بِالصَّلاه؛ اهل خود را به نماز امر کن».(طه:۱۳۲) زیرا خداوند به چگونگی آفرینش انسـان آگـاه است: «الاـ یَعْلم من خلق و هو اللطیف الخبیر؛ آیا نمی دانـد که چه کسـی را آفریـده است، در حالی که او لطیف و آگاه است».

اسـلام با توجه به فطرت خـداجوی و خـداگرای انسان، بر تربیت مـذهبی کودکان تأکید می کند: وَ اللّه ما مِنْ مَوْلودٍ اِلاّ وَ یُولَدُ عَلَی الْفِطْرَهِ ثُمَّ اَبَواهُ یُهَوِّدانِهِ وَ یُنصِّرانِهِ وَ یُمِجِّسانِهِ؛(۱) سوگنـد به خـدا که هیـچ مولودی نیست مگر اینکه بر فطرت (خداجو) زاده می شود، سپس پدر و مادرش او را یهودی و نصرانی و مجوسی می کنند.

یکی دیگر از دلایـل اهمیت تعلیم و تربیت دینی کـودک، درون پـاک و دور از شـرارت هـای نفسـانی اوست. سـرزمین وجود کودک، مانند زمین آماده و خالی از هرگونه بذری است که هر بذری در آن پاشیده شود، همان محصول را خواهد داد.

حضرت علی علیه السلام در این باره می فرمایند:

... وَ إنَّما قَلْبُ الْحَدَثِ کالأرضِ الْخالیهِ: ما اُلْقِیَ فیها مِنْ شَی ءٍ قَبِلَتْهُ(۲)

و قلب تازه و دست نخورده (کودک و نوجوان) همانند زمین خالی (از بذر) است؛ هر چه در آن افکنده شود آن را می پذیرد.

۱- اصول کافی، ج ۶، ص ۱۳.

۲- نهج البلاغه، رسائل ۳۱، ص ۹۱۲، وصیت به امام حسن علیه السلام .

این ویژگی کودک، در تقلید کردن او کاملاً نمایان است.

دلیل دیگر، ماندگاری تربیت و تعلیم در کودک است که در روایت ها از آن به «نقش بر سنگ» تعبیر شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «حِفظُ الْغلامِ الصغیر کالنقشِ فی الْحَجَر؛(۱) حفظ کردن کودک چون نقش برسنگ است». ازاین رو، وظیفه والدین است که او را هدایت و یاری کنند.

امام سجاد علیه السلام حق فرزند بر والدین را چنین بیان می کند:

اَمَّا حقُّ وَلَدِکَ فَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ مِنکَ وَ مُضافٌ الیکَ فی عاجِلِ الدّنیا بِخَیْرِهِ وَ شَرِّهِ اِلَیْکَ وَ أَنَّکَ مَسْئولٌ عَمّا وَلَّیْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدّلالَهِ عِلی رَّبه عزَّ وَ جلَّ و الْمعونَهِ لَهُ علی طاعتِهِ فَاعْمَلْ فی اَمْرِهِ عَمَلَ مَنْ یعلمُ أَنَّهُ مُثابٌ عَلی الْاحسانِ إِلَیْهِ وَ مُعاقبٌ عَلَی الْاساءَهِ اِلیه.(۲)

اما حق فرزندت بر تو آن است که بدانی که او از توست و اضافه (منسوب) به توست در زندگی دنیا با خیر و شر او و اینکه (بدانی) تو مسئول هستی درباره نیکو ادب کردن و راهنمایی او به سوی پروردگارش ـ عزّوجلّ ـ و یاری کردنش بر طاعت او. پس در کار (تربیت) او چنان کن همانند آن کس که می داند که در برابر احسان به او پاداش خواهد رسید و در برابر بدی به او عقوبت خواهد شد.

درباره تربیت دینی کودک و وادارکردن او به نماز، روایت های زیادی وجود دارد:

عَنْ مُعاویه بن وهب قال: سَأَلْتُ اَباعَبدِاللّه عَلیه السلام فی کَمْ یُوْخَذُ الصَّبیُّ بِالصَّلاهِ؟

۱- نهج الفصاحه، ص ۲۹۱.

۲- محمد سپهری، ترجمه و شرح رسالهُ الحقوق امام سجاد علیه السلام، ص ۱۴۰.

فَقالَ: فیما بَیْنَ سَبْعَ سَنین وَ سِتَّ سِنینَ(۱)

معاویه بن وهب گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم در چند سالگی کودک به نماز وادار می شود؟ فرمود: بین شش و هفت سالگی.

عَنْ اَبی عبدِاللّه ِ عَلیه السلام عَنْ أبیهِ: قَال: اِنّا نَأْمُرُ صِبیانَنا بِالصَّلاهِ اِذا کانوا بَنی خَمْسَ سِنینَ فَمُروا صِبیانَکُمْ بِالصَّلاهِ اذا کانوا بَنی سَبْعَ سِنین(۲)

امام صادق علیه السلام از پدرش نقل می کند که فرمود: ما کودکانمان را هنگامی که به پنج سالگی رسیدند، به نماز امر می کنیم. پس شما کودکانتان را هنگامی که هفت ساله شدند، به نماز امر کنید.

حتی در برخی احادیث، در صورت خودداری کودک از اقامه نماز، دستور زدن آنها وارد شده است:

مُروا صِبیانَکُمْ بِالصَّلاهِ اذا بَلَغوا سِبْعَ سِنینَ وَاضْرِبُوهُم عَلی تَرْکِها اِذا بَلَغوا تِسْعا(۳)

کودکانتان را هنگامی که به هفت سالگی رسیدند، به نماز وادارید و در نه سالگی، بر ترک نماز، آنها را بزنید.

در حدیثی دیگر آمده است: «وَ اضْرِبُوهُم اِذا کانوا ابناءَ سَبْعَ سِنینَ؛(۴) و آنان را چون هفت ساله شدند، بزنید».

البته این مسئله نیاز به بررسی دقیق تر دارد؛ زیرا ادامه این رفتار،

۱- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۲، ح ۱.

۲- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۲، ح ۵.

۳- بحارالانوار، ج ۸۸، ص ۱۳۴.

۴- سفینه البحار، ج ۵، ص ۳۰.

تصویری خشن از دین در ذهن کودک ترسیم می کند و چه بسا برای همیشه او را از دین و نماز گریزان می کند. در حدیثی دیگر آمده است: حسن بن قارون گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم یا اینکه پرسیده شد و من می شنیدم، درمورد مردی که فرزندش را مجبور می کند و او نماز نمی خواند. پس فرمود: فرزند چند ساله شده است گفتم: هشت سال. فرمود: سبحان اللّه، نماز را ترک می کند. گوید: گفتم او را سخت است؛ فرمود: به اندازه طاقت و توان نماز بخواند.(۱)

بنابراین، والدین در تربیت کودک باید به نکات ذیل توجه داشته باشند:

الف) ارائه تصویری جذاب از دین، با استفاده از روش هایی که کودک قادر به درک آنها باشد.

ب) توجه به دیگر خواسته های دوران کودکی و نداشتن انتظار بزرگ از آنها.

ج) مهم ترین مسئله درتعلیم و تربیت دینی کودک، استفاده از زبان کودکانه است.

چون سر و کار تو با کودک فتاد

پس زبان کودکی باید گشاد

در ترغیب کودکان به نماز، بهتر است بیشتر از جمله های عاطفی استفاده کرد.

۱- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۳، ح ۶.

د) باید شیوه ای به کاربرد که کودک، عبادت را دوست داشته باشد؛ زیرا «حبّ»، عاملی است که با آن می توان ره صد ساله را یک شبه پیمود.

پیامبراکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

إنَّ هذا الدین متینٌ فَأَوْغَلْ فیه بِرِفقٍ و لا تُبغِضْ الی نفسِکَ العباده؛(۱)

این دین، محکم است. پس با رفق و مدارا در آن پیش برو و عبادت را منفور خود مگردان.

ه) تأثیر محیط بر کودک را نباید نادیده گرفت.

و) والدین باید از سرزنش آشکار فرزند خود، به ویژه در حضور جمع خودداری کند؛ زیرا برابر احادیث ائمه علیهم السلام این امر باعث لجاجت می شود و حقارت و عدم احساس شخصیت، شرارت را در پی دارد: «مَنْ هانَتْ عَلیهِ نَفْسُهُ فَلا تَأمَنْ شَرَّهُ؛ هر کس شخصیتش برای خود بی ارزش شد، پس از شر او در امان مباش».

ز) مربی یا پدر و مادر باید ریشه کج روی های کودک را در وجود خود و در رفتار خویش جست و جو کنند و نخست خود به اصلاح آن اقدام کند و سپس از او انتظار عمل داشته باشند.

ح) با توجه به احادیث، افراد دارای ظرفیت ها و استعدادهای متفاوتی هستند. ازاین رو انتظار مربی یا پدر و مادر باید به تناسب ظرفیت کودک باشد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «الناسُ مَعادِنُ کَمعادِنِ الذَّهبِ وَ الفِضَّهِ؛ مردم

۱- نهج الفصاحه، ص ۱۸۸.

معدن هایی چون معادن طلا و نقره اند».(۱)

۵. نماز در دوران نوجوانی

۵. نماز در دوران نوجوانی

دوران کودکی، سنگ زیرین و زیربنای دوران نوجوانی است. تفاوت این دوره با دوره قبل، ورود کودک به دنیایی جدیدتر و ظهور برخی گرایش ها و احساسات جسمی و روحی است.

در دوران کودکی، فرد با افراد محدودی معاشرت دارد و سرزمین وجود او متأثر از آموخته های آنهاست. در دوران نوجوانی، دوستان و همسالان و برخی شرایط اجتماع که او قادر به درک آنهاست، او را تحت تأثیر قرار می دهد. مهم ترین ویژگی دوران نوجوانی، پذیرش آرای دیگران است و از همین خاصیت باید برای جذب آنها به نماز استفاده کرد. با بروز مشکلات دراین دوران و حس پناه جویی نوجوانان که در این دوره به فراتر از پدر و مادر کشیده می شود، می توان نوجوان را به منبع اتکال و پناه مطمئن خداوندی هدایت کرد. اگر نوجوان در اثر نماز بتواند مقداری لذت عبادت و ارتباط با خدا و اتکال بر او و یاری او را درک کند، به این امر عادت می کند. چنان که گفته اند: «والخیر عاده».

معمولاً این دوران بهترین دوران برای درک لذت نماز و آغاز عبادت است و والدین و مسئولان امر هدایت نوجوانان، از جمله مدرسه و صدا و سیما، باید در این دوره به فکر آموزش جدی و تعمیق نماز در جان آنها

۱- نهج الفصاحه، ص ۶۳۵.

باشـند و این امر آنهـا را از خطر انحراف نگه می دارد. همچنین توجه آنها به بزرگان دین و اولیای حق و پیروی از روش قرآن و رفتار بزرگان، روش تربیتی بسیار مؤثری است.

۶. نماز و آموزش و پرورش

۶. نماز و آموزش و پرورش

پس از محیـط خانواده، آموزش و پرورش یا مـدرسه، مهم ترین محیط تربیت افراد به شـمار می رود؛ زیرا دانش آموز بیشترین ساعت های روز خود را در مدرسه می گذراند.

هـدف مـدرسه، علم آموزی و انسان سازی است. تعریف علم و ویژگی های آن از دیدگاه اسـلام با آنچه غرب آن را علم می نامد، فرق بسیار دارد. از نظر اسلام، هدف از علم، تعالی روح انسان است، در حالی که علم از نگاه غربی بیشتر بر محور انسان و پیشـرفت او است. ازاین رو، بسیاری از علوم جدید از مقوله علم در اسلام نیست، هر چند در پی دانش های مفید بودن، یک امر واجب شـمرده شده است. متأسـفانه مدرسه های امروزی ما چون برگرفته از سـبک بیگانه است، به طور معمول در آموختن علم واقعی موفقیت بسیاری ندارند.

ولی محیط مدرسه به چند دلیل برای پرورش مذهبی دانش آموز و نمازگزار شدن او اهمیت دارد:

اول اینکه دانش آموز نزدیـک به نیمی از ساعت های روز خود را در مـدرسه می گذرانـد. دیگر اینکه درسـنین مـدرسه هنوز خاصیت تقلید و

الگوبرداری وجود دارد و در پاره ای موارد به ویژه درسنین پایین حرف و نظر معلم را بالاتر از حرف والدین خود می داند. دلیل دیگر، حضور دانش آموز در جمع هم سالان و وجود اختلاف در تربیت خانوادگی آنها است.

بنابراین، با توجه به دلایل یاد شده و نیز سخن امام راحل که «تزکیه قبل از تعلیم و تعلم است» و نیز بر اساس آیه: «یُزَکِّیهِمْ وَ یُعَلِّمُهُمُ الْکتابَ وَ الْحِکمَهَ؛ آنان را تزکیه کرده و کتاب و حکمت به آنها یاد می دهد»(جمعه:۲)، باید تمام برنامه های آموزش و پرورش در راستای پرورش روحی و مذهبی دانش آموزان باشد.

برخی از مهم ترین وظایف آموزش و پرورش به شرح زیر است:

الف) اصلاح و تقویت برنامه های پرورشی و رفع کاستی های موجود هم در برنامه های پیش بینی شده و هم در تربیت مربی،

ب) حساسیت و دقت در امر گزینش معلمان دینی و پرورشی،

ج) به کارگیری معلمان آگاه و با سواد، به ویژه در درس های دینی و مذهبی و سطوح پایین آموزش (ابتدایی و راهنمایی)؛ زیرا آموزش های بی پایه و اساس در درس دینی، فرد را در مقطعی از زندگی دچار تعارض در ارزش ها می کند.

د) اجرای برنامه های پرورش مذهبی و تشویق و ترغیب دانش آموز به سوی آن، نه با استفاده از قدرت مدیر و مربی پرورشی و.

ه) در زمینه مراسم نماز و شرکت دانش آموزان در آن، به مسائل ظاهری و آمار و ... خیلی بها داده نشود، بلکه در اجرای هدف نماز و آموزش آداب آن کوشش بیشتری شود. باید توجه داشت کسانی که به دین اسلام می گروند، بیشتر به دلیل رفتار دینی صحیح است، نه به جهت آمار نمازگزاران.

و) گردآوری اولیای دانش آموزان و آموزش معنوی آنان در امر پرورش فرزندان خود و تشویق آنان به نماز.

این آموزش ها می تواند از طریق آشنا ساختن والدین با خطرهای تهاجم فرهنگی و بازگویی پی آمدهای مصونیت بخش نماز و آموزش های دین و تعلیم رفتارهای مناسب درخانه با دانش آموز و... باشد. این امر سبب می شود که در آموزش ارزش ها، تعارض های احتمالی به حداقل برسد.

ز) واگذاری مسئولیت اجرای نمازهای جماعت بر عهده خود دانش آموزان؛

ح) تبیین نقش نماز در پیشرفت های علمی و دینی دانشمندان؛

ط) آموزش و پرورش باید بکوشد که مسئله تعارض و ناسازگاری دین و نماز با پیشرفت های دنیای کنونی را روشن کند. به عبارت دیگر، تعارض علم و دین را در سطح فکری آنان حل کند.

۷. نماز، باران رحمت الهی

۷. نماز، باران رحمت الهی

بسیاری از مردم انجام عبادت و نماز را تنها یک تکلیف می دانند و گاهی برای به جا آوردن آن خود را شایسته تحسین و پاداش می بینند. ازاین رو، در اجابت دعای خود و آسان شدن امور زندگی چشم به امدادهای ویژه الهی دارند؛ حتی در مقابل عبادت خود، بر خداوند حقی احساس می کنند. در حالی که در مناجات های امامان ما، بین مناجات شونده و مناجات کننده اصلاً تناسب مقام وجود ندارد؛ یکی در نهایت قدس و رفعت مقام و دیگری درنهایت ضعف و پستی مکان و ذات است.

به قول شاعر: شاه خوبانی و منظور گدایان شده ای

امام سجاد علیه السلام در بیان مقام پروردگار در مقابل بنده می گوید:

پروردگارا، اگر اطاعت فرمان تو به مناجات واجب نبود، تو را از ذکرم منزه می کردم؛ زیرا که ذکر من به قدر من است، نه به قدر تو.(۱)

ازاین رو، اجازه عبادت در شمار بزرگ ترین بخشش های الهی درحق بندگان است: «من اعظم النعم علینا جریان ذکرک علی السنتنا؛ از بزرگ ترین نعمت ها بر ما، جریان ذکر تو بر زبان های ماست».(۲)

البته به استناد آیه: «و لقد کرّمنا بنی آدم»، خداوند انسان را در بین خلایق مقامی ویژه داده و قلب و روح او را شایسته صعود از عالم خاکی و وصل به عالم بالاتر از رتبه خویش کرده است: «لایسعنی ارضی و لا سمائی بل یسعنی قلب عبدی المؤمن؛ نه زمین و نه آسمان مرا در بر نمی گیرد (درک نمی کند)، بلکه

۱- مفاتیح الجنان، دعای مناجات الذاکرین، ص ۱۷۵.
۲- مفاتیح الجنان، دعای مناجات الذاکرین، ص ۱۷۵.

قلب بنده مؤمنم مرا در بر می گیرد».(۱)

ازاین رو، خداوند بنده خود را به ذکر و عبادت فرمان می دهد: «اَقِمِ الصَّلاهَ لِذِکْرِي؛ نماز را برای یاد من به پادار».(طه:۱۴)

۸. نماز در آینه وحی

اشاره

۸. نماز در آینه وحی

پیش از اینکه در مورد نماز در قرآن مطالبی بیاوریم، بهتر است ریشه بحث را از ابتدا در قرآن پی گیری کنیم تا به اهمیت و جایگاه نماز در قرآن آگاه شویم.

قرآن در خطاب به انسان ها می فرماید: «هو الذی خلق لکم ما فی الارض جمیعا؛ خدا هرچه در زمین است را برای شما آفرید».(بقره:۲۹)

همچنین درباره خلقت انسان و جن می فرماید: «و ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون؛ و جن و انس را مگر برای آنکه مرا عبادت کنند نیافریدم».(ذاریات:۵۶)

قرآن، رستگاری انسان را در اقامه نماز معرفی می کند:

وَ مَا اُمِروا اِلّا لِیَعْبدوا اللّه ـ مُخْلِصینَ لَهُ الدینَ حُنَفاءَ و یُقیموا الصلاه و یُؤْتُواْ الزکوهَ؛(بیّنه:۵)

و دستور داده نشد، مگر اینکه خدا را خالصانه در دین عبادت کنند و نماز به پای دارند و زکات دهند.

یکی از هدف های ارسال انبیای الهی، دعوت به پرستش پروردگار و اقامه نماز است: «وَ لَقَدْ بَعَثْنا فی کُلِّ اُمَّهٍ رَسُولاً أَنِ اعْبُدُوا اللّهَ؛ به یقین ما در میان هر امتی رسولی برانگیختیم [تا بگوید]خدا را عبادت کنید».(نحل:۳۶)

۱- چهل حدیث، ص ۱۰۸؛ برگرفته از: بحارالانوار، ج ۵۵، ص ۳۹.

در میـان شـیوه های عبادت که مالی و بـدنی است، عبادتی برتر است که انسان را به یاد حق مشـغول کنـد؛ یعنی عبادت ذکری برتر است. ذکر حق سـبب می شود که خـدا نیز به یاد ذکر بنـده خویش باشـد: «اُذکرونی أَذْکُرْکُمْ؛ مرا یاد کنیـد تا شـما را یاد کنم».(بقره:۱۵۲)

خداوند با عبارت «اذکرونی»، نماز را ذکر خود معرفی می کند و به پیامبر نیز دستور می دهد: «و اقم الصلاه لذکری»که این امر اهمیت ویژه نماز را در میان دیگر عبادت ها نشان می دهد.

اگر فرد از ذکر حق رو بر تابد، پروردگار نیز به تعبیر قرآن او، را فراموش خواهد کرد:

«وَ قیلَ الْیومَ نَنْساکُمْ کَما نَسـیتُمْ لِقاءَ یَوْمِکُمْ هذا؛ و گفته شود که امروز شما را فراموش می کنیم؛ همان گونه که شما این روز، خود را فراموش کردید».(جاثیه:۳۴)

غفلت از یـاد خـدا، انسان را با سـختی مواجه می کنـد: «وَ مَنْ اَعْرَضَ عَنْ ذِکْری فَانَّ لَهُ مَعیشهً ضَـنْکا؛ هر کس از ذکر و یاد من روی برگرداند، زندگی سختی خواهد داشت».(طه:۱۲۴)

یاد خـدا سـبب آرامش دل ها است: «اَلا یَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَ هُوَ اللَّطیفُ الْخَبیرُ؛ آیا خـدا نمی داند که چه کسـی را آفریده است در حالی که او لطیف و آگاه است».(ملک:۱۴)

و در آیه ای دیگر می فرماید: «اَلا بِذِکْرِ اللّه ِ تَطْمَئِنُّ الْقلوبُ؛ دل ها به یاد خدا آرام می گیرد». (رعد:۲۸)

قرآن به صورت مستقیم و غیرمستقیم به اهمیت نماز و جایگاه آن اشاره کرده است. برخی ازآیات قرآن که آشکارا به نماز و آثار و پی آمدهای آن اشاره دارد، به شرح ذیر است:

الف) فراگیر بودن نماز

الف) فراگیر بودن نماز

نماز در میان تمامی آفریده ها (از جماد گرفته تا مَلَک)، عمومیتی دارد که هیچ عبادتی آن را دارا نیست:

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ الطَّيْرُ صَافّاتٍ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلاتَهُ وَ تَسْبيحَهُ وَ اللّهُ عَليمٌ بِما يَفْعَلُونَ (نور:۴۱)

آیا نمی بینی که آنچه در آسمان ها و زمین است و پرندگان، همه خدا را تسبیح می گویند و هر کدام تسبیح و نماز خود را می داند و خداوند به آنچه انجام می دهند آگاه است.

چنان که پیش از این گفته شد، از نظر قرآن عبادت دیگر موجودات به صورت تسبیح، تحمید، سجودی و نیز طوعا و کرها می باشد.

ب) نماز ذکر ویژه حق

ب) نماز ذکر ویژه حق

خداوند به پیامبر خود دستور می دهد: «و اقم الصلاه لذکری». این ذکر مقام مناجات است؛ زیرا در آیاتی دیگر می فرماید: «نعمت های الهی را یاد کنید» که با آن شخص متوجه احسان پروردگار می شود و به ذکر خاص او(نماز) روی می آورد.

ج) هدف تمام انبیا

ج) هدف تمام انبیا

یکی از هدف های انبیا هدایت خلق به عبادت و ذکر حق است. در

قرآن، نماز ذکر خاص حق تعالی است.

د) نماز اولین و آخرین سفارش انبیا

د) نماز اولین و آخرین سفارش انبیا

با نگاهی سطحی به چگونگی تبلیغ انبیا و سفارش های آنان در مورد نماز که در قرآن نیز به آن اشاره شده است، می توان به اهمیت نماز نزد انبیا پی برد. در بحث «نماز از دیدگاه قرآن و وحی» درباره آن به تفصیل بحث شده است.

ه) اثر نماز در دوری از گناه

ه) اثر نماز در دوری از گناه

«... اِنَّ الصلاهَ تنْهی عَنِ الْفحشاء وَ الْمُنْکَرِ...؛ نماز انسان را از فحشا و منکر باز می دارد».(عنکبوت:۴۵)

و) نقش نماز در امور زندگی و هدف خلقت

و) نقش نماز در امور زندگی و هدف خلقت

«وَ اسْتَعینوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلاهِ؛ و از صبر و نماز یاری بجویید».(بقره:۴۵)

«انَّ الصلاهَ کانَتْ عَلی الْمُؤْمنینَ کتابا موقوتا؛ به راستی که نماز با زمان معین برمؤمنان واجب است». (نساء:۱۰۳)

برخی از آیات قرآن نیز به طور غیرمستقیم به پی آمدهای اقامه یا ترک نماز اشاره دارند که نشان از مقام نماز و دیدگاه قرآن نسبت به آن است:

یک _ ثبات روحی در اثر نماز

اِنَّ الْانسانُ خُلِقَ هَلوعا اَذا مَسَّهُ الشّر جزوعا وَ اِذا مَسَّهُ الْخیر منوعا الاّ الْمُصَلّینَ. (معارج:۱۹_۲۲)

انسان، حریص آفریده شده است؛ هنگامی که به او شر وارد شود جزع و بی تابی می کند و هنگامی که به او خیر رسد منع می کند (بخل می کند) مگر نمازگزاران.

دو _ سقوط در دوزخ در اثر ترک نماز

کُلُّ نَفْسٍ بِما کَسَبَتْ رَهینَهٌ إِلاّ أَصْحابَ الْیَمینِ فی جَنّاتٍ یَتَساءَلُونَ عَنِ الْمُجْرِمینَ ما

سَلَكَكُمْ فی سَقَرَ قالُوا لَمْ نَکُ مِنَ الْمُصَلِّینَ...(مدثر: ۳۸ _ ۴۳)

هر کس به آنچه کسب کرده است، در گرو خواهد بود، مگر اصحاب یمین که در بهشت ها از گناهکاران می پرسند که چه چیز شما را در آتش افکند، گویند که ما از نمازگزاران نبودیم.

هنگامی که خداوند در قرآن می خواهد سقوط قوم بنی اسرائیل را بیان کند، دلیل سقوط و انحطاط آنها را ترک نماز و به تبع آن پیروی از شهوات می داند:

فَخَلَفَ مِنْ بَعدِهم خَلْفٌ أضاعُوا الصَّلاهَ وَاتَّبَعوا الشَّهواتِ فَسوفَ یُلقَوْن غیا؛ (مریم:۵۹)

پس بعد از آنها گروهی جانشین آنان شد که نماز را ضایع کردند و از شهوات پیروی نمودند پس به زودی در آتش افکنده شوند.

سه _ تاکید بر اهمیت نماز

وقتی قرآن وظایف الهی قومی را بیان می کند، یا نشانه ها و ویژگی های اهل ایمان و گروه های مختلفی را که خداوند از آنها تمجید می کند، برمی شمارد، از نماز و اقامه آن نیز یاد شده است:

قَدْ اَفْلَحَ الْمؤُمِنونَ، اَلَّذینَ هُمْ فی صَلاتِهِمْ خاشِعونَ؛(مؤمنون:۱و۲)

به تحقیق که مؤمنان رستگار شدند، آن کسانی که در نمازشان خاشع اند.

در قرآن کریم، افزون بر مطالب بالاـ در مورد آداب نماز و برخی احکام دیگر آن، دستورهایی آمده است که به بعضی از آنها اشاره می کنیم: حفاظت از نماز «حافِظُوا عَلی الصَّلَوات و...؛ بر نمازها محافظت نمایید».(بقره:۲۳۸)

در آیاتی دیگر، حفاظت از نماز، از نشانه های اهل ایمان شمرده شده است: «اَلَّذینَ هُم عَلی صَـلَواتِهِم یُحافِظُون؛ کسانی که آنها بر نمازهایشان محافظت می کنند (مؤمن هستند)». (مؤمنون:۹)

همچنین موانعِ برپاداشتن نماز، از جمله شراب و قمار را می توان چنین برشمارد:

اِنّما یریدُ الشیطانُ اَن یُوقِعَ بَیْنَکُمْ الْعَداوهَ وَ البَغضاءَ فِی الْخَمرِ وَ الْمَیْسرِ وَ یَصُدَّکم عَنْ ذِکرِ اللّه ِ وَ عَنِ الصَّلاهِ فَهلْ اَنتُم مُنتَهون. (مائده:۹۱)

شیطان تنها در شراب و قمار قصد آن دارد که در بین شما دشمنی و کینه اندازد و شما را از ذکر خدا و از نماز باز دارد، پس آیا نهی می پذیرید؟.

درباره لزوم حضور قلب و توجه در نماز نیز چنین بیان فرموده است:

یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تَقْرَبُوا الصَّلاهَ وَ أَنْتُمْ سُکاری حَتّی تَعْلَمُوا ما تَقُولُونَ.(نساء:۴۳)

ای کسانی که ایمان آورده اید، در حالی که مست هستید به نماز نزدیک نشوید تا اینکه بدانید چه می گویید.

همچنین در قرآن، مقدماتی برای نماز ذکر شده است که قبله یکی از آنها است:

وَ مِنْ حیثُ خَرَجْتَ فَولِّ وَجْهَکَ شَطْرَ الْمسجدِ الْحرامِ... ؛(بقره:۱۴۶)

و از هر جایی که خارج شدی، پس روی خود را به سوی قسمتی از مسجدالحرام بگردان.

درباره وضو، غسل، تیمم نیز گفته اند:

یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا إِذا قُمْتُمْ إِلَی الصَّلاهِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَکُمْ وَ أَیْدِیَکُمْ إِلَی الْمَرافِقِ وَ امْسَحُوا بِرُؤُسِکُمْ وَ أَرْجُلَکُمْ إِلَی الْکَعْبَیْنِ وَ إِنْ کُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَ إِنْ کُنْتُمْ مَرْضی أَوْ عَلی سَفَرٍ أَوْ جاءَ أَحَدٌ مِنْکُمْ مِنَ الْغائِطِ أَوْ لامَسْتُمُ النِّساءَ فَلَمْ تَجِدُوا ماءً فَتَیَمَّمُوا صَعیدًا طَیِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِکُمْ وَ أَیْدیکُمْ مِنْهُ؛(مائده:۶)

ای اهل ایمان، هنگامی که برای نماز برخاستید، پس صورت و دستان خود را تا مرفق ها بشویید و سرها و پاهای خود را تا برآمدگی مسح کنید و اگر جنب بودید،

پس خود را تطهیر (غسل) کنید و اگر در سفر بودید یا اینکه یکی از شما را قضای حاجتی دست داد و یا با زنان مباشرت کردید و آب نیافتید، پس به خاک پاکیزه تیمم کنید و صورت و دست های خود را با آن مسح کنید....

فصل ششم: نماز از دیدگاه معصومین علیهم السلام

اشاره

فصل ششم: نماز از دیدگاه معصومین علیهم السلام

پیش تر مطالبی درباره نماز و حقوق آن گفتیم، اکنون نماز را از دیدگاه نظری و سیره عملی ائمه علیهم السلام بررسی می کنیم:

۱. ویژگی های نماز

الف) مَثَل نماز همانند نهری جاری است

آیا اگر مشاهده کردید که جوی آبی بر منزل یکی از شما باشد که هر روز پنج بار در آن شست وشو کند، آیا از چرک و ناپاکی او چیزی باقی می ماند؟ (گفتند: نه. پیامبر فرمود:) این مثل نمازهای پنج گانه است که خداوند، گناهان را به وسیله آنها محو می کند.(۱)

ب) مَثَل نماز مانند ستون خیمه دین است

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

مَثَل نماز مانند ستون خیمه است. هرگاه ثابت و استوار باشد، طناب ها و میخ ها ثابت خواهند بود و هرگاه ستون شکسته شود، ازمیخ و طناب و پرده، سودی حاصل

۱- نهج الفصاحه، صص ۶۹۵ و ۶۹۶ .

نشود.(۱)

ج) نماز در دین، مانند نسبت سر به جسد است

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «موضع الصلاه من الدین کموضع الرأس من الجسد؛ جایگاه نماز در دین همانند جایگاه سر در بدن است».(۲)

د) نماز، سیمای مکتب

پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله فرمود: «لکل شـی ءٍ وجهٌ وَ وجهُ دینِکم الصـلاهُ؛ برای هر چیزی، ظاهری است و ظاهر دین شما نماز است».(۳)

ه) نماز، پرچم اسلام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «عَلَم الاسلام الصلاه؛ نماز، پرچم (علامت) اسلام است».(۴)

و) نماز، وسیله قرب الهی و معراج مؤمن

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید: «الصلاهُ قربانُ کُلِّ تَقیٍّ؛ نماز مایه قرب هر انسان پرهیزکار است».(۵)

ز) نماز، نشانه شیعیان

امام صادق علیه السلام می فرماید: «اِمْتَحَنُوا شیعَتَنا عندَ مواقیتِ الصلاهِ کیفَ محافظَتُهم علَیْها؛ شیعیان ما را به هنگام نماز امتحان کنید که چگونه بر آن محافظت دارند».(۶)

۱- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۶۹.

۲- نهج الفصاحه، ص ۶۲۴.

۳- بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۴۵۶.

۴- کنز العمال، ج ۷، ص ۲۷۹، روایت ۱۸۸۷۰.

۵- نهج الفصاحه، ص ۳۹۷، نهج البلاغه، حکمت ۱۳۱، ص ۱۱۵۲.

۶- آداب الصلاه، ص ۳۴ پاورقی برگرفته از: اعتقادات مرحوم مجلسی، ص ۲۹.

ح) نماز، اولین محاسبه در قیامت

امام باقر علیه السـلام می فرمایند: «إنَّ اوّلَ ما یُحاسَبُ بِهِ الْعبدُ الصـلاهُ فَإِنْ قُبلتْ قُبلَ ما سِواها؛(۱) اولین چیزی که بنده برای آن محاسبه می شود، نماز است. پس اگر پذیرفته شد، (اعمال) غیر آن نیز پذیرفته می شود.

۲. ترک نماز و استخفاف آن

۲. ترک نماز و استخفاف آن

بـا توجه به روایت های بسیار در اهمیت نماز، از جمله کلام پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله که «لاخیرَ فی دینٍ لا صـلاهَ فیهِ» می توان به اهمیت نماز و نیز پی آمدهای ترک نماز و سستی در آن پی برد.

قرآن به نمازگزارانی که در نماز سـهل انگاری می کنند، وعده «ویل» می دهد: «فَویلٌ لِلْمُصلِّینَ الَّذینَ هُمْ عَنْ صَلاتِهِم ساهون؛ وای بر نمازگزارانی که در نمازشان سهل انگاری می کنند.» (ماعون:۴و۵) امام صادق علیه السلام می فرماید:

«لا حَظَّ فِی الإسلام لمن ترک الصلاه؛ هرکس نماز را ترک کند بهره ای از اسلام ندارد».(۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز می فرماید: «مَنْ تَرَکَ الصَّصلاهَ مُتَعمِّداً فَقَدْ کَفَرَ؛(۳) هر که نماز را به عمد ترک نماید، پس کافر گشته است».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام رحلت خود فرمود:

لَیْسَ مِنّی مَنِ اسْتَخَفَّ بِصَلوتِهِ لا یَردُ عَلیَّ الْحَوْضَ لا وَاللّه ِ لَیْسَ مِنّی مَنْ شَرِبَ مُسْکراً

۱- آداب الصلاه، ص ۱۹.

۲- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۴۰۲.

۳- مجموعه الاخبار، ص ۲۰۵.

لا یَرد عَلیَّ الْحوضَ لا وَاللّه ِ.(۱)

کسی که نمازش را سبک بشمارد، از من نیست و بر من در حوض کوثر وارد نخواهد شد. نه به خدا قسم، از من نیست کسی که مسکری (مست کننده ای) بنوشد. بر من در حوض کوثر وارد نخواهد شد، نه به خدا قسم (نخواهد شد).

همان گونه که انبیای الهی همواره بر نماز و اهمیت آن تأکید داشته اند، امامان معصوم نیز به این امر اهتمام داشته اند.

ابوبصیر گفت: امام کاظم علیه السلام فرمود:

لَمّا حَضَرتْ ابی الوفاه، قالَ لی: یا بُنیَّ لایَنال شفاعتنا مَنِ اسْتَخفَّ بِالصَّلاه.(۲)

هنگامی که پدرم را مرگ رسید، به من فرمود: ای پسرم، کسی که نمازش را سبک بشمارد، شفاعت نخواهد شد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

لاتنال شفاعتی غدا من اَخَذَ الصلاه المفروضه بعد وقتها.(۳)

در روز قیامت شفاعت من به کسی که نماز واجب را بعد از وقتش تأخیر اندازد، نمی رسد.

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید: «ان شفاعتنا لاتنال مُستَخّفاً بِالصَلاهِ؛ شفاعت ما به (کسی که) نماز را سبک شمارد، نمی رسد».(۴)

۱- بحارالانوار، ج ۸۰، ص ۱۰.
۲- چهل حدیث، ص ۴۲۷، برگرفته از: فروع کافی، ج ۳، ص ۲۷۰.
۳- بحارالانوار، ج ۸۰، ص۱۷.
۴- بحارالانوار، ج ۸۱، ص۳۷۲.

۳. نماز وسیله مهار شیطان

۳. نماز وسیله مهار شیطان

همـان گونه که در قرآن کریم امر شـده است که «از صبر و نماز اسـتعانت بجوییـد»، در احادیث هم بر توانایی نماز در تسـهیل امور و دفع شیطان تأکید شده است. احادیث زیر بر نقش یاریگری نماز در مقابله با شیطان تأکید دارند:

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

تـا زمـانی که مؤمن بر نمازهای پنـج گانه محافظت می کنـد، شـیطان از او هراسان است و هنگامی که آنها را ضایع کرد، بر او جرئت پیدا کرده و در گناهان کبیره او را وارد می کند.(۱)

امام مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف می فرماید: «هیچ چیزی همانند نماز بینی شـیطان را نمی کوبد، پس آن را به جا آور و بینی او را بکوب».(۲) نیز از پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله است که: «اَلصّلاهُ تُسَوَّدُ وَجْهَ الشَّیْطانِ؛(۳) نماز روی شیطان را سیاه می کند».

۴. نماز و ثواب واقعی آن

۴. نماز و ثواب واقعی آن

آنچه در روایت هـا به عنوان ثواب واقعی نماز مطرح شـده، بیشتر آمرزش گناهان است. امام علی علیه السلام می فرمایـد: «من اتی الصلاه عارفاً بحقها غفر

۱- بحارالانوار، ج ۸۰، ص ۱۲.

۲- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۲.

۳- نهج الفصاحه، ص ۳۹۶.

اللّه له؛(۱) هرکس نماز بگزارد، در حالی که به حق آن آشنا باشد، خداوند او را می آمرزد».

همچنین ایشان می فرماید:

امر نماز را مراعات کنید و بر آن محافظت کنید و آن را بسیار به جا آورید و به وسیله آن تقرب بجویید... که نماز گناهان را مانند ریختن برگ از درخت، فرو می ریزد و همچون بازشدن بندها، آدمی را رها می کند و رسول خدا صلی الله علیه و آله، نماز را به چشمه آب گرم تشبیه فرمود که در مجاورت خانه شخص باشد و او در شبانه روز پنج مرتبه در آن شست وشو کند. پس بر این شخص، چرک و کثافتی باقی نخواهد ماند.(۲)

این ثواب، در روایت ها، معمولاً برای دو رکعت نماز ذکر شده است.

امام صادق علیه السلام فرموده است:

مَنْ صَلّی رَکْعَتَیْنِ یَعْلَمُ ما یَقولُ فیهما، اِنْصَرَفَ وَلَیسَ بَیْنَهُ وَبَیْنَ اللّه ِ عَزَّوَجَلَّ ذَنبٌ إلاّ غَفَرَهُ لَهُ.(۳)

هرکس دو رکعت نماز بگزارد که می داند در آنها چه می گوید، در حالی از نماز فارغ می شود که بین او و خدای عزّوجلّ گناهی نیست، مگر آنکه آن را برایش آمرزیده است.

ایشان در روایتی دیگر می فرماید:

۱- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۷۱.

۲- نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۱۹۷، صص ۶۴۳ و ۶۴۴.

۳- بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۳۷۵.

مَنْ قَبِلَ اللّه ُمِنْهُ صَلاةً واحِدةً لَمْ یُعَذِّبْهُ وَمَنْ قَبِلَ مِنْهُ حَسَنَةً لَمْ یُعَذِّبْهُ(۱)

هر کس که خداونـد از او تنهـا یـک نماز بپـذیرد، او را عـذاب نخواهـد کرد و کسـی را که خداونـد از او یک حسـنه بپـذیرد عذابش نمی کند.

امام باقر علیه السلام می فرماید: شخصی خدمت پیامبر رسید و عرض کرد: ثواب نماز را برای من بیان کن، حضرت فرمود:

هنگامی که به نماز می ایستی و توجه به خداوند می کنی و فاتحه الکتاب می خوانی و سوره ای را تلاوت می کنی و به رکوع و سجود می روی و آنها را کامل به جا می آوری و تشهد و سلام می دهی، بدان که تمام گناهان تو که بین دو نمازت هست، بخشیده می شود. این پاداش نماز توست در نماز.(۲)

در حدیثی دیگر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، شرط آمرزش گناهان به وسیله نماز، بی توجهی به امور دنیا در نماز است:

مَنْ صَلّی رِکعَتَینِ وَلْم یَحْدِثْ فیهما نَفْسِه بِشَیْ ءٍ مِنْ اُموْرِ الدُّنیا غَفَرَ اللّهُ لَهُ ذُنوبَه.(۳)

کسی که دو رکعت نماز به جا آورد و در آن با نفس خود از امور دنیایی صحبت نکند، خداوند گناهان او را می آمرزد.

۵. شرایط قبول شدن نماز

۵. شرایط قبول شدن نماز

بر اساس روایت ها و احادیث، پـذیرش اعمال انسان به پذیرش نماز وابسـته است، ولی برای نمازی که مقبول درگاه حق است، شرایط و نکاتی

۱- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۲، ح ۷.

۲- بحارالانوار، ج ۸۵، ص ۳۰۵.

۳- بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۳۸۱.

ذکر شده که رعایت آنها از توجه به کثرت نماز و طول قیام به آن، ضروری تر است. در بعضی روایت ها تصریح شده است که به نسبت توجه به باطن نماز، این عبادت پذیرفته می شود.

از امام صادق و امام باقر علیهماالسلام نقل شده است که فرمود:

تو را بهره ای از نماز نیست، مگر آنچه به آن توجه داشته باشی. پس اگر از تمام آن یا شرایط آن غافل شود، پیچیده شود و به صورت صاحبش کوبیده شود.(۱)

امام صادق علیه السلام در ضمن پاسخی به پرسش ابوحمزه ثمالی فرمود: «.. اِنَ العبدَ لا یُقبلُ مِنْ صَلاتِهِ إلاّ ما اَقبلَ مِنها بِقَلبه؛(۲) از بنده نمازش پذیرفته نمی شود، مگر آنچه که با قلبش به آن توجه کرده است».

همچنین از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است:

از بعضی از نمازها نیمی از آن، یایک سوم یا یک چهارم یا یک پنجم و یا یک دهم آن پذیرفته می شود، بعضی از نمازها چون جامه کهنه پیچیده می شود و به روی صاحبش زده می شود و از نماز تو نیست، مگر آنکه با قلبت به آن اقبال کنی.(۳)

امام علی علیه السلام با تأکید بر پرهیز از اموری که موجب توجه نداشتن به نماز می شود، می فرماید:

هیچ گاه نباید احدی از شما به نماز ایستد. در حالی که کسل و خواب آلود باشد و نباید در نفس خویش فکر کند، زیرا در مقابل پروردگار عزوجل است و بهره بنده

۱- بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۳۸۸.

۲- بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۳۸۴.

۳- بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۳۸۱.

از نماز، آن است که با قلبش به آن اقبال و توجه کرده است.(۱)

۶. نقش نوافل (نمازهای مستحبی)

۶. نقش نوافل (نمازهای مستحبی)

با توجه به شرایط قبولی نماز در درگاه خداوند، در احادیث برای جبران نواقص آن راه هایی پیشنهاد شده است. از جمله، به جا آوردن نمازهای نافله یا مستحبی است.

از ابوحمزه ثمالی روایت شده است:

علی بن الحسین علیه السلام را دیدم که نماز می خواند، ناگهان ردای او بر یکی از شانه هایش افتاد، ولی حضرت، آن را درست نکرد تا اینکه از نماز فارغ شد. سپس از حضرت در مورد آن پرسیدم که فرمود: وای بر تو، مگر من مقابل چه کسی بودم؟ از بنده نمازش قبول نمی شود، مگر آنچه با قلبش به آن توجه داشته باشد. گفتم: فدایت شوم، هلاک شدیم. فرمود: هرگز، و خداوند آن (نواقص) را با نوافل کامل می کند.(۲)

و در حدیثی دیگر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود:

انما جعلت النافله لیتمّ بها ما یَفسُدَ مِنَ الفریضه.(۳)

نافله قرار داده شده است که آنچه از واجب تباه شود، به وسیله آن(نافله)کامل می گردد.

ابو بصیر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

یُرفَعُ لِلرَّجُلِ مِنَ الصَّلاهِ رُبعِها او ثُمنها اَو نِصفِها اَو اَکثرِ بِقَدرِ ما سها و لکنَّ اللّه ـ تعالی

۱- بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۳۷۵.

۲- بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۳۷۵.

۳- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۴، حدیث ۱۰.

یَتِمُّ ذلِکَ بِالنَّوافل.(۱)

برای فرد از نماز یک چهارم یا یک هشتم یا نصف آن یا بیشتر، به اندازه ای که سهو کرده باشد، بالا می رود، ولی خدای تعالی آن را با نوافل تمام می کند.

۷. نقش علم و تفکر در نماز

۷. نقش علم و تفکر در نماز

متأسفانه در جامعه ما، مدرک ایمان، تقید به ظاهر امور عبادی است؛ در حالی که بنابر روایت ها راه تشخیص اهل ایمان و نماز، عقل و آگاهی آنها است.

اسحاق بن عمار گوید: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: مرا همسایه ای است با نمازگزاریِ بسیار و صدقه بسیار و حج زیاد، او را هیچ عیبی نیست. فرمود: ای اسحاق عقل او چگونه است؟ گفتم: فدایت شوم، او را عقلی نیست. فرمود: با آن به جایی نمی رسد.(۲)

از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده است: «رکعتان مقتصدتان فی تفکر خیر من قیام لیله؛ دو رکعت نماز میانه با تفکر، بهتر از قیام یک شب به عبادت است».(۳)

در حدیثی دیگر آمده است: «نَومٌ عَلی عِلمٍ خَیْرٌ مِنْ صَلاهٍ عَلی جَهلٍ؛ خوابی که با علم باشد (خواب عالم) از نمازی که با جهل باشد، بهتر است».(۴)

۱- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۴، حدیث ۱۲.

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۲۸.

۳- بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۳۸۱.

۴- نهج الفصاحه، ص ۶۳۳.

«رَکعهٌ مِنْ عـالمٍ بـاللّه خَیرٌ مِنْ اَلفِ رکعهٍ مِنْ مُتجاهـلٍ باللّه ؛ یک رکعت از عالمِ به خـدا، بهتر است از هزار رکعت از جاهل به خداوند».(۱)

برابر سـخنان امامـان مـا، عبـادت نادان (جاهل متنسک) نه تنها سودی برای دین نـدارد، بلکه موجب ضـربه زدن به دین خواهد شـد. چنـان که امـام صـادق علیه السـلام از آن به «شکسـتن کمر خود» تعبیر می کنـد: «قَطَعَ ظَهْرِی اِثْنـانْ: عالمٌ مُتَهتِکٌ وَجاهِلٌ مُتَنَسِّکٌ...؛ دو گروه کمر مرا شکستند: عالم گنه کار و عبادت کننده نادان...».(۲)

۸. میزان قبولی نماز با توجه به احادیث

۸. میزان قبولی نماز با توجه به احادیث

همچنین در احـادیث، راه هـایی برای آگـاهی از میزان قبولی نماز و نیز تأثیر نماز مشـخص شـده است که به مواردی اشاره می شود:

امام صادق علیه السلام می فرماید:

مَن اَحَبَّ اَن یَعلمَ اقبُلَتْ صَلوتُه اَم لَم تُقبل فَلیَنظُر هل مَنَعتْه صَلوتُه عَن الفَحْشاءِ وَالْمُنکر؟ فَبِقَدرِ ما مَنَعْته قُبِلتْ منه.(۳)

هرکس دوست دارد که بدانـد آیـا نمازش قبول گشـته یا خیر، پس بایـد ببینـد که آیا نماز، او را از فحشا و منکر باز می دارد؟ پس به اندازه ای که او را باز دارد، از آن، نماز قبول می شود.

همچنین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

۱- نهج الفصاحه، ص ۳۵۰.

۲- میزان الحکمه، ج ۶، ص ۵۰۹.

۳- بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۰۵.

مَن لَم تَنهُه صَلوتُه عَنِ الفَحشاءِ وَ المُنكَر لَم يَزددْ بِها مِنَ اللّه إلاّ بُعدا.(۱)

هرکس که نمازش او را از فحشا و منکر باز ندارد، آن نماز جز دوری از خداوند نتیجه ای ندارد.

۹. سیره عملی امامان معصوم علیهم السلام در نماز

۹. سیره عملی امامان معصوم علیهم السلام در نماز

با توجه به اخبار و روایت ها، آن بزرگواران همواره حتی در صحنه های نبرد و مواقع خوف، متوجه و مترصد داخل شدن وقت این فریضه بوده اند. در روایت ها آمده است: هنگامی که پیغمبراسلام صلی الله علیه و آله به نماز می ایستاد، مانند لباس افتاده ای بود: «کانَ اِذا قامَ اِلَی الصَّلاهِ کَاَنَّه ثَوبٌ مُلْقِی».(۲)

همچنین از بعضی زن های رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است:

هنگامی که با رسول خدا بودیم، چون وقت نماز می رسید گویی او ما را نمی شناخت و ما او را نمی شناختیم، به خاطر اشتغالی که به خدا پیدا می کرد از هر چیز.(۳)

حضرت علی علیه السلام در جریان جنگ صفین همواره مراقب آفتاب و وقت نماز بود. او در پاسخ به پرسش یکی از یاران خود فرمود: ما برای برپاداشتن نماز با آنها می جنگیم. در روایتی دیگر آمده است: چون وقت نماز می شد، به خود می پیچید و متزلزل می شد. از آن حضرت علت تغییر حالشان پرسیده شد. فرمود: زیرا وقتِ امانتی که خدای تعالی آن را بر آسمان ها و زمین ها عرضه داشت و آنها از حمل آن ابا کردند، فرا رسیده

۱- نهج الفصاحه، ص ۵۸۲.

۲- بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۳۸۰.

۳- بحارالانوار، ج ۸۱، ص۳۸۷.

است.(۱)

نیز روایت شده است:

هنگامی که داخل نماز می شد، گویی دیواری ثابت یا ستونی ایستاده بود که حرکت نمی کرد شاید که گاهی رکوع یا سجده می کرد، پرنده ای بر او می نشست.(۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در توصیف حال حضرت زهرا علیهاالسلام فرمود:

اما دخترم فاطمه... هنگامی که در محرابش در مقابل پروردگارش ــ جل جلاله ــ به نماز می ایستد... خدای عزوجل به فرشتگان خود می فرماید: ای فرشتگان من، به سرور بندگانم، فاطمه نگاه کنید که در مقابل من ایستاده است و مفاصل او از ترس من می لرزد و با قلب خود به عبادت من اقبال کرده است.(۳)

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«اِنَّ الحَسَنُ بْنُ عَلِی علیه السلام کانَ اِذا قامَ فی صَلاتِهِ تَرْتَعِدْ فَرائِصَهُ بَیْنَ یَدَیْ رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.(۴)

...حسن بن علی علیه السلام هنگامی که به نماز می ایستاد، در مقابل پروردگارش ــ عزوجل ــ مفاصلش می لرزید.

سیدبن طاوس رحمه الله در فلاح السائل نقل کرده است:

امام حسین علیه السلام وقتی وضو می گرفت رنگش تغییر می کرد و مفاصلش می لرزید. از آن حضرت علت را پرسیدند، فرمود: «برای کسی که بین دو دست صاحب عرش ایستاده، سزاوار است که

۱- بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۳۸۱.

۲- بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۳۹۱.

۳- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۸۲.

۴- بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۳۸۷.

رنگش زرد باشد و مفاصلش بلرزد».(۱)

قضیه ابوحمزه ثمالی را هنگام مشاهده امام سجاد علیه السلام را پیش تر آوردیم. در مورد امام سجاد علیه السلام و احوال او در نماز، داستان های بسیاری نقل شده است که آن حضرت چون وقت نماز می شد، رنگش زرد می شد و چون بید می لرزید و زمانی که به نماز می ایستاد، گویی که ساقه درختی بود. چیزی از او حرکت نمی کرد مگر آنچه که باد از او حرکت می داد.(۲)

ابو ایوب می گوید:

امام صادق و امام باقر علیهماالسلام هنگامی که به نماز می ایستادند، رنگ رخسارشان گاهی سرخ و گاهی زرد می شد، گویی که آنان با چیزی که او را می بینند صحبت می کنند.(۳)

شرح حال عبادت امام موسی و امام رضا و امام حسن عسکری علیه السلام در زندان از زبان زندانبانان، حکایت از سیره عملی آن بزرگان دین در اهتمام به نماز و ادای حق بندگی دارد.

۱- آداب الصلاه، ص ۱۱۲.

۲- بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۳۸۱.

۳- بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۳۸۱.

فصل هفتم: نماز از نگاه اندیشمندان

۱. نماز از نگاه امام خمینی رحمه الله

اگر بروید سراغ نماز، احیا کنید این سنت سیاسی اسلام را... ترس از فانتوم ها نداشته باشید، ترس از امریکا و شوروی نداشته باشید.(۱)

در اسلام از نماز هیچ فریضه ای بالاتر نیست.(۲)

نماز خوب فحشا و منکر را از یک امت بیرون می کند.(۳)

ما با ذکر خدا و با اسم خدا پیش بردیم و نماز بالاترین ذکر خداست.(۴)

نماز بخوانید، از همه فریادها بالاتر است.(۵)

شیطان ها از نماز می ترسند، از مسجد می ترسند.(۶)

۱- صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۲۳۴.

۲- صحیفه نور، ج ۱۲، صص ۱۴۷ و ۱۴۸.

۳- صحیفه نور، ج ۱۲، صص ۱۴۷ و ۱۴۸.

۴- صحیفه نور، ج ۱۲، صص ۱۴۷ و ۱۴۸.

۵- کلمات قصار (پند و حکمت های، امام خمینی رحمه الله)، ص ۵۱ .

۶- کلمات قصار (پند و حکمت های، امام خمینی رحمه الله)، ص ۵۱ .

براق سیر و رفرف عروج اهل معرفت، نماز است و هرکس از اهل سیر و سلوک الی اللّه را به نمازی مختص به خود او و حظ و نصیبی است از آن حسب مقام خود.(۱)

۲. نماز از دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی حضرت آیت اللّه خامنه ای

انسان همیشه به نماز محتاج است و در عرصه های خطر محتاج تر.(۲)

هیچ وسیله ای محکم تر و دائمی تر از نماز برای ارتباط میان انسان با خدا نیست. مبتدی ترین انسان ها رابطه خود را با خدا به وسیله نماز آغاز می کنند، برجسته ترین اولیای خدا نیز بهشت خلوت انس خود با محبوب را در نماز می جویند.(۳)

نماز، این حقیقت مقدس و گوهر درخشان را که عطیه الهی به محمد صلی الله علیه و آله است، قدر بشناسید.(۴)

نماز برترین چیزی است که می تواند همه افراد جامعه مسلمانان را به تهذیب اخلاقی و تعالی روحی و معنوی برساند.(۵)

سه خصوصیت عمده در نماز هست که نقش برتر آن را در تهذیب اخلاقی و تهذیب نفس و پرورش روانی انسان ها پدید می آورد: فراخوانی به ترک گناه، احیای روح پرستش، اهدای آرامش به جان.(۶)

نماز... مظهر کامل پرستش و نیایش و رازگویی و نیازجویی و عشق و ایمان به محبوب فطری

۱- اسرار نماز، ص ۶ .

۲- نماز؛ گنجینه رمز و راز، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ص ۱۴.

۳- نماز؛ گنجینه رمز و راز، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، صص ۱۲ و ۱۳.

۴- نماز؛ گنجینه رمز و راز، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، صص ۲۱ و ۲۲.

۵- نماز؛ گنجینه رمز و راز، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ص ۳۲.

۶- نماز؛ گنجینه رمز و راز، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، صص ۳۲ و ۳۳.

عالم وجود است.(۱)

حقیقت آن است که نماز با نقش عظیم تربیتی، با تأثیر شگرف در ایجاد آرامش و سکینه قلبی مؤمنان و با دمیدن روح توکل و تقوا و اخلاص در نمازگزار و نیز با ایجاد فضای تقدس و معنویت در پیرامون نمازگزار که موجب دوری او و دیگران از گناه است و با درس های معرفتی گوناگون که در الفاظ و اذکار آن نهفته است، بسی بیش از صرفاً یک وظیفه شخصی و در واقع نقش کلیدی در اداره فرد و جامعه است.(۲)

به حق باید نماز را برترین اعمال دانست. نماز مایه های لازم ایثار و گذشت و توکل و تعبد را که پشتوانه حتمی واجبات پرخطر و دشواری همچون جهاد و نهی از منکر و زکات است، در روح آدمی پدید می آورد و او را شجاعانه به آن میدان ها گسیل می دارد.(۳)

نماز، آدمی را از حصارهای ظلمانی می رهاند و شهوت و غضب او را به سوی حقیقت متعالی و خیر همگانی، هدایت می کند.(۴)

۳. نماز از دیدگاه آیت اللّه العظمی بهجت

اگر بدانیم اصلاح امور انسان به اصلاح عبادت و در رأس آنها نماز است که به واسطه خضوع و خشوع و آن هم به اعراض از لغو، محقق می شود، کار تمام است.

نماز به منزله کعبه و تکبیره الاحرام، پشت سر انداختن همه چیز غیرِ خدا و داخل شدن در حرم الهی است و قیام به منزله صحبت دو دوست و رکوع، خم شدن عبد در مقابل آقاست و سجده، نهایت خضوع و خاک شدن و عدم شدن در مقابل اوست. وقتی که عبد در آخر نماز از پیشگاه مقدس الهی باز می گردد، اولین چیزی را که سوغات می آورد، سلامتی از ناحیه اوست.(۵)

۱- نماز؛ گنجینه رمز و راز، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ص ۳۷.

۲- نماز؛ گنجینه رمز و راز، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، صص ۴۳ و ۴۴، پیام هفتم، ۷/۷/۱۳۷۶.

۳- نماز؛ گنجینه رمز و راز، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ص ۴۴.

۴- نماز؛ گنجینه رمز و راز، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ص ۵۰.

۵- برگی از دفتر آفتاب.

۴. نماز از دیدگاه دانشمندان غربی

در میان دانشمندان غربی، تعداد زیادی افراد معتقد به خدا و اهل ایمان هستند که در مورد عبادت و تأثیر آن نظرهایی داده اند و بیشتر به جنبه های تأثیر روانی نماز توجه کرده اند.

الف) الکسیس کارل در کتاب نیایش در مورد دعا و نماز می گوید:

دعا و نماز کوششی است در آدمی برای رسیدن به خدا و صحبت کردن با موجودی نادیدنی که آفریننده همه چیز و حکمت اعلی است. (۱)

دعا و نماز، عملی است که آدمی را در حضور خدا قرار می دهد .(۲)

وی در مورد تأثیر نیایش می گوید:

نیایش، به آدمی نیروی تحمل غم ها و مصائب را می بخشد و هنگامی که کلمات منطقی برای امیدواری نمی توان یافت، انسان را امیدوار می کند و قدرت ایستادگی در برابر حوادث بزرگ را به او می دهد.(۳)

نیایش علاوه بر اینکه آرامش به وجود می آورد، به طور کامل و صحیحی در فعالیت های مغزی انسان یک نوع شگفتی و انبساط باطنی و گاه قهرمانی و دلاوری را تحریک می کند.(۴)

ب) دیل کارنگی، روان شناس معروف می گوید:

چرا همه روزه، نیروهای خود را با نماز، حمد و دعا تقویت نمی کنیم و تجدید سازمان

۱- رحیم کارگر، نماز از دیدگاه دانشمندان و متفکران، صص ۱۱ و ۱۲؛ به نقل از الکسیس کارل، نیایش صص ۱۱ و ۱۲؛ دیل کارنگی، آیین زندگی، ص ۳۴۷.

۲- رحیم کارگر، نماز از دیدگاه دانشمندان و متفکران، ص ۱۱، نیایش، ص ۷.

۳- رحیم کارگر، نماز از دیدگاه دانشمندان و متفکران، ص ۱۰؛ راه و رسم زندگی، ص ۱۳۷.

۴- رحیم کارگر، نماز از دیدگاه دانشمندان و متفکران، ص ۱۲، نیایش، صص ۱۱ و ۱۲، آیین زندگی، ص ۲۴۷.

نمی دهیم؟! ... پزشکان روحی دریافته اند که دعا و نماز و داشتن یک ایمان محکم به دین، نگرانی و [تشویش] و ترس را که موجب اکثر ناخوشی های ماست، برطرف می سازد.(۱)

ج) مارسل بوازا، اسلام شناس معاصر سوئیسی و یکی از مشهورترین پژوهندگان اروپایی می گوید:

نماز یادآوری مستمر یگانگی و عظمت خداوند و ابراز اشتیاق برای راه یافتن در مقام قرب الهی است. این تغییر حالت دائمی باعث آن می گردد که امور مادی زندگی، آدمی را در خود غرق نکند.(۲)

د) نورمن وینست گریسی

دعا و نماز بزرگ ترین نیرویی است که برای مبارزه با دشواری های زندگی روزانه و به دست آوردن آرامش روحی شناخته شده است.(۳)

ه) روژه گارودی فیلسوف و دانشمند معروف فرانسوی می گوید:

در نماز، انسان به خود باز می گردد و همه هستی را در وجود خویش احساس می کند و نماز، انسان با ایمان را به ستایش خدا وامی دارد.(۴)

و) کنث.و. مورگان، دانشمند امریکایی می گوید:

عبادت روزانه در واقع فریضه ای است که بشر در قبال رحمت بیکران الهی انجام می دهد و با ادای این فریضه از خالق متعال مدد می جوید تا در میدان حیات و صحنه تنازع بقا پیروز گردد.(۵)

۱- رحیم کارگر، نماز از دیدگاه دانشمندان و متفکران، صص ۱۵ _ ۱۷؛ آیین زندگی، صص ۲۴۱ و ۲۴۲.
۲- رحیم کارگر، نماز از دیدگاه دانشمندان و متفکران، ص ۵۴؛ مارسل بوازار، اسلام و حقوق بشر، ترجمه مؤیدی، ص ۹۴.
۳- رحیم کارگر، نماز از دیدگاه دانشمندان و متفکران، ص ۳۸؛ کلیدهای خوشبختی، ترجمه: احمد آرام، صص ۳۸۶ _ ۸۸.
۴- نماز از دیدگاه دانشمندان و متفکران، ص ۳۶، روژه گارودی، هشدار به زندگانی، ترجمه: کسمائی، ص ۲۵۹.
۵- نماز از دیدگاه دانشمندان و متفکران، ص ۳۵.

ز) ویلیام جیمز معتقد است:

اگر نیرویی برای تحمل و پیش آمدها لازم باشد، در اثر دعا و نماز به دست می آید.(۱)

ح) دکتر توماس هایس اوپ می گوید:

مهم ترین مطلبی که من در طول چند سال تجربه و آزمایش به دست آورده ام، این است که بهترین وسیله برای درمان بی خوابی نماز است، با این قید که من پزشکم و این سخن را می گویم که نماز بهترین وسیله ای است که تاکنون برای توسعه اطمینان و تسکین اعصاب و آسایش و نشاط شناخته شده است که زمینه بی خوابی را برطرف می گرداند. به عبارت دقیق تر، مهم ترین وسیله ایجاد آرامش در روان و اعصاب انسان نماز است.(۲)

ط) سیرل برت، روان شناس انگلیسی با تأکید بر نظر ویلیام جیمز می گوید:

ما به واسطه نماز می توانیم وارد انبار بزرگی از نشاط عقلانی شویم که در شرایط عادی یارای رسیدن به آن را نداریم.(۳)

۱- نماز از دیدگاه دانشمندان و متفکران، ص ۲۳.
۲- نماز از دیدگاه دانشمندان و متفکران، ص ۲۴ دیل کارنگی، آیین زندگی، ص ۲۴۹؛ قرآن و روان شناسی، ص ۳۵۷.
۳- نماز از دیدگاه دانشمندان و متفکران، ص ۳۱؛ قرآن و روان شناسی، ص ۳۶۲؛ علم النفس دینی، ص ۳۱.

فصل هشتم: نکته ها و ناگفته هایی درباره نماز

اشاره

فصل هشتم: نکته ها و ناگفته هایی درباره نماز

زیر فصل ها

خیر دین

وقت نماز

تأثیر نماز

نماز جماعت

نماز خوف

نماز وداع

تعهد به نماز

نماز اول وقت

محرم راز

استمداد از نماز

خسارت معنوی

جایگاه بی نمازان

آخرین وصیت

شتاب زدگی در نماز

مجذوب خدا

آتش حسرت

درگاه لایزال

غرق در نماز

اسیر گناه

نافله شب

بنده خدا

هدیه ناقابل

بهترین لباس

خیر دین

خیر دین

در سال هایی که مسلمانان به پیروزی هایی چشم گیر رسیده بودند، بزرگان قبیله های عرب، از جمله چند نفر از سران بنی ثقیف که در طائف سکونت داشتند، به مدینه آمدند و خدمت رسول اللّه مشرف شدند و عرض کردند: ما به چند شرط مسلمان می شویم: یکی اینکه بت «لات» در بین ما باقی بماند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نپذیرفت. دیگر اینکه بت ها را با دست خود نشکنند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: اشکالی ندارد، ما کسانی می فرستیم که تمامی بت ها را بشکنند. سوم اینکه ما را از نماز خواندن معاف بدار. حضرت فرمود:

«اَمّا الصَّلاهَ فَلا خَیْرَ فی دینٍ لا صَلاه فیه؛ بدون نماز، خیری در دین نیست».(۱)

وقت نماز

وقت نماز

در جنگ صفین، حضرت علی علیه السلام در میان هر دو صف کارزار به آسمان نگاه می کرد تا با رسیدن وقت نماز، نماز ظهر را بخوانند. عبداللّه بن عباس عرض کرد: یا امیرالمؤمنین علیه السلام این چه کاری است؟ فرمود: آفتاب

۱- رحیم کارگر و محمد یاری، داستان ها و حکایت های نماز، ج ۱، ص ۱۲.

را می نگرم که اگر وقت نماز رسید، نماز بگزاریم. ابن عباس گفت: آیا با این شور جنگ، وقت نماز است؟ فرمود: ما تنها برای برپا شدن نماز با آنان نبرد می کنیم.(۱)

تأثیر نماز

تأثیر نماز

در پی حرکت آیت اللّه حاج آقا حسین قمی به شهر ری ــ که در اعتراض به جسارت های ضد مذهبی رضاخان انجام شد ــ محل اقامت ایشان که در جوار حضرت عبدالعظیم علیه السلام بود، محاصره شد. در یکی از شب ها ایشان به قصد زیارت حرم به مأموری که نگهبان در باغ بود، فرمود: «در را باز کن تا به زیارت مشرف شوم.» مأمور از باز کردن در خودداری کرد و به درخواست های مکرر ایشان اعتنایی نکرد. آیت اللّه قمی به نگهبان فرمود: «ما خود در را باز می کنیم و می رویم و احتیاجی به تو نداریم.» سپس دو رکعت نماز به جا آورد و پس از آن دعایی خواند، در این هنگام درِ باغ خود به خود باز شد و آقا از باغ خارج گردید. پس از ورود به حرم مطهر و انجام زیارت نیز به باغ بازگشت.(۲)

نماز جماعت

نماز جماعت

۱- رحیم کارگر و محمد یاری، داستان ها و حکایت های نماز، ج ۱، ص ۱۶؛ شهید دستغیب، صلاه الخاشعین، ص ۷.

۲- محمد صحتی سردرودی، نماز ابرار، ص ۶۵.

«من از همـان روزهـا که به تحصـیل مقـدمات اشـتغال داشـتم، نـام محـدث قمی را زیاد و توأم با تجلیل شـنیدم. وقتی که برای تحصـیل به مشـهد مشـرف شدم، دیدار ایشان را بسـیار مغتنم شمردم. چند سالی که با این دانشمند باایمان معاشرت داشتم و از نزدیـک به مراتب علم و عمـل، پارسـایی و پرهیزکـاری ایشان آشـنا شـدم، روز به روز بر ارادتم می افزود. در یکی از ماه های رمضان با چند تن از دوستان، از ایشان خواهش کردیم که در مسجد گوهرشاد اقامه نماز جماعت را بر معتقدان و علاقه مندان منّت نهند. با اصـرار و پافشاری، این خواهش را پذیرفت و چند روز نماز ظهر و عصر، در یکی از شبستان های آنجا اقامه شد و روز به روز بر جمعیت این جماعت افزوده می شـد. یک روز پس از پایان نماز ظهر گفتنـد: امروز شـما نماز عصـر را بخوانیـد. پس از آن رفتنـد و دیگر آن سـال را برای نمـاز جماعت نیامدنـد. تا اینکه در فرصتی از ایشان دلیل این کار را پرسـیدم. ایشان گفتنـد: حقیقت این است که آن روز، در رکوع رکعت چهـارم که صـدای ذکر اقتداکننـدگان را شـنیدم، متوجه انبوه جمعیت شدم و در من نشاط و شادی تولید کرد. بنابراین، من برای پیش نمازی لیاقت ندارم».(۱)

نماز خوف

نماز خوف

۱- محمد صحتی سردرودی، نماز ابرار، ص ۷۲.

روز عـاشورا هنگـام زوال، ابوثمامه صـیداوی خـدمت سیدالشـهدا علیه السـلام عرض کرد: ای مولای، من در این لحظات آخر عمر، نمـاز را به جماعت بخوانیم، گمان می کنم این آخرین نماز ما باشـد. امیـد است که در حال ادای فریضه ای از فرایض او در چنین موقف بزرگی خـدا را ملاقات کنیم. امام سر به آسـمان بلنـد کرد و گفت: خداونـد، تو را از نمازگزاران قرار دهد و فرمود: اذان بگو، خدا تو را رحمت کند. چون از اذان فارغ شد، امام فرمود: ای پسر سـعد، آیا شرایع اسلام را فراموش کردی؟ آیا هنگام نماز نیز دست از جنگ برنمی داری؟ سـپس آن حضرت با اصحاب، نماز خوف به جا آوردند، در حالی که زهیربن القین و سـعیدبن عبداللّه حنفی، خود را سپر حضرت قرار داده بودند تا اینکه سعید در اثر زخم های نیزه و شمشیر به زمین افتاد و از دنیا رفت [شهید شد].(۱)

نماز وداع

نماز وداع

از حضـرت امام محمد باقر علیه السـلام نقل شده است که حضـرت علی بن الحسین علیه السلام در شبانه روز هزار رکعت نماز می گزارد و چون به نماز می ایسـتاد، رنگ به رنگ می گردید، مانند بنده ذلیل که نزد پادشاه جلیلی ایسـتاده باشد و از خوف الهی لرزان بود، چنان نماز می کرد که گویا نماز وداع است و هنگامی که از تغییر احوال آن حضـرت می پرسـیدند، چنین می فرمود: «کسی که نزد خداوند عظیمی ایستاده باشد، سزاوار است که

۱- داستان ها و حکایت های نماز، ج ۱، صص ۱۹ و ۲۰، مقتل الحسین، ص ۲۹۴.

ترسان باشد».(۱)

تعهد به نماز

تعهد به نماز

صائبین، گروهی هستند که در قرآن نیز از آنان یاد شـده است. این گروه به حضـرت یحیی گرایش دارند و به تأثیر سـتارگان بـاور دارنـد و نمـاز و مراسم ویژه ای دارنـد که هنوز گروهی از آنـان در خوزسـتان هسـتند. نقـل شـده است این فرقه، رهـبری دانشـمند، ولی مغرور داشـتند که بارها با امام رضا علیه السلام مجادله کرد. در یکی از جلسات در برابر استدلال امام رضا علیه السـلام تسـلیم شد و گفت: «الْآنَ لانَ قلبی؛ حالا روح من نرم شد»؛ یعنی حاضـرم مکتب تو را بپذیرم.» ناگهان صدای اذان بلند شـد. امام رضا علیه السـلام جلسه راترک کرد. مردم گفتند دیگر چنین فرصتی پیش نمی آید. امام فرمود: اول نماز. او با دیدن این مسئله بیشتر شیفته آن حضرت شد، به گونه ای که بعد از نماز و گفت وگو با امام، ایمان آورد.(۲)

نماز اول وقت

نماز اول وقت

از فرزنـد حضرت امام خمینی رحمه الله نقل شده است: «روز اولی که شاه رفت، ما نوفل لوشاتو بودیم. تعداد زیادی خبرنگار، اطراف منزل امام جمع شده بودند و امام روی تختی ایستاد. چند خبرنگار خود را با امام مطرح

۱- داستان ها و حکایت های نماز، ج ۱، ص ۲۶، منتهی الامال، ج ۲، ص ۵۸۶.

۲- محسن قرائتی، یکصد و چهارده نکته درباره نماز، ص ۲۱.

کردنـد که صـدای اذان ظهر شـنیده شـد. بلافاصـله امـام آنجـا را ترک کرد و فرمود: وقت فضـیلت نمـاز ظهر می گـذرد. تمام حاضـران از این کار امام متعجب شدنـد. از امام خواهش کردنـد که چنـد دقیقه ای صبر کند تا حداقل چند سؤال دیگر مطرح شود، امام با عصبانیت فرمود؛ به هیچ وجه نمی شود و رفتند».(۱)

محرم راز

محرم راز

در شرح حال آخوند ملّا محمد کاشی، استادِ آقای نجفی قوچانی و حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی و بسیاری دیگر از بزرگان آورده انـد: هر نیـمِ شب چنـان به سـوز و گـداز نمـاز می خوانـد و بـدنش به لرزه می افتـاد که از بیرون حجره صـدای حرکت اسـتخوان هایش احساس می شد!! روزی پس از ختم درس، یکی از طلاب به درس آن بزرگوار آمد و گفت آقا این شیخ می گویـد که دیشب به وقت سـحر دیـدم که از در [و]دیوار مدرسه صدای «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّنا وَرَبُّ الْمَلائِكهِ وَالرُّوح» برمی آید! آخونـد فرمـود: اینکـه در و دیـوار بـه ذکر مـن متـذکر می باشـند، امری نیسـت. مهـم آن است که او از کجـا محرم راز گشـته است.(۲)

۱- سرگذشت های ویژه، ج ۱، ص ۱۹۱.

۲- داستان ها و حکایت های نماز، ج ۱، ص ۴۸؛ سوز سحرگاهی، ص ۲۹.

استمداد از نماز

استمداد از نماز

علامه طباطبایی می گوید: «هنگامی که به نجف اشرف برای تحصیل مشرف شدم، از جهت قرابت و خویشاوندی، گاهی به محضر مرحوم قاضی شرف یاب می شدم. تا اینکه یک روز در مدرسه ایستاده بودم که مرحوم قاضی از آنجا عبور می کردند. چون به من رسیدند، دست خود را روی شانه من گذاشتند و گفتند: ای فرزند، اگر دنیا و آخرت می خواهی، نماز شب بخوان!»(۱)

خسارت معنوی

خسارت معنوی

شخصی خدمت حضرت امام صادق علیه السلام آمد و استخاره کرد. استخاره بد آمد، ولی او آن را نادیده گرفت و به مسافرت تجارتی رفت و اتفاقاً به او خوش گذشت و سود فراوانی هم برد. وقتی بازگشت، خدمت امام رفت و گفت: به یاد دارید که استخاره کردید و بد آمد، ولی آن را نادیده گرفتم و سود بردم. حضرت فرمود: آیا یاد داری در منزل فلانی خسته بودی و بعد از خواندن نماز مغرب و عشا، شام خوردی و خوابیدی و صبح، هنگامی بیدار شدی که آفتاب زده بود و نماز تو قضا شد؟ عرض کرد: آری یابن رسول اللّه، فرمود: اگر خدا، دنیا و هرچه را در آن است، به

۱- داستان ها و حکایت های نماز، ج ۱، ص ۵۳؛ مهر تابان، ص ۱۶.

تو دهد، جبران آن خسارت معنوی نمی شود.(۱)

جایگاه بی نمازان

جایگاه بی نمازان

پیامبراسلام صلی الله علیه و آله فرمود: امین وحی بر من نازل شد و هنوز وحی تمام نشده بود که ناگاه صدای وحشتناکی به گوش رسید، به گونه ای که چهره فرشته وحی تغییر کرد. پرسیدم: این چه صدایی بود. گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله، خداوند تعالی در جهنم چاهی قرار داده است. سنگ سیاهی را در آن انداختند، اکنون پس از سیزده هزار سال، آن سنگ به زمین آن چاه رسید. پرسیدم: آن چاه جایگاه چه کسانی است؟ گفت: جایگاه بی نمازان و شراب خواران.(۲)

آخرین وصیت

آخرین وصیت

تا چشم ام حمیده، مادر امام کاظم علیه السلام به ابوبصیر افتاد که برای تسلیت گفتن به او به مناسبت وفات امام صادق علیه السلام آمده بود، اشک هایش جاری شد. ابوبصیر نیز گریست. ام حمیده به ابوبصیر گفت: تو در ساعت احتضار امام حاضر نبودی، قضیه عجیبی اتفاق افتاد. ابوبصیر پرسید: چه قضیه ای؟ گفت: در لحظات آخر زندگی امام، ناگهان امام پلک ها را از روی هم برداشت و فرمود: جمیع افراد خویشاوندان مرا حاضر کنید. همه از این

۱- داستان ها و حکایت های نماز، ج ۱، ص ۵۷.

۲- داستان ها و حکایت های نماز، ج ۱، ص ۶۰.

اتفاق متعجب بودند. پس از آنکه امام همه را حاضر دید، فرمود: «شفاعت ما هرگز نصیب کسانی که نماز را سبک می شمارند، نخواهد شد».(۱)

شتاب زدگی در نماز

شتاب زدگی در نماز

امام باقر علیه السلام نقل می فرماید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مسجد نشسته بود. ناگهان شخصی به نماز ایستاد، ولی رکوع و سجودش را شتاب زده و ناتمام انجام می داد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: او مانند کلاغی منقار به زمین می زند، اگر بمیرد، به غیر دین من مرده است.(۲)

مجذوب خدا

مجذوب خدا

حضرت آیت اللّه سبحانی می فرماید: حضرت امام خمینی رحمه الله استادی به نام مرحوم ملکی داشتند، ایشان می فرمود: من در محضر آقای ملکی تبریزی بودم، ولی نه به عنوان استاد و شاگرد. می آمدم و می نشستم. ایشان نیم ساعت قبل از ظهر به مدرسه فیضیه می آمد و می نشست، من از حالتش می فهمیدم که منتظر وقت نماز است. روزی به منزل ایشان رفته بودم، دیدم مرحوم آقای ملکی مشغول نماز است، در آن حالت گویی این مجذوبِ خدا، همه چیزش را خدا جذب کرده و از خود به تمام معنا

۱- داستان ها و حکایت های نماز، ج ۱، ص ۷۸، مرتضی مطهری، داستان راستان، ص ۱۲۷؛ منتهی الامال، ج ۲، ص۷۴۸.

۲- داستان ها و حکایت های نماز، ج ۱، ص ۷۹؛ معراج سبز، ص ۲۷.

بی خود است؛ دیدم در حال قنوت این بیت شعر را می خواند:(۱)

گر بشکافند سراپای من

جز تو نبینند در اعضای من

آتش حسرت

آتش حسرت

بایزید بسطامی شبی از معبد بیرون آمد و در اطراف شهر طوافی کرد. هیچ مشتاقی و ذاکری و مناجاتی مشغول کار ندید. جانش از آتش حسرت به جوش آمد، ناچار در مناجات و خروش آمد: الهی این چنین درگاهی تو راست از مشتاقان خالی چراست؟ ندایی شنید: ای بایزید، هر کسی محرم خلوت خانه راز نتواند شد و در عرض راز و نیاز با حبیب ما انباز نتواند گشت.(۲)

درگاه لایزال

درگاه لایزال

شبی دزدی به خانه شیخ احمد خضرویه رفت و بعد از جست وجوی بسیار هیچ نیافت. شیخ آواز داد: جوان، دلو برگیر و آب از چاه برکش و طهارت کن و به نماز مشغول شو و تا روز چیزی به تو دهم تا محروم نگردی. دزد چنین کرد. چون روز شد خواجه صد دینار بیاورد و به دزد داد و فرمود: این جزای عبادت یک شب نماز توست. دزد را حالتی پدید

۱- نماز بهشت خلوت انس، تهیه و تنظیم: طرح اقامه نماز، ص۲۹.

۲- داستان ها و حکایت های نماز، ج ۱، ص ۹۳؛ داستان عارفان، ص ۴۳، گزیده تذکره الاولیاء، ص ۱۱۶.

آمـد و لرزه بر اندامش افتاد و گفت: قبول نمی کنم مرا به راه خدا راهنمایی کن که دولت لایزال از درگاه لایزال حاصل کنم. شیخ او را مرید کرد و از اولیای حق شد.(۱)

غرق در نماز

غرق در نماز

گویند یکی از زاهدان در مسـجد جامع بصـره در حال نماز بود که قسمتی از مسجد خراب شد و فرو ریخت. مردم جمع شدند و سر و صدای بسیاری ایجاد شد، ولی او اصلاً متوجه نشد تا اینکه نمازش را تمام کرد.(۲)

اسیر گناه

اسیر گناه

امـام بـاقر علیه السـلام روایت کرد که مردی حضور امیرالمومنین علی علیه السـلام آمـد و عرض کرد: من از نمـاز شب محروم شده ام. حضرت فرمود: «قد قیّدتک ذُنوُبُک؛ گناهانت تورا به زنجیر کشیده اند».(۳)

نافله شب

نافله شب

چند نفر از علما نزد اسـتادی رفتند تا از مقام علمی او اسـتفاده کنند، ولی او را بسیار مضطرب و پریشان دیدند. وقتی از او علّت را پرسیدند،

۱- داستان ها و حکایت های نماز، ج ۱، ص ۹۶؛ داستان عارفان، ص۱۶۱.

۲- داستان ها و حکایت های نماز، ج ۱، ص ۱۰۶؛ شنیدنی های تاریخ، ص۱۳.

۳- داستان ها و حکایت های نماز، ج ۱، ص ۱۵۴؛ معراج سبز، ۸۲.

استاد گفت: دیشب چنان خوابیدم که نماز نافله شب از من فوت شد. دیشب، سحرخیزان، نمازشب خوانان و استغفار کنان رفتند، ولی من امروز قضا خواندم، آیا مصیبتی از این بدتر می شود.(۱)

بنده خدا

بنده خدا

امام صادق علیه السلام می فرماید: در روز قیامت، پیرمردی را برای رسیدگی به اعمالش می آورند و نامه اعمالش را به او می دهند. ظاهر نامه که به طرف مردم است، در آن چیزی جز گناه و معاصی مشاهده نمی شود و کار محاسباتش به طول می انجامد. پس آن پیرمرد می گوید: ای پروردگار بزرگ، آیا به آتشم می سوزانی و مرا به جهنم می افکنی؟ خداوند ـ جل جلاله ـ می فرماید: ای پیرمرد به راستی من حیا می کنم که عذابت کنم؛ چون که در دنیا برای من نماز می گزاردی و عبادت می کردی. سپس امر می فرماید: بنده مرا به بهشت ببرید.(۲)

هدیه ناقابل

هدیه ناقابل

مؤذنی هر روز با صدای بد و ناهنجاری اذان می گفت. روزی دید یک یهودی برایش هدیه ای آورد و گفت: این هدیه ناقابل را قبول کن؟ مؤذن پرسید: برای چه؟ یهودی گفت: برای خدمتی بزرگ که به من کردی.

۱- داستان ها و حکایت های نماز، ج ۱، ص ۱۴۵؛ کشکول نماز، ص ۵۸۰.

۲- داستان ها و حکایت های نماز، ج ۱، صص ۱۸۰ و ۱۸۱؛ بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۰۴.

مؤذن پرسید: چه خدمتی کردم؟ یهودی گفت: دختری دارم که به اسلام تمایل فراوان داشت. از وقتی که شما اذان می گویید و اللّه اکبر را از تو می شنود، دیگر از اسلام بیزار شده است و من این هدیه را به جهت خدمتی که به من کردی و مانع اسلام آوردن دخترم شدی، برایت آوردم.

بهترین لباس

بهترین لباس

گویند هنگامی که امام حسن مجتبی علیه السلام برای نماز آماده می شد، بهترین لباس خود را می پوشید. از آن حضرت پرسیدند: چرا بهترین لباس خود را می پوشید؟ امام علیه السلام در پاسخ فرمود:

اِنَّ اللّه َجمیل و یُحبُّ الْجَمالَ، فَاتَجَمِلُّ لِرَبّی وَ هُوَ یَقُولُ خُذُوا زینَتَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِد.(۱)

خداوند، زیباست و زیبایی را دوست دارد. پس من برای پروردگارم، خود را زینت می کنم و اوست که می فرماید: زینت های خود را در نزد هر مسجدی بر تن کنید.

۱- داستان ها و حکایت های نماز، ج ۱، ص ۱۹۱؛ مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج۱، ص ۱۹۲.

فصل نهم: گزیده ادب فارسی

اشاره

فصل نهم: گزیده ادب فارسی

زیر فصل ها

جملات و متون ادبی

اشعار

جملات و متون ادبی

جملات و متون ادبی

* «نماز، محکم ترین رشته الفت بین بندگان و خداست و وای بر آن کسی که از این پیوند جداست و حیات و زندگی اش از نور این عبادت پربها، بی بهره است.

* نماز، واقعیتی است که خداوند مهربان از باب عشق و محبت از انسان خواسته است؛ نماز، نورانی ترین حکم در شبستان حیات بندگان شایسته الهی است.

* نماز، ریسمان اتصالی است که همه هستی و موجودیت آدمی را به ملکوت پیوند داده و مانند این رشته پرارزش و منبع فیض، برنامه ای برای ایجاد ارتباط بین بشر و حق مطلق نمی توان یافت.

* نماز، پناه بی پناهان، سنگر دردمندان، گلستان روح افزای عاشقان، چراغ پرفروغ نیمه شب مشتاقان، صفای دلِ مستان و سیر و سلوک آگاهان است.

* نماز، برتر از همه عبادات، تجلی تمام واقعیات، منبع برکات و کلید حل تمام مشکلات و پاک کننده خطرات و خاطرات از قلب و روح عارفان و خالصان است.

* نماز، زنده کننده جان، صفابخش حیات جاودان، روشنی راه رهروان، تکیه گاه سالکان، راز و نیاز عارفان، سرمایه مستمندان، دوای درد بی درمان، شعله دلِ بیداران، نوای قلب بی دلان، دلیل گمراهان، امید

امیدواران، مایه شادی سحرخیزان، سوز جان سوختگان، حرارت روح افسردگان، مایه بقای جان و دستگیر انسان به موقع خطر و نجات آدمی از شر و درمان وجود از تمام بدبختی هاست.

* نماز، عمود دین، عصمت یقین، رأس احکام دینی، آیت مبین، نور جبین، زداینده اندوه غمین، برطرف کننده شرم شرمگین، علاج کننده طوفان روحی سهمگین، دلگرمی دل مسکین و شادی جان اندوهگین است.

* نماز، مایه ای است که بدون آن کسی لایق بارگاه قرب نیست و زمینه ای است که بدون آن جلب فیض خاص از پیشگاه با عزت ربوبی برای هیچ کس امکان ندارد.

* نماز، حقیقتی است که کیمیای حیات بدون آن بی سود است. بی خبران از نماز، بی خردانند و محرومان از این مقام، اسیر دست شیطانند. ثروتمندان بی نماز، تهی دستند و فقیران با نماز، ثروتمندان بزم وجودند.

* نماز، روزنه ای به سوی بهشت است و میدان زندگی بدون نماز، مانند منطقه ای بدون خورشید و خانه ای خالی از این حقیقت است. از رحمت خاص حضرت دوست جداست، دلی بی نماز جایگاه کبر و غرور و جان بی نماز، تراکمی از ظلمت ها و پستی هاست.

* نماز، حقیقت بندگی و اصل پایندگی است؛ نبود آن مایه شرمندگی و سستی از آن علت سرافکندگی و نور آن حرارت بخش زندگی و فرار از آن ریشه شر و افسردگی و اجرای آن عین آزادگی و اتصال به آن رها

شدن از بردگی و وجود آن در میدان حیات عین سازندگی و نمازگزار واقعی بدون شک دور از هر آلودگی است.

* نماز، رهبری به سوی خوبی ها، ظهوردهنده درستی ها، نجات دهنده از پستی ها، علاج کننده نادرستی ها، شفای مستی ها و درمان همه دردهاست.

* نماز، راهبر و رهبر وسیله قرب به داور و نسبت به عبادت های دیگر همچون جوهر و در دنیا و آخرت ناصر و یاور و بر تمام خوبی ها مصدر و بر جمله افراد بشر واجب است.

* نماز، برای زندگی بهترین حاصل و فاقد آن موجودی ناقابل و کشتی نشینان حیات را ساحل و برای راهروان راه، بهترین منزل و دل عشاق حقیقی به آن مایل و روح در حال پرواز را محمل و شمع روشنی بخش هر محفل و بین انسان و عذاب فردا حائل.

* نماز، در فرهنگ الهی، ریشه و بنیان و برای صورت حیات به منزله جان، بهترین دستور و حکم قرآن و امر واجب حضرت سلیمان و اجرایش بر همه کس سهل و آسان و نور صفابخش دل های با ایمان و میوه باغ عرفان، برای بندگان عالی ترین احسان و صحیفه حق را بهترین عنوان و دردها را درمان و راه انسان به سوی رضوان اللّه اکبر است.

* نماز، عین هدایت، مغز ولایت، بهترین عنایت، برترین کفایت، محکم ترین وصایت، عالی ترین روایت، ریشه درایت، قابل رعایت، از عذاب الهی هر کس را کفایت، قرآن مجید را شدیدترین آیت، رساننده

انسان به حقیقت بی نهایت، بر پادارنده اش برای گرفتن فیض الهی قابل.(۱)

* خداوندا، ما را به صراط مستقیم انسانیت هدایت فرما و از جهل خودپسندی و ضلالت خودبینی مبرا کن و به محفل انس اربابِ عروجِ روحانی و مقام قدس اصحابِ قلوبِ عرفانی بار ده و حجاب های انانیت ظلمانی و انیت نورانی را از چشم بصیرت ما برافکن تا به معراج حقیقی نماز اهل نیاز واصل گردیم.

* یاد دارم که شبی در کاروان همه شب رفته بودم و سحر در کنار بیشه ای خفته. شوریده ای که در آن سفر همراه ما بود، نعره ای برآورد و راه بیابان گرفت و یک نفس آرام نیافت. چون روز شد، گفتمش آن چه حالت بود؟

گفت: بلبلان را دیدم که به نالش درآمده بودند از درخت و کبکان از کوه و غوکان در آب و بهایم از بیشه؛ اندیشه کردم که مروّت نباشد همه در تسبیح و من به غفلت خفته.

دوش مرغی به صبح می نالید

عقل و صبرم ببرد و طاقت و هوش

یکی از دوستان مخلص را

مگر آواز من رسید بگوش

گفت باور نداشتم که ترا

۱- عرفان اسلامی، ج ۵، صص ۱۴ و ۱۷.

بانگ مرغی چنین کند مدهوش

گفتم این شرط آدمیت نیست

مرغ، تسبیح گوی و من خاموش

* الهی، عادت تو احسان است و عادت ما عصیان ؛ پس ترک مده عادت خود را به تغییر عادت ما عاصیان؛ چه عادت های تو همه پسندیده و قدیم است و سنت های تو همه مرضیه و قویم؛ الهی تویی که معروفی به احسان و موصوفی به عفو و غفران؛ پس از ما عفو کن به احسان قدیم خود و بر ما ببخشا به منّ عظیم خود.(۱)

ای لطف بی نهایت تو دستگیر ما

انعام توست در دو جهان ناگریز ما

گر واقع است، در عمل ما تزلزلی

تو واقفی ز نیت و سرّ ضمیر ما

دنیا و آخرت ز تو خواهیم کز کرم

نعم الوکیل مایی و نعم النصیر ما

نومید کی شویم ز لطفت که هر سحر

آید ز حضرت تو ندا کای فقیر ما

خوش باش کز برای تو آماده کرده ایم

گنج عطای وافر و اجر کثیر ما

۱- اسرار نماز، ص ۳.

ص:۱۴۳

از تو نشان نبود در آن دم که می نوشت

نام تو بر جریده رحمت دبیر ما

آخر همان کنیم که از لطف ما سزد

هان استوار باش به فضل کبیر ما

چون در کمند عشق مقیّد شدی جنید

رو دولتی شناس که هستی اسیر ما

* * *

اشعار

اشعار

گوهر مقصود

ارزنده ترین گوهر مقصود نماز است

زیبنده ترین هدیه به معبود نماز است

کوبنده ترین اسلحه مکتب توحید

کز ریشه کند خصم تو نابود، نماز است

گفتم به خرد، پایه دین نبوی چیست؟

فریاد برآورد و بفرمود: نماز است

آن نکته رسول مدنی گفت به سلمان

سرّی که به توفیق تو افزود نماز است

فرمود علی شیر خدا ساقی کوثر

در مکتب ما، مقصد و مقصود نماز است

گویند که با فضه چنین فاطمه فرمود

سرچشمه لطف و کرم و جود نماز است

در دادگه عدل خدا روز قیامت

از صلح حسن شاهد و مشهود نماز است

از آمدن کربلا آنچه به عالم

مقصودحسین بن علی بود، نماز است

ای آنکه تویی منتظر مهدی موعود

رمزی که نماید فرَجَش زود، نماز است

آن روز که آید ز پس پرده غیبت

اول هدف مهدی موعود، نماز است

«ژولیده» بگو تا همه خلق بدانند

نزدیک ترین راه به معبود نماز است

* * *

سرّ مناجات

تا روی دلت سوی خرابات نباشد

آگاهی ات از سرّ مناجات نباشد

ای زاهد خودبین، به خدا راه نیابی

تا عاشقی ات حاصل اوقات نباشد

جز یار نبینی اگر دیده شود باز

رو دیده بجو حاجت اثبات نباشد

عکس رخ جانان نپذیرد دل تنگت

گر سینه تو پاک چو مرآت نباشد

در صیقل اخلاص، بزن لوح درون را

کاین کار _ به تزویر به طامات نباشد

جز نامه انسان که ز عشقش شده نامی

کس در خور این فخر و مباهات نباشد

ایزدی کازرونی

بخش دوم: همراه با برنامه سازان

اشاره

بخش دوم: همراه با برنامه سازان

زیر فصل ها

بایدها و نبایدهای نماز در رسانه

پیشنهادها و توصیه های کلی

برنامه های پیشنهادی

موضوع های داستانی جهت برنامه سازی

پرسش های مردمی

پرسش های کارشناسی

بایدها و نبایدهای نماز در رسانه

بایدها و نبایدهای نماز در رسانه

در این بخش، با بررسی مباحث رسانه و نماز (وضع فعلی و آینده)، به نقاط قوت و ضعف آن اشاره می کنیم. بی شک، توجه به امور مذهبی در رسانه ها یک موهبت الهی و قدرت و امکانی است که خداوند به برکت جمهوری اسلامی و قیام الهی امام خمینی رحمه الله به اهل ایمان بخشیده است:

«الَّذینَ اِنْ مَکنّاهُمْ فی الأرضِ اَقاموا الصَّلاهَ؛ کسانی که چون در زمین تمکنی به آنها دادیم نماز به پای دارند».

صدا و سیما در راستای این وظیفه خطیر، به پخش مستقیم نمازهای جمعه، نماز عیدین و... می پردازد. از فعالیت های دیگر این رسانه می توان این موارد را برشمرد:

پخش آیاتی از قرآن و یا اشعاری مناسب پیش از اذان؛

ترجمه قرآن؛

دعای بعد از اذان؛

تأسیس شبکه قرآن در رادیو و همچنین شبکه معارف و پخش مسابقات قرآن.

نکته هایی که رعایت آنها جهت اجرای برنامه ها بهتر ضروری به نظر می رسد، بدین قرار است:

۱. برنـامه نیـایش به ویژه دعای کمیل در بیشتر موارد از حیث صـدای گوینـده و ایجاد حال بی کیفیت است، به گونه ای که به رفع تکلیف شبیه است و حتی بسـیاری از افراد مـذهبی نیز علاقه ای به شـنیدن آن ندارنـد. بنابراین، رعایت حُسن صـدا در این برنامه ها ضروری است.

۲. در کشور ما برخلاف کشورهای عربی، نوایی که تـداعی کننـده احساس مـذهبی باشـد، وجود نـدارد. برای مثال، در کشور عراق: نوعی فلوت با آهنگی حزین و مخصوص، تداعی کننده یک احساس مذهبی و عامل جلب توجه به امور عبادی است.

۳. تبلیغ نشدن احادیث مربوط به نماز در برنامه ها برای مثال، در عراق هنگام پخش برنامه اذان، معمولاً از پیامبراسلام صلی الله علیه و آله حدیثی با صوتی دل نشین خوانده می شود.

۴. نبود برنـامه هـای تبلیغی برنـامه ریزی شـده و مرحله ای در جهت تبلیغ، تقویت و تعمیق نماز و نزدیک کردن مردم به معنای نماز واقعی. (در قسمت های بعد درباره تبلیغ و تقویت و تعمیق نماز بیشتر توضیح خواهیم داد).

۵. پخش نشـدن تصـاویر مناسب هنگام اذان. برای مثال، یک جوی کوچک آب برای همه تـداعی گر احساس مـذهبی نیست، ولی تصویر نماز حضرت امام در بیمارستان، خود، نوعی تبلیغ است.

۶. نبود هماهنگی در پخش برنامه ها بین شـبکه های سیما، به گونه ای که گاهی یک برنامه بسیار مهم و حساس (روایت فتح) از یک شـبکه پخش می شود و در همان لحظه، فیلم کمدی و جذاب تری از شـبکه ای دیگر پخش می شود یا پخش سریال یا فیلم پرطرف دار بعـد از اذان سـبب تأخیرِ نماز افراد نمازگزار می شود. در حـدیث آمـده است: مادامی که مؤمن به حفاظت از نماز اول وقت بپردازد، شـیطان در مقابل او ضعیف است. ولی اگر به تأخیر آن عادت کرد، حتی در گناهان بزرگ هم خواهد افتاد. ازاین رو، شایسته است پس از اذان، برنامه مذهبی، ادبی یا عرفانی پخش گردد.

۷. مسـئله دیگردر پخش برنامه پس از اذان، مسـئله تبلیغ کالا است. در حـدیث آمـده است: «دنیا و آخرت همانند هوو هسـتند؛ یعنی هیچ گاه این دو با هم در دلی جای نمی گیرند».

بی شک، در تعلیم و تربیت، شـناخت مخاطب امری ضـروری است. ازاین رو، برنامه های مـذهبی صـدا و سـیما باید با نیازهای معنوی گروه های مختلف جامعه متناسب باشد.

خانواده ها و نماز

نمازگزاران به چند گروه تقسیم می شوند:

۱. نمازگزار آگاه و مقید: این گروه بیشتر به زنده بودن شعایر مذهبی، از جمله نماز در صدا و سیما و جامعه حساسیت دارند. ازاین رو، نیاز آنان تقویت روحی و تشویق در تعمیق نماز و عمل به اسرار آن است.

۲. نمازگزاران سنتی: این گروه بیشتر به تقویت روحی و تشویق به ادامه مسیر نیاز دارند. ازاین رو، صدا و سیما در برنامه های خود باید با استفاده از احادیث و آیات تبشیری و انذاری (تشویق و تقدیر) هم آنان را امیدوار به عمل خود کند و هم از خطر سستی بترساند (زیرا آگاهی در بین این گروه کم است).

۳. کاهل الصلاه: سیاست و روح برنامه های صدا و سیما برای این گروه، باید بیشتر انذار و ترساندن و بعد تقویت باشد که کارسازتر است.

۴. تارک الصلاه: این افراد به چند گروه تقسیم می شوند:

الف) بی اعتقاد: این افراد به دلیل گرایش های غربی به بیشتر برنامه های صدا و سیما توجهی نشان نمی دهند. این گروه اگر دارای عناد یا قلب منکوس باشند، با هیچ برنامه ای نمی توان مطلبی به آنان القا کرد. در غیر این صورت، باید از زبان قوم استفاده کرد؛ به این معنا که چون آنان مستندات دیگر را بهتر از حدیث و آیه می پذیرند، بهتر است در برنامه های صدا و سیما به تأثیر نماز و دیگر امور معنوی از زبان صاحب نظران غربی پرداخت و یا به تحقیقات مراکز درمانی غرب درباره تأثیر نماز و دعا اشاره کرد تا از این راه، مخاطب بیشتری جلب گردد.

ب) معتقد غیرمقید: با توجه به اینکه این گروه بیشتر از میان خانواده های

مذهبی هستند، انجام فریضه نماز را از سر اجبار و تکلیف می دانند. با توجه به آگاهی این گروه از ضرورت دین، استفاده از روش های مذهبی ها و غیرمذهبی ها در برنامه ها ضروری است.

ج) معتقد راغب غیرمقید: این گروه با وجود میل باطنی به انجام فریضه نماز، به دلیل شرایط خاص، مانند محیط خانواده، احساس حقارت و ناهماهنگی بین شیوه رفتار گذشته با طریقه جدید خویش، کم رویی و خجالت در به جا آوردن نماز و... عامِل به نماز نیستند. نیاز این گروه تقویت روحی و اعتماد به نفس و تقویت اعتقاد و روحیه مؤمن بودن است تا جسارتِ به جا آوردن این فریضه را پیدا کنند. امام علی علیه السلام در این باره می فرماید: «در طریق هدایت از کمیِ اهل آن نگران نباش». به عبارت دیگر، در عمل به دین، حیا نیست.

پیشنهادها و توصیه های کلی

پیشنهادها و توصیه های کلی

جهت انتقال معارف نماز به جامعه و افکار مردم و غنی سازی برنامه های صدا و سیما در تقویت فرهنگ نماز، شیوه های مختلفی وجود دارد که پیش از پرداختن به آن نکات بسیار مهمی را درباره محتوا و شیوه کار برنامه هایی که با هدف تقویت ایمان و روحیه معنوی جامعه انجام می گیرد، یادآور می شویم، سپس نوع برنامه های مفید را ذکر خواهیم کرد:

۱. توجه برنامه ریزان صدا و سیما به پرهیز از دنیاگرایی: حضرت علی علیه السلام می فرماید: إنَّ الدّنیا و الآخره عَدوّانِ مُتفاوِتانِ، وَ سبیلانِ مُختلفانِ، فَمنْ احبَّ الدنیا

وَ تولّاها أَبْغَضَ الاخرهَ و عاداهاَ... کُلّما قَرُبَ مِنْ واحدٍ بَعُدَ مِنَ الاخِرَ(۱)

دنیا و آخرت دو دشـمن متفاوت از هم و دو راه مختلف انـد. پس هر کس دنیا را دوست بـدارد، آخرت را دشـمنی می کند... هر قدر به یکی نزدیک شود، از دیگری (به همان اندازه) دور می شود.

بنابراین، هر چه با تبلیغ مُـد و کالاهای مصـرفی، ذهنِ مردم به دنیا گرایش پیـدا کنـد، به یقین به همان انـدازه، روح زهد و دل نبستن به دنیا و ظواهر آن در وجود آنها از بین می رود.

۲. تذکار و تکرار نکات مثبت: امام علی علیه السلام می فرماید:

«قلیلٌ تَـدومُ علیه أرْجی من کثیر مملولٍ مِنْهُ».(۲) ازاین رو، تکرار یـک مطلب مهم و مثبت از بیان صـد مطلب غیرضـروری بهتر است.

۳. تـوجه به آموزه هـای اسـلام در پرورش و تربیت روح انسـان: قرآن کریم هیـچ گـاه بـا تشویق یـک سویه، مردم را به دین و پرهیز از انحراف در دین دعوت نمی کند، بلکه از سیاست انذار و تحذیر هم استفاده می کند.

قرآن به رسول گرامی صلی الله علیه و آله خویش می فرماید:

حتی به رسول گرامی خویش می فرمایـد: اگر بر مـا گفته هـایی ببنـدد، رگ های گردن او را خواهیم بریـد ... این تحـذیرها و ترساندن ها، غفلت و خوش خیالی را از ذهن انسان دور می کند.

۱- نهج البلاغه، ص ۱۱۳۳، حکمت ۱۰۰.

۲- نهج البلاغه، ص ۱۱۲۲، حکمت ۲۷۰.

ازاین رو، صدا و سیما باید در وادار کردن مردم به تفکر (که در برنامه های صدا و سیما چنین امری مشاهده نمی شود) از طریق یادآوری یاد مرگ و قیامت و تاکید بر گذرا بودن این زندگی، نقش اساسی ایفا کند.

بسیاری از مطالب نهج البلاغه در نکوهش دنیا و دنیاگرایی و تذکر در جهت بیداری انسان است که پسندیده است در برنامه های صدا و سیما به آن توجه شود.

۴. یکی از عوامل موفقیت درامر تعلیم و تربیت روحی و اخلاقی، ایجاد انگیزه از طریق ایجاد افق فکری بالا است.

باید توجه داشت که عصمت به خاطر افق فکری بالا ـ در شناخت واقعیت های هستی است و تحمل مشقت ها در اعمال و عبادت ها به دلیل شناخت هدف ها است. ازاین رو، در تمام برنامه های صدا و سیما باید راه های ایجاد انگیزه و بالا بردن سطح آگاهی های انسان شناسی و هستی شناسی و ارتباط عبادت با پیشرفت روحی و اخلاقی، از متون دینی استخراج و با شیوه ائمه دین علیهم السلام به مردم القا شود.

صدا و سیما و پیشبرد فرهنگ نماز

مقام معظم رهبری می فرماید:

در صدا و سیما نماز همچون موضوعی که باید به همه آموخت، تلقی گردد و در برنامه ای جداگانه یا در دل برنامه های گوناگون، از آن سخن رود و اعماق و رازها و درس های آن برای همه

مردم بیان گردد.(۱)

صدا و سیما نه تنها یک دانشگاه عمومی و تأثیرگذار است، بلکه یک آینه عیب نمای جامعه هم می تواند باشد. ازاین رو، صدا و سیما می تواند در موارد زیر بر استحکام جایگاه نماز در جامعه، نقش آفرینی کند:

۱. آموزش عمومی و بالا ـ بردن سطح آگاهی جامعه؛ از طریق بیان اهمیت نماز با استناد به آیات و روایات، توجه دادن مردم نمازگزار به مراتب و مقامات اهل نماز در جهت تشویق آنان به تلاش و تکراری نشدن امر نماز و عبادت، بیان شرح حال بزرگان و درجات آنان، بیان قصه ها و داستان های مربوط به نماز، آموزش و اصلاح فرهنگ نمازگزاران از راه بیان اخلاق و اعمال خاص آنان که در قرآن و حدیث آمده است؛ همچنین چگونگی استفاده از آب به هنگام وضو گرفتن و خلاصه توجه دادن اهل نماز به انتظار مردم از آنان و... .

۲. آموزش ویژه خانواده ها؛ با توجه به نقش اساسی والدین در تربیت فکری کودک، می توان با برنامه های متنوع و جذاب خانوادگی اهمیت تأثیر و نقش نماز در سلامت روحی فرد را القا کرد.

۳. اصلاح افکار عمومی (اعم از مذهبی ها و غیر آنان) در مورد با نماز؛ از جمله اصلاح تصورهای غلط و عامیانه در نزد مردم که بیشتر

۱- نماز؛ گنجینه رمز و راز پیام های مقام معظم رهبر به مجامع سراسری نماز، پیام چهارم، ۱/۶/۷۳، ص ۲۹.

پیشرفت های علمی و تکنولوژی را مدیون افراد غیرمذهبی می دانند، یا نماز را بیشتر یک عبادت شخصی تصدیق می کنند.

۴. تبلیغ نماز به روش های جدید و با استفاده از نظر مردم.

۵. بازگو کردن مشکلات نمازگزاران و نمازگزاری از طریق تهیه گزارش (در قسمت های بعد راه های تهیه گزارش بیان می شود).

برنامه های پیشنهادی

برنامه های پیشنهادی

مواردی که به نظر می رسد تا حدودی در تبلیغ نماز مؤثر باشند، در چند نوع به شرح ذیل پیشنهاد می شود:

۱. اصلاح برنامه های فعلی (که ایرادهای آن پیش تر گفته شد): بهتر است ترجمه های قرآن و دعا در سیما، در یک ستون عمودی یا افقی قرار گیرد تا بیننده مفهوم آن را با دقت بیشتر درک کند و تأثیر و کارآیی این شیوه از عبور پیوسته و خطیِ ترجمه در مقابل چشمان خواننده بهتر است.

۲. انتقال مطالب جالب توجه در موضوعات گوناگون مربوط به نماز از طریق شبکه پیام.

۳. مصاحبه درباره نماز که شیوه های ذیل پیشنهاد می گردد:

الف) میزگرد و مصاحبه با حضور هنرمندان و ورزشکاران متعهد و محبوب مردم؛

ب) میزگرد و یا مصاحبه با شخصیت های علمی داخلی و خارجی در مورد اثر نماز و عبادت؛

ج) مصاحبه با کسانی که در جامعه ما با روی آوردن به نماز از مشکلات و گرفتاری رهایی پیدا کرده اند؛

د) محور قرار دادن بحث های اجتماعی نماز و پی آمدهای آن در «برنامه خانواده».

۴. یکی از راه های بیان موانع و مشکلات موجود برای نمازگزاران تهیه گزارش می باشد. از جمله:

الف) تهیه گزارش از مدرسه ها و بررسی مشکلات ظاهری و معنوی نمازگزاران در مدرسه؛

ب) تهیه گزارش از مشکلات نمازگزاران در مسیرهای شهری و بین شهری از زبان مسافران، رانندگان، غذاخوری ها و... ؛

ج) تهیه گزارش از زندان ها و... و بررسی ارتباط بزهکاری و جرم با بی نمازی و بی سوادی؛

د) تهیه گزارش از مساجد و رابطه کودکان و نسل جوان با این مکان مقدس و یادآوری نکات لازم و توصیه های دینی در رابطه با این نسل و ارائه برخورد صحیح.

۵. فیلم و سریال ها:

الف) ساختن فیلم و سریال در مورد اثر نماز و عبادت در زندگی افراد؛ مانند سرگذشت عارف معروف فضیل عیاض که زمانی راهزنی معروف بود و سرانجام از گذشته خویش برگشت.

ب) ساختن فیلم و سریال درباره نقش افراد نمازگزار، یا بی نماز در زندگی افراد. از جمله در مورد مسائل ازدواج و ملاک های آن در ابتدای تشکیل خانواده، روابط اجتماعی و...

ج) همچنین ساخت فیلمی که در آن دو دوره زندگی یک فرد، یعنی دوره بی قیدی و بی نمازی و دوره روی آوردن به نماز و اثر مثبت آن نمایش داده شود.

۶. یکی دیگر از راه های آشنا کردن افراد با اثرات فردی و اجتماعی نماز، برگزاری مسابقه های مختلف است. متأسفانه بیشتر مسابقات صدا و سیما بر محور پول دور می زند، بدون آنکه هدف فرهنگی و معنوی خاصی مدنظر باشد.

۷. یکی دیگر از راه های گسترش فرهنگ نماز، استفاده از برنامه های مختلف سیما در ایام ویژه است، از جمله ایام ولادت و شهادت امامان معصوم علیهم السلام و بیان سخنانی از آنها درباره نماز؛ ایام بزرگداشت شخصیت های علمی _ مذهبی و نیز تهیه برنامه در مورد کنگره های ستاد اقامه نماز و نشان دادن واقعیت ها با آمار و ارقام ظاهری، به منظور جدی گرفتن مسئله نماز و توجه به حقیقت نماز.

۸. سوژه:

استفاده از سوژه های داستانی جهت برنامه سازی؛ از جمله: داستان گوهرشاد خاتون و جوان فقیر و نیز داستان دختر پادشاه و جوان خارکن.(۱)

۱- نک: عرفان اسلامی، ج ۵، صص ۱۱۸ _ ۱۲۷.

موضوع های داستانی جهت برنامه سازی

اشاره

موضوع های داستانی جهت برنامه سازی

زیر فصل ها

داستان دختر پادشاه و جوان خارکن

داستان گوهرشاد خاتون و جوان فقیر

داستان دختر پادشاه و جوان خارکن

داستان دختر پادشاه و جوان خارکن

عالم بزرگ، عارف عاشق، مرحوم ملااحمد نراقی در کتاب ارزشمند طاقدیس داستانی را در محور نماز به نظم نقل می کند که مضمون آن به شرح زیر است:

در کنار شهری خارکنی زندگی می کرد که فقر و فاقه او را به شدت محاصره کرده بود. روزها در هوای گرم، با زحمت فراوان مشغول خارکنی بود و پس از به دست آوردن مقداری خار، آن را بر پشت خود به شهر می آورد و به ثمن بخس به خریداران می فروخت.

روزی صدای «دور شو، کور شو» شنید و جمعیتی را با آرایش فوق العاده در حرکت دید. برای تماشا به کناری ایستاد. دختر زیبای امیر شهر به شکار می رفت و آن دستگاه و عظمت از آنِ او بود.

در گیرودار حرکت دختر امیر، چشم جوان خارکن به جمال خیره کننده او افتاد و دل و دین یکجا در برابر زیبایی خیره کننده او سودا کرد. مأموران شاه سر رسیدند و به او نهیب زدند تا از سر راه شاه کنار برود، ولی جوان خارکن که طاقتش را از دست داده بود، به حرف آنان توجهی نکرد.

قافله عبور کرد و جوان ساعت ها در اندوه و حسرت می سوخت. توان کار کردن نداشت، لنگ لنگان به طرف شهر حرکت کرد.

آمد اندر شهر با صد درد و سوز

روز آوردی به شب، شب را به روز

یک دو روزی با غم و اندوه ساخت

روزها می سوخت، شبها می گداخت

عقلش از سر برگ رفتن ساز کرد

صحتش از تن، سفر آغاز کرد

پایش از رفتار و دست از کار ماند

جای سبحه بر کَفَش زُنار ماند

به حال اضطراب افتاد. دل خسته و افسرده شد. راه به جایی نداشت. میل داشت بدون هیچ شرطی، وسیله ازدواج با دختر شاه برایش فراهم شود. دانشوری آگاه او را دید و از احوال درونش باخبر شد. تا می توانست او را نصیحت کرد، ولی پند دانشور بی فایده بود. آنچه او را آرام می کرد، فقط رسیدن به وصال محبوب بود. دانشور به او گفت: تو که از حسب و نسب، جاه و مال، شهرت و اعتبار و به خصوص جمال و زیبایی بهره ای نداری، این خواسته تو تحققش محال است. اکنون که راه به بن بست رسیده، برای پیدا شدن فرج و چاره شدن دردت، راهی جز رفتن به مسجد و قرار گرفتن در محراب عبادت نمی بینم. مقیم عبادت گاه شو. شاید از این طریق به کسب اعتبار و شهرت نائل شوی و در کارت فرجی حاصل شود.

من نمی بینم غمت را چاره ای

جز نماز و خلوت و سی پاره ای

رشته تسبیح در گردن فکن

دست اندر دامن سجاده زن

خرقه صد وصله و تحت الحنک

بوریای کهنه و نان و نمک

تا مگر بفریبی از این عامه ای

گرم سازی بهر خود هنگامه ای

خارکن فقیر پند دانشور را به کار بست. کوه و دشت و کار و کسب خویش را رها کرد و به مسجدی که نزدیک شهر بود و از صورت آن جز ویرانه ای باقی نمانده بود، رفت و بساط عبادت خود را جهت جلب انظار در آنجا پهن کرد.

روزها در روزه، شبها در نماز

در دعا، گه آشکار و گه به راز

خرقه اش پشمینه و نانش جوین

از سجودش داغ ها بس بر جبین

جز رکوع و جز سجودش کار نه

جز ضرورت با کَسَش پیکار نه

کثرت عبادت و به خصوص نمازهای پی در پی، به تدریج او را در میان مردم مشهور کرد. آهسته آهسته ذکر خیرش دهان به دهان گشت و همه جا سخن از او به میان آمد.

ذکر خیرش آیه هر محفلی

طالب او هر کجا، اهل دلی

شد دعایش دردمندان را دوا

منزلش بیچارگان را مرتجا

کلبه اش شد قبله حاجات خلق

او همی خندید بر خود زیر دلق

می شدی در کوی او غوغای عام

او نمی گفتی کلامی جز سلام

خاک پایش ارمغان عامه شد

بهر آب دست او هنگامه شد

تا شد آگه پادشه از کار او

شد زِ هر سو طالب دیدار او

سخن از عبادت و پاکی و رکوع و سجود او در میان مردم چنان شهرت گرفت که آوازه آن به گوش شاه رسید و شاه با کمال اشتیاق قصد دیدار او کرد!!

شاه روزی از شکار باز می گشت، مسیرش به کلبه عابد افتاد. برای دیدن او عزم خود را جزم کرد و همراه با ندیمان با کوکبه شاهی قدم در مسجد خرابه گذاشت.

آمد و دید آن جوان را در نماز

عالمی بر گرد او با صد نیاز

محو طاعت گشته چون عشاق مست

ملتفت نی تا که رفت و که نشست

بر سرش مو افسر و خاکش سریر

نی خبر از شاه او را، نی وزیر

جلوه کرد اندر بَرِ شه، حال او

مرغ جانش شد اسیر چال او

گاه و بی گاهش زیارت می نمود

وز زیارت بر خلوصش می فزود

پس سر صحبت بَرِ او باز کرد

گفت و گو از هر طرف آغاز کرد

عاقبت گفتش که ای زیبا جوان

ای تو را در قاف طاعت آشیان

هر چه آداب سنن شد از تو راست

غیر یک سنت که تا اکنون به جاست

مصطفی گفت النکاح سنتی

من رغب عن سنتی لا امتی

پادشـاه پس از دیـدار بـا خـارکن فقیر و دیـدن وضع او، به ارادتش افزوده شـد، شـاه تصور می کرد به خـدمت یکی از اولیـای بزرگ الهی رسیده است. تنهـا کسـی که خبر داشت همه عبـادت و آه و نـاله، قلابی و توخالی است، خود خارکن بود. در هر صورت، سر سخن را با آن جوان عابد باز کرد و کلام را به مسئله ازدواج کشید. سپس با یک دنیا اشتیاق، داستان دختر خود را مطرح کرد که ای عابد شب زنده دار، تو تمام سـنت های اسلامی را رعایت کرده ای، مگر یک سنت مهم و آن هم ازدواج است. می دانی که رسول اسـلام بر مسئله ازدواج چه تأکید سختی داشت. من از تو می خواهم به اجرای این سنت هم برخیزی و فراهم آوردن وسـیله آن هم بـا من؛ علاوه بر این میل دارم که تو را به دامادی خود بپـذیرم؛ زیرا در پرده خود، دختری دارم آراسته به کمالات و از لطف الهی از زیبایی خیره کننـده ای هم برخوردار است، من از تو می خواهم به قبول پیشـنهاد من تن در دهی، تا من آن پری روی را با تمام مخارج لازمه در اختیار تو قرار دهم!!

چون جوان خارکن این را شنید

هوشش از سر رفت و دل در بر طپید

آنچه دید آن دم جوان خارکن

من چه گویم تو می دانی و من

آری آن داند که بعد از انتظار

مژده او را رسد از وصل یار

جوان پس از شـنیدن سـخنان شاه در حیرت فرو رفت و در جواب شاه سـکوت کرد. شاه به تصور اینکه حجب و حیا و زهـد و عفت مـانع از جواب اوست، چیزی نگفت. از جوان خـارکن خـداحافظی کرد و به کـاخ خود رفت، ولی تمام شب در این فکر بود که چگون این مرد را به ازدواج با دخترش وادار کند؟!

شاه داسـتان عابد را با یکی از دانشوران تیزبین و با بصـیرت خود درمیان گذاشت و گفت: به خاطر خدا و برای اینکه از قدم او زندگی من غرق برکت شود، وی را به ازدواج و وصلت حاضر کن.

عالم آمـد و پس از گفت وگوی بسـیار و اقامه دلیل و برهان و خوانـدن آیه و خبر، جوان را راضـی به ازدواج کرد. سـپس نزد شاه آمد و قبولی عابد را به سلطان خبر داد. سلطان از این مسئله چنان خوشحال شد که در پوست نمی گنجید:

با بشارت باز گردید آن رسول

کرد آگه پادشه را از قبول

پس به امر شاه بزم آراستند

هم خطیب و شیخ و قاضی خواستند

در زمانی از نحوست ها بری

عَقد زُهره بسته شد با مشتری

پس به خلوتگاه خاص از بهر سور

زیب و زیور یافت کاخی از بلور

تخت زرین اندر آن بگذاشتند

پرده های زرنگار افراشتند

شهر را بهر قدومِ آن جوان

داده زیب جمله بازار و دکان

شمع و مشعل هر قدم افروختند

عود و صندل را به هر ره سوختند

مأموران شاه به مسجد آمدند و با خواهش و تمنا لباس شاهی به او پوشاندند و او را در محاصره مأموران با کبکبه و دبدبه شاهی به قصر آوردند. در آنجا غلامان و کنیزان دست به سینه برای استقبال او صف کشیده بودند و امیران و دبیران و سپاهیان جهت احترام به داماد شاه، گوش تا گوش ایستاده بودند!

وقتی قدم در بارگاه شاه گذاشت و چشمش به آن همه جلال و شکوه و سطوت و عظمت افتاد، غرق در حیرت شد و ناگهان برق اندیشه، درون جان تاریکش را روشن کرد که من همان جوان فقیر و بدبختم، من همان خارکن مسکین و دردمندم، من همانم که مردم عادی حاضر نبودند سلامم را جواب دهند، من همان گدای دل سوخته ام که از تهیه قرص نانی جوین و پارچه ای کهنه عاجز بودم، من همان پریشان عاجز و بینوای مستمندم!!

چون قدم در بارگاه شه نهاد

آمدش از روزگار خویش یاد

روزگار ذلت و پستی خویش

بینوایی و تهی دستی خویش

روزهای گرم و آن هیزم کشی

شام های سرد و آن بی آتشی

نکبت و ادبار بیش از پیش خود

خاطر زار و دل پرریش خود

آن پریشانی و آن بیچارگی

از در هر خانه و آوارگی

از دل پر درد و دست کوتهش

رنج بی اندازه سال و مهش

ناله شب ها و درد روزها

ساختن در روز و شب با سوزها

و آنچه می خواهد ز بهر خود کنون

آنچه از وصف و بیان باشد فزون

پادشاهی، از پسِ هیزم کشی

از پس آن ناخوشی ها، این خوشی

شمع کافور و چراغ زرنگار

از پس تاریکی و شب های تار

محفلی و گلستان در گلستان

وصل جانانی چه جانان جانِ جان

قصر شاهنشاهی و وصل حبیب

خلوتی خالی ز اغیار و رقیب

زین تفکر روزنی بر دل گشاد

نوری از آن روزنش بر دل فتاد

فکرت آمد قفل دل ها را کلید

در گشاید چون کلید آمد پدید

فکرت آمد همچو باران بهار

ساحت دل ها بود چون کشتزار

زین سبب گفت آن رسول سرفراز

فکر یک ساعت به از سالی نماز

بلکه باشد بهتر از هفتاد سال

این سخن مهمل ندانی ای همال

جوان بر اساس آیات الهی به فکر فرو رفت. اندیشه در امور، در درون انسان قدرتی ایجاد می کند که آدمی با آن قدرت می تواند از صفحه خاک به عالم پاک پرواز کند؛ انسان را از ذلت به عزت، از پستی به بلندی، از مذلت به رفعت، از جهنم به بهشت می برد. اندیشه، عالی ترین حال الهی است که به انسان دست می دهد و بهترین کمک برای انسان جهت رهایی از هلاکت و حرکت به سوی سعادت است.

فکر کرد که من همان خار کنم که بر اثر عبادتِ میانْ تهی و طاعتِ ریایی به این مقام رسیدم، آه بر من، حسرت و اندوه از من که اگر به عبادت حقیقی و طاعت خالص اقدام می کردم، چه می شدم؟!

پس دل بی هوش او آمد، بهوش

گفت در گوش دلش آن گه سروش

کانچه می بینی ز عِزّ و مال و جاه

وصل معشوق و نیاز پادشاه

دست بوس شاه و پابوس امیر

روی بوسِ آن نگار دل پذیر

سربه سر تأثیر رسم طاعتست

رسم طاعت را چنین خاصیت است

خود نتیجه صورت طاعات توست

مزد طاعت های بی نیات توست

قیمت کالای روی اندود توست

اجرت سعی غرض آلود توست

میوه بید و صنوبرهای توست

سود سوداهای پرصفرای توست

آمدی این دست مزد پای توست

این جواب لفظ بی معنای توست

این بهای آن مبارک مژده است

این گلاب آن گل پژمرده است

هیچ کاری نزد ما بی اجر نیست

هیچ صبحی نه که او را فجر نیست

گر چه کالای تو بس نابود بود

لیک نزد ما کجا مردود بود

خویشتن را وانمودی آنِ ما

آنِ ما کی رفته بی احسان ما

گرنه از ما بودی اما ای فتی

پیش مردم خود را خواندی ز ما

هین بگیر این مزدِ صورت کاریت

این ثواب و اجر ظاهرداریت

در غوغای پر از آرایش ظاهری دربار، چشم بصیرت خارکن باز شد و جمال دوست در آیینه دلش تجلی کرد، با قدم اراده و عزم استوار، پای از دربار بیرون گذاشت و از کنار و آغوش آن پری وش کناره گرفت و برای آراستن وجودش به علم و عمل واقعی، به سوی زیبای مطلق عالم به حرکت آمد.

وقتی نماز میان تهی و الفاظ بی معنا و نیت آمیخته با شایبه ریا، این گونه برای حل مشکل مدد کند، نماز واقعی و عبادات خالصانه و طاعت بی ریا چه خواهد کرد؟

* * *

داستان گوهرشاد خاتون و جوان فقیر

داستان گوهرشاد خاتون و جوان فقیر

کنار مرقد مطهر حضرت ثامن الائمه، به منظور عبادت زائران و طاعت مطیعان و تدریس مدرسان به مسجدی نیاز بود تا اینکه خانمی دین دار، موسوم به گوهرشاد، همسر شاهرخ میرزا به این فکر افتاد. او تمام خانه ها و زمین های اطراف را برای ساختن مسجد خرید و تنها یک پیرزن حاضر نشد محل مسکونی خود را بفروشد. گوهرشاد خانم از خریدن آن منصرف شد؛ زیرا نمی خواست در ساختن مسجد به احدی کمترین ظلمی شود. پس از ساخته شدن مسجد، آن پیرزن هم خانه خود را به عنوان محل عبادت وقف کرد و سالیان دراز در وسط مسجد گوهرشاد، مسجد پیرزن تجلی داشت.

از طرفی دستور داد در آوردن مصالح ساختمانی، کسی حق ندارد حیوان بارکشی را تند براند یا با تازیانه و چوب بزند همچنین دستور داد با کارگران و زیردستان در کمال محبت رفتار کنند و به زیردستان خود در برنامه کار تحکم نکنند و سعی کنند کارگران را در کمیت کار آزاد بگذارند. ازاین رو، این مسجد یکی از پربرکت ترین مساجد روی زمین است و ساعتی در شبانه روز نیست که در این مسجد عبادت و نماز و قرآن و دعا و تعلیم و تعلم برپا نشود.

ساختن مسجد شروع شد و گوهرشاد خانم هر چند روز یکبار جهت سرکشی به ساختمان به محوطه کار می آمد و دستورهای لازم را به معماران و استادکاران می داد. روزی برای سرکشی ساختمان آمد، باد

مختصری وزیـدن گرفت گوشه چـادر خانم به وسـیله باد کنار رفت. یکی از عمله ها چهره او را دیـد و دل باخته آن زن شـد. جرئت اظهارنظر برای او نبود؛ زیرا بیم آن داشت که او را اعدام کنند. عمله و اظهار عشق به ملکه مملکت!!

دو سه روزی نگذشت که آن کارگر مریض شد. پرسـتارش تنها مادر دردمندش بود. طبیب از علاج او عاجز شد، مادر مهربان کنار بستر تنها فرزنـدش گریه می کرد. فرزنـد چاره ای ندیـد جز اینکه دردش را به مادر اظهار کنـد. مادر ساده دل، برای رفع این مشکل به گوهرشاد خانم مراجعه کرد و درد فرزندش را با او در میان گذاشت و علاج آن را از آن زن بزرگوار خواست و به او گفت اگر اقدام نکنی، تنها پسرم از دستم می رود و در قیامت، دامن تو را جهت خون خواهی فرزندم خواهم گرفت.

گوهرشـاد خـانم از این داسـتان بسـیار نـاراحت شـد و به آن مـادر دل سـوخته گفت: چرا این مشـکل را زودتر بـا من در میـان نگـذاشتی تا بنـده ای از بنـدگان خـدا را از گرفتاری نجات دهم. آن گاه گفت: ای مادر به خانه برو و سـلام مرا به او برسان و بگو من حاضـرم بـا تو ازدواج کنم، ولی شـرطی را بایـد من رعایت کنم و شـرطی را بایـد تو رعایت کنی. شـرطی که من باید رعـایت کنم، جـدایی از شاهرخ است، ولی شـرطی که تو بایـد رعایت کنی، پرداختن مهریه من است و آن مهریه این است که چهل شبانه روز در محراب زیر گنبد مسجد نماز بخوانی و ثوابش را به عنوان مهریه من قرار دهی.

مادر به خانه برگشت و تمام مسائل را با پسر خود در میان گذاشت. پسر از شدت تعجب خیره شد و از این خبر چنان شادمان شد که به زودی از بستر رنج برخاست و با کمال اشتیاق، پرداختِ این مهریه را به عهده گرفت و پیش خود گفت، چهل روز که چیزی نیست. اگر چند سال به من پیشنهاد می شد، حاضر به اجرای آن بودم. در هر صورت به محراب عبادت رفت و چهل شبانه روز برای رسیدن به وصال گوهرشاد خانم عبادت کرد، ولی به تدریج، به توفیق حضرت الهی به راه دیگر افتاد.

پس از چهل شبانه روز، نماینده گوهرشاد خانم به محراب عبادت آمد تا از حال او خبردار شود چون با او سخن گفت، دید اهمیتی نمی دهد. گفت من نماینده گوهرشاد هستم و جهت خبر گرفتن از حال تو و گزارش به خانم آمده ام. گفت: به خانم بگو من نمی توانم برای رسیدن به وصال تو از محبوبِ واقعیِ عالمِ حقیقی جهان دست بردارم، برو به او بگو:

اگر لذت ترک لذت بدانی

دگر لذت نفس، لذت نخوانی

* * *

پرسش های مردمی

پرسش های مردمی

۱. دیدگاه شما درباره نماز چیست؟

۲. در مورد نماز و اهمیت آن از نظر اسلام چه اطلاعاتی دارید؟

۳. نماز در ادیان دیگر الهی چه اهمیتی داشته است؟

۴. به نظر شما قدمت نماز در ادیان الهی چقدر است؟

۵. آیا می دانید هنگامی که حضرت عیسی علیه السلام متولد شد، در مورد نماز چه فرمود؟ (در آیه ای از قرآن ذکر شده است)

۶. آیا می توانید جملاتی از پیامبران الهی در مورد نماز که در قرآن آمده است، ذکر کنید؟

۷. پیامبر اسلام در سخن معروف خود نماز را به چه چیزی تشبیه فرموده اند؟

۸. آیا می دانید که ائمه معصومین علیهم السلام به هنگام رحلت از این عالم، بستگان خود را به چه چیزی سفارش می کرده اند و از چه چیزی بر آنها اتمام حجت می کردند؟

۹. آیا می توانید به نمونه هایی از تاریخ اسلام که ائمه علیهم السلام در سخت ترین شرایط بالاخص هنگام نبرد به نماز پرداخته اند، اشاره کنید؟

۱۰. از آثار مختلف نماز چه می دانید؟

۱۱. مطابق کلام امام علی علیه السلام و حضرت زهرا علیهاالسلام، هدف از نماز از لحاظ اخلاقی، دور کردن انسان از چه ویژگی منفی است؟

۱۲. به نظر شما مهم ترین اثر نماز در زندگی انسان چیست؟

۱۳. قرآن مهم ترین تأثیر نماز را برای فرد چه می داند؟

۱۴. آثار به جا آوردن نماز در احادیث ائمه علیهم السلام چیست؟

۱۵. آثار ترک (در دنیا و آخرت) در احادیث کدامند؟

۱۶. نماز تا چه اندازه و چگونه در مهار و خنثی کردن تهاجم فرهنگی بیگانگان موثر است؟

۱۷. اهل واقعی نماز چه ویژگی هایی دارند؟

۱۸. قرآن در آیه ای می فرماید: «وای بر نمازگزاران»؛ منظور چه کسانی هستند؟

۱۹. بر اساس آیه قرآن، نتیجه روگردانی از ذکر و یاد حق چیست؟

۲۰. هنگامی که از مجرمان (اهل دوزخ) پرسیده می شود که چه چیز شما را در آتش افکند، چه پاسخی می دهند؟ (سوره مدثر)

۲۱. چرا در قرآن از حاضر شدن به نماز، در حال مستی و بی توجهی نهی شده است؟

۲۲. خداوند ما را به «خواندنِ» نماز فرمان داده است یا به «اقامه» نماز و به پا داشتنِ آن؟

۲۳. معنای این جمله چیست: «نماز را غیر از این ظاهر، باطنی است»؟

۲۴. معنای نماز صوری و نماز واقعی چیست؟

۲۵. «قربه الی اللّه » در نیت نماز یعنی چه؟ (معنای نزدیکی به خدا چیست؟)

۲۶. با چه شرایطی می توان به خدا نزدیک شد؟

۲۷. از اسرار نماز چه می دانید؟

۲۸. آیا می توانید تعدادی از اسرار نماز را برشمارید؟

۲۹. معنای حضور قلب در نماز چیست؟

۳۰. برای حضور قلب داشتن در نماز چه باید کرد؟

۳۱. وظیفه انسان در برابر محافظت بر نماز چیست؟

۳۲. بر اساس دستور قرآن و ائمه علیهم السلام وظیفه انسان در برابر نماز و نماز در برابر انسان کدام است؟

۳۳. وظیفه هر شخصی در مقابل وادار کردن دیگران (مخصوصا اهل خانواده خود) به نماز چیست؟

۳۴. به نظر شما نمازگزاری در موفقیت دانشمندان و جویندگان علم چه نقشی داشته است؟ آیا می توانید نمونه هایی از استمداد علما و دانشمندان از نماز را ذکر کنید؟

۳۵. به نظر شما چه تعداد از افراد موفق در عرصه مسابقات علمی و... (به ویژه نوجوانان و جوانان) مقید به نماز و عبادت و استمداد از حق تعالی هستند؟

۳۶. فرق زندگی و آرامش روحی افرادی که با یاد حق زندگی می کنند، با غیر آنان چیست؟

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱. معنای کلی عبادت چیست؟(تعاریف گوناگون)

۲. اقسام عبادت کدام است؟ و برترین آنها در دین کدام عبادت ها است؟

۳. نماز در میان عبادت ها، چگونه ترسیم شده است؟

۴. در قرآن و روایات به ظاهر «اقامه صلاه» مدنظر است، چگونگی و مفهوم اقامه نماز چگونه است؟

۵. فرق اقامه با قرائت در چیست و کدام یک از آنها در جامعه ما رواج یافته است؟

۶. رکن اساسی در اقامه نماز، توجه به چه مسئله ای است؟

۷. قرآن در آیاتی، عبادت و نماز و تسبیح را به عنوان عبادت همگانی موجودات مطرح کرده است، چگونگی نماز دیگر موجودات بر اساس تفسیرها و آرای مختلف چگونه است؟ نظر قرآن کدام است؟

۸. بر اساس آیات قرآنی، تأثیر «ذکر» بر روح و جان انسان، بر زندگی دنیایی فرد و آخرت او و بر رابطه دو طرفه عبد و مولای او در دنیا و آخرت چگونه است؟

۹. نماز، ذکرِ تعیین شده از سوی خداوند است و از طرفی نماز، مطابق آیه قرآن باید اقامه شود، اقامه ذکر چه معنایی پیدا می کند؟

۱۰. چگونه ذکر نماز «متون دین» به شمار می رود؟ و چه نتیجه ای از این مسئله می توان گرفت؟

۱۱. فلسفه تشریع نماز در متون دینی و کلمات ائمه علیهم السلام چیست؟

۱۲. در فلسفه و راز تشریع نماز، دلایل مطرح شده ناظر بر چه امری است؟

۱۳. ملاک بودن نماز برای رد یا قبول اعمال، چگونه قابل توجیه است؟

۱۴. تابعیت عمل انسان از نماز او چه سرّی دارد؟

۱۵. مهم ترین تـأثیر نمـاز بر عمـل انسان جلوگیری از انجام منکر است (نهی از منکر) آیا نماز در امر به معروف انسان هم تأثیر دارد؟

۱۶. نماز در قرآن با چه توضیح و تأکیدی، مورد توجه و سفارش قرار گرفته است؟

۱۷. سیمای نماز در روایت های اسلامی چگونه است؟

۱۸. اهمیت نماز در ادیان گذشته و چگونگی آن را بیان کنیم؟

۱۹. آثار مختلف نماز در زندگی انسان در کدام ابعاد است؟

۲۰. مسـئله کمک خواسـتن از نماز (برابر دسـتور قرآن) در زندگی انسان چه وسعتی دارد؟ اینکه قرآن ما را به استمداد از نماز فرمان می دهد، منظور چیست؟ و چه رابطه ای با نقش بازدارندگی آن دارد؟

۲۱. نماز گزاری در جامعه ما، از لحاظ کمی و کیفی در چه وضعیتی قرار دارد؟ و حد انتظار و مقام شایسته و برازنده جامعه ما در نمازگزاری و اهمیت دادن به آن چقدر است؟

۲۲. آیا در جامعه ما به کمیت و آمار نمازگزار توجه شده است یا به کیفیت آن؟ دین به کدام مورد توجه دارد؟

۲۳. راه های گسترش نماز از لحاظ کیفی کدام اند؟

۲۴. شرایط اجتماع تا چه اندازه برای نماز و نمازگزاری مطلوب است؟ فضای معنوی و فرهنگی جامعه در رابطه با نماز چگونه پیش رفته است و یا پیش می رود؟

۲۵. به معنای دقیق، منظور از تارک الصلاه و مستخفٌ بالصلاه کدام افراد هستند؟

۲۶. عبودیت (عبادت) به چه معنا است؟ و اساسا چه چیزی را می توان «عبادت» نامید؟

۲۷. اقسام عبادت در دین اسلام کدام است و به چه اشکالی انجام می گیرد و جامع ترین آن عبادت ها کدام است؟ و راز جامعیت آن در چیست؟

۲۸. در زبان دین و متون دینی نهایت سیر عبودیت به کجا می انجامد؟

۲۹. چرا اوج قرب الهی در نوافل ظهور می کند؟

۳۰. با توجه به آیه قرآن که می فرماید: «هر کس از یاد من روی بگرداند معیشتی سخت خواهد داشت»، در دیدگاه اسلام چه دلایلی برای

آن می توان برشمرد، آیا نمونه های عینی در این زمینه وجود دارد؟ و به طور کلی ارتباط سعادت انسان با یاد حق چگونه است؟

۳۱. صلاه به چه معانی آمده است و ریشه این کلمه و احتمال های مربوط به آن، چه مواردی است؟

۳۲. فلسفه وجوب نماز به عنوان «ذکر خاص حق» (اقم الصلاه لذکری) و تکرار روزانه آن به طور وجوبی و به جا آوردن آن در برنامه های ارتباط با خدا به طور عمومی و استحبابی، چه چیزی است؟

۳۳. خداوند برای ذکر خود توسط انسان، نماز را معین فرموده است و از طرفی در مورد دیگر موجودات نیز می فرماید: «کلٌّ قد علم صلوته و تسبیحه...» آیا می توان نتیجه گرفت که نماز ذکر تمام هستی است و از این جهت، نماز در عینِ ذکرِ خاص بودن، ذکر عام هم است؟

۳۴. در مورد نماز و تسبیح موجودات چه نظریه هایی در قرآن، احادیث، تفاسیر، فلسفه و عرفان بیان شده است و معتبرترین نظریه کدام است؟ آیا نماز موجودات نطقی، شعوری، ارادی است یا به گونه ای دیگر است؟

۳۵. تعیین نماز به عنوان ذکر حق، در آموزه های الهی چه قدمتی دارد و انبیای الهی با نماز چقدر ارتباط داشته اند؟ آیا همان گونه که در اسلام نماز اساس دین و هدف مورد نظر دینی است، در ادیان دیگر الهی نیز این گونه است؟

۳۶. در مورد چگونگی نماز در ادیان و اقوام گذشته چه می دانید؟

۳۷. برابر آیه قرآن «نماز انسان را از فحشا و منکر باز می دارد»، چه ویژگی هایی در نماز برای ایجاد این اثر وجود دارد؟

۳۸. کارآیی نماز در مقابله با تهاجم فرهنگی بیگانه چگونه است؟

۳۹. برای حصول تأثیر و نتایج نماز، چه شرایطی لازم و ضروری است و اساسا در صورت وجود شرایط، آیا صلاه و مصلی هر دو نیاز به داشتن شرایط هستند یا یکی از آن دو؟

۴۰. اقامه نماز به چه معنا است و فرق آن با خواندن نماز چیست؟

۴۱. در قرآن و روایت های اسلامی، بحثِ «اطاعت» و «حفاظت» از نماز مطرح شده است. این بحث چه شباهتی با بحث رابطه «تقوا» و «متقی» در نهج البلاغه دارد؟ و آیا در این دو مورد اطاعت مقدم است یا حفاظت؟

۴۲. نقطه مقابل حفاظت از نماز، اضاعه صلاه است: «فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلاه و اتبعوا الشهوات...» این امر (اضاعه نماز) عاملی برای انحطاط و فروپاشی یک ملت به شمار می رود. چگونگی این انحطاط، به طور محسوس و قابل استدلال چگونه است؟

۴۳. به طور کلی آثار نماز در عرصه زندگی فردی و اجتماعی انسان چیست؟

۴۴. مطابق اعتقاد دینی، افزون بر تأثیر نماز بر دنیای فرد، تأثیر مهم آن بر آخرت انسان است؟ سعادت و شقاوت انسان چگونه با نماز او مرتبط شده است؟

۴۵. بر اساس تحقیق دانشـمندان پزشکی، حرکات و افعال نماز هم دارای تأثیرهای خاصی بر جسم انسان است، عمده ترین این آثار به دست آمده تا حال چه بوده است؟

۴۶. در متون دینی، آثار ترک نماز بر روی فرد و اجتماع چه مواردی است؟

۴۷. از نقش های معروف نماز، نقش «عمود بودن برای دین» و «ملاک و معیار بودن برای قبولی یا رد اعمال» است، ارتباط این دو نقش با هم چگونه است؟

۴۸. ارتباط میان حدیث معروف «کلّ عمل لک تبع لصلاتک» با حدیث: «ان قبلت قبل ماسواها و...»، چگونه می تواند باشد؟

۴۹. در مورد کیفیت نماز، مهم ترین مسئله حضور قلب است، معنای حضور قلب در نماز چیست؟

۵۰. مراتب حضور قلب در نماز از دیدگاه اولیا و عرفا چگونه بیان شده است؟

۵۱. راه هـای حصول حضور قلب و موانع تحصـیل آن در گفتـار ائمه علیهم السـلام یـا بزرگـان علمـا و عرفـا چگونه بیان شـده است؟ آیا این راه ها و موانع برای افراد مختلف یکسان است یا خیر؟

۵۲. افزون بر حضور قلب، نقش توجه به اسرار نماز (کتاب های زیادی در این زمینه وجود دارد) در تحقق نماز واقعی چیست؟

۵۳. در متون دینی (حدیثی) گاهی برای یک جزء از نماز، اسرار متفاوتی ذکر شده است و اسرار نماز، قالب مشخص و محدودی ندارد. از طرفی تجربه این اسرار در رساندن سالك و نمازگزار به مقصد نماز امری مشکل است. تکلیف نمازگزاران برای دست یابی به فرمول خاص و مفیدتر چیست؟

۵۴. به طور مشخص علایم و حدود نماز واقعی و نمازگزار واقعی کدام معیارها هستند؟

۵۵. در عرفان اسلامی برای سالک الی اللّه، چهار مرحله سفر معنوی بیان شده است. با توجه به اینکه نماز سفری معنوی و معراج مؤمن است، امام خمینی رحمه الله مراحل چهارگانه این سفر معنوی را در نماز بیان کرده اند. تفسیر ایشان در این مورد چگونه است؟

۵۶. امام خمینی رحمه الله، انسانیت انسان را وابسته به کیفیت نماز او می داند و معقتد به رابطه ای دو طرفه بین نماز و انسانیت اند. این امر چگونه است؟

۵۷. وضعیت نمازگزاری در جوامع اسلامی از لحاظ کیفی و کمی چگونه است؟ راه های جذب به نماز و تشویق نمازگزاری در جامعه کدامند؟

۵۸. موانع جذب به نماز از لحاظ ظاهری (اجتماع) و معنوی چیست؟

۵۹. روش های اخلاقی و تعلیمی ائمه علیهم السلام و عرفا درتربیت فرد و جامعه و وادار کردن افراد به نماز چگونه دسته بندی می شود؟

۶۰. از نظر ائمه علیهم السلام و بزرگان دینی، به کمیت نمازگزاران توجه بیشتری شده است یا به کیفیت نماز؟

۶۱. وضعیت جامعه ما در مورد پرسش یاد شده چگونه است؟

نتیجه

نتیجه

بـا تـوجه به آنچه گفته شـد، می تـوان نـتیجه گرفت که نمـاز به دلیـل ویژگی هـای خـاص خود، برترین و بهـترین عبـادت نزد خداونـد به شـمار می رود. برخی از ویژگی هـای نماز که به آن اشاره شـد، عبارتنـد از: جامع بودن در میان عبادت ها، تعطیل نشـدن در هیـچ حـال و شـرایطی، وجوب آن در تمـام ادیـان الهی و سـفارش و اهتمـام انبیـای الهی به آن، ذکر خاص و متعیّن پروردگـار، تکرار یومیه، وجه دین و نشـانه اسـلام، وسـیله قرب الهی و معراج مؤمن، نور چشم پیامبر، معیار قبولی و ردّ اعمال، تبعیت عمل انسان از نماز او، سفارش تمام انبیا و امامان شیعه علیهم السلام، عمومیت آن در میان تمام خلایق و بازدارندگی از فحشا و منکر.

تمام موجودات، دارای عبادت و نمازِ خاصِ خود هسـتند و هر چه در آسـمان ها و زمین است خدا را تسبیح می گوید و تسبیح آنان از نوع ذکری نطقی شعوری است.

تشریع نماز بر اساس حکمت و اسرار و حقایق هستی است و هر حرکت، ذکر و افعال نماز، دربردارنده و بیان کننده راز خاص خود است که بنـده با نماز آگاهانه و دقیق راه عبودیت و قرب الهی را می پیمایـد و در صورت بی توجهی به آن، نماز صوری و ظاهری است و انسانیت انسان به

تبع آن صوری خواهد بود؛ زیرا انسان بودن واقعی انسان، در گرو نماز واقعی و حقیقی است.

نماز با این ویژگی ها، آثار و فواید بی شماری برای دین و دنیا و آخرت فرد و نیز جامعه به همراه دارد و ترک آن نیز پی آمدهای بدی خواهد داشت.

گرایش به عبادت بر اساس فطرت الهی بشر است و ترک و روگردانی از آن ناشی ازعلل ظاهری (محیط و اجتماع و...) و معنوی (گناه و...) است.

ریشه اصلی ترک نماز، جهل و ناآگاهی به مقام پروردگار و نیاز به عبادت و همچنین تأثیر عبادت در شکوفایی روحی و ناآگاهی از فلسفه نماز و عبادت است.

نماز با همه اهمیت، همانند قرآن و نهج البلاغه و دعاهای ائمه علیهم السلام هنوز در مهجوریت است و متأسفانه جامعه ما هنوز به جایگاه مناسب و شایسته یک جامعه شیعه نسبت به نماز نرسیده است و نسل نوین ما گرایش کمتری به آن دارند و این خطری بسیار بزرگ است. ازاین رو، مسئولان و دردمندان دین، در درجه اول به شناخت و درک عمیق نماز نیازمندند و در درجه دوم باید همتی بزرگ و تلاشی گسترده برای تبلیغ و تعلیم نماز در جامعه به کار برند و با روش های دینی پسند نسل جدید را به درک و عمل به نماز وادارند.

در این راستا، مسئولیت نهادهایی، مانند ارشاد و تبلیغات اسلامی، ستاد اقامه نماز و صدا و سیما سنگین تر و مؤثرتر از بقیه خواهد بود.

صدا و سیما نیز باید با تکمیل برنامه های موجود و استفاده از شیوه های مختلف تأثیرگذاری بر افکار مردم، به عنوان دانشگاه عمومی، افزون بر تبلیغ نماز، شیوه فعالیت خویش را به تناسب گروه های مختلف مردم در گرایش به دین، متنوع نماید و جهت پاسخ گویی به پرسش ها و شبهات اذهان عمومی اهتمام جدی بورزد؛ زیرا تبلیغ صورت ظاهری و معمولی نماز در شرایط کنونی و برای مقابله با تهاجم فرهنگی چندان مقاوم نخواهد بود، گرچه بی تأثیر نیست. صدا و سیما باید بکوشد نماز را در جامعه عمیق و واقعی کند تا با استفاده از آثارِ نمازِ واقعی بتوان تهاجم فرهنگی را مهار کرد.

فهرست داستان های مناسب درباره نماز

فهرست داستان های مناسب درباره نماز

نام داستان نام کتاب نام نویسنده

شماره صفحه انتشارات

نماز خوبان شاگرد نماز علی احمد پورترکمانی

۱۳ و ۱۴ دفتر نشر شهور

نماز خوبان امتحان(۳۶)

۵۰ دفتر نشر شهور

نماز خوبان بگذارید نمازبخوانم(۳۷)

۵۱ دفتر نشر شهور

نماز خوبان احمد ظهر شده؟(۴۱) ۩

۵۵ دفتر نشر شهور

نماز خوبان نمازاول وقت امام؛ ۩

۵۹ دفتر نشر شهور

نماز خوبان پند استاد ۩

۶۰ دفتر نشر شهور

نماز خوبان سرباز نماز(صیادشیرازی) ۩

۶۶ دفتر نشر شهور

نماز خوبان اقامه نمازجماعت(امام) ۩

۹۴ دفتر نشر شهور

نماز خوبان پشیمانی عابدازعبادت ۩

۱۲۷ دفتر نشر شهور

داستان هاوحکایت های نماز(۱) توجه قلبی درنماز رحیم کارگرومحمدیاری

۲۲ ستاد اقامه نماز

داستان هاوحکایت های نماز(۱) عبادت و ترس از آتش قیامت ۩

۲۳ ستاد اقامه نماز

داستان هاوحکایت های نماز(۱) طریق پدران در عبادت نمودن ۩

۲۵ ستاد اقامه نماز

نام داستان نام کتاب نام نویسنده

شماره صفحه انتشارات

داستان هاوحکایت های نماز(۱) ترک نماز خسارت جبران ناپذیر

۵۷ ستاد اقامه نماز

داستان هاوحکایت های نماز(۱) نماز گناهان را ازبین می برد

۹۱ ستاد اقامه نماز

داستان هاوحکایت های نماز(۱) داستان خیلی شیرین وآموزنده برای ایجادعشق

۱۲۳ ستاد اقامه نماز

داستان هاوحکایت های نماز(۱) نتیجه جستن دنیا

۱۳۹ ستاد اقامه نماز

داستان هاوحکایت های نماز(۱) افراط،تازه مسلمان رااززنمازفراری داد

۱۸۸ ستاد اقامه نماز

ص:۱۸۷

چهل داستان درباره نماز سفارش امام زمان درباره نمازصبح ومغرب اول وقت بهتاش

۴۳ ستاد اقامه نماز

چهل داستان درباره نماز نمازموجب ریختن گناهان می شود بهتاش

۱۶ ستاد اقامه نماز

فهرست کتاب های مناسب درباره نماز

فهرست کتاب های مناسب درباره نماز

نام کتاب نام نویسنده

انتشارات

آداب نماز(آداب الصلاه) امام خمینی

مؤسسه تنظیم ونشرآثارامام خمینی

اسرارنماز(صلاه العارفین ومعراج السالکین) امام خمینی

مؤسسه تنظیم ونشرآثارامام خمینی

چهل حدیث (اربعین حدیث) امام خمینی

مؤسسه تنظیم ونشرآثارامام خمینی

از ژرفای نماز آیت اللّه خامنه ای

مؤسسه تنظیم ونشرآثارامام خمینی

اسرارالصلاه(جلد۵) شهیدثانی. ت: رجب زاده

مؤسسه تنظیم ونشرآثارامام خمینی

حکمت عبادت آیت اللّه جوادی آملی

مؤسسه تنظیم ونشرآثارامام خمینی

عرفان اسلامی(جلد۵) حسین انصاریان

پیام آزادی

یکصد و چهارده نکته درباره نماز محسن قرائتی

ستاد اقامه نماز

پرواز در ملکوت(۲ و ۱) سیداحمد قهری

نهضت زنان مسلمان

پرستش آگاهانه محمدرضا رضوان طلب

ستاد اقامه نماز

نماز از دیدگاه قرآن و حدیث سیدحسین موسوی رادلاهیجی

دفترانتشارات اسلامی(وابسته به جامعه مدرسین)

نام کتاب نام نویسنده

انتشارات

نماز از دیدگاه دانشمندان و متفکران عباسعلی مغیثی

دفترانتشارات اسلامی(وابسته به جامعه مدرسین)

سلات روح نماز و عبادت در تفسیر نمونه عباس عزیزی

انتشارات نبوغ

سیمای نماز در آثار علامه حسن زاده آملی عباس عزیزی

انتشارات نبوغ

نماز و فرشتگان عباس عزیزی

انتشارات نبوغ

پرورش روح عباس عزیزی

انتشارات نبوغ

نماز حقیقت درخشنده مقالات پنجمین اجلاس سراسری نماز۷۴

ستاد اقامه نماز

نماز بهشت خلوت انس مقالات پنجمین اجلاس سراسری نماز۷۴

طرح اقامه نماز

نماز نشانه حکومت صالحان مقالات سمینار نماز ۱۳۷۰

ستاد اقامه نماز

نماز نیایش عشق و شفابخش روان و تن محمدمهدی اصفهانی

ستاد اقامه نماز

چهارصد سخن پیرامون نماز سیدجواد بهشتی

ستاد اقامه نماز

خلوتگه راز محسن کازرونی

الهادی ــ قم

اقامه نماز در دوران کودکی و نوجوانی دکتر علی قائمی

ستاد اقامه نماز

عوامل آموزش وگرایش نوجوانان وجوانان به نماز رضا فرهادیان

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

نام کتاب نام نویسنده

انتشارات

هدایت نوجوان به سوی نماز دکتر علی قائمی

ستاد اقامه نماز

نماز خوبان(داستان) علی احمدپور ترکمانی

مؤسسه فرهنگی انتشارات مشهور

نماز ابرار(داستان) محمد صحتی سردرودی

ستاد اقامه نماز

پرتوی از اسرار نماز محسن قرائتی

طرح اقامه نماز

همراه با نماز محسن قرائتی

ستاد اقامه نماز

کتاب نامه

کتاب نامه

* قرآن مجید

۱. امام خمینی رحمه الله، سید روح اللّه، اسرار نماز یا معراج السالکین و صلاه العارفین.

۲. ______________________، ره عشق [نامه عرفانی حضرت امام خمینی رحمه الله]، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، چاپ اول.

۳. ______________________، شرح چهل حدیث، چاپ چهارم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۳.

۴. ______________________، صحیفه نور، تهیه: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، انتشارات شرکت سهامی چاپ خانه وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱.

۵. ______________________، کلمات قصار (پند و حکمت های امام خمینی رحمه الله)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، مرکز نشر عروج، چاپ دوم.

۶. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، چاپ پانزدهم، سازمان انتشارات جاویدان.

۷. جلالی شاهرودی، محمد مجموعه الاخبار، مشهد، کتاب فروشی جعفری.

۸. سپهری، محمد، ترجمه و شرح رساله الحقوق امام سجاد علیه السلام، قم، مؤسسه انتشارات دارالعلم، ۱۳۷۰.

۹. ستاد طرح اقامه نماز، نماز؛ بهشت خلوت انس، تهران، ستاد طرح اقامه نماز، چاپ سوم، ۱۳۷۳.

۱۰. صحتی سردرودی، محمد، نماز ابرار، ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۵.

۱۱. صحیفه کامله سجادیه، ترجمه و شرح: فیض الاسلام، مرکز آثار فیض الاسلام، ۱۳۶۶.

۱۲. صدوق، خصال، تحقیق: علی اکبر غفاری، جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه.

۱۳. عاملی، محمد بن حسن حر، وسائل الشیعه، تصحیح و تحقیق: شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی، داراحیاء التراث العربی، چاپ پنجم، ۱۴۰۳.

۱۴. قرائتی، محسن، یکصد و چهارده نکته درباره نماز، ستاد اقامه نماز، چاپ هفدهم، ۷۴.

۱۵. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، مترجم: آیت اللّه کمره ای، کتاب خانه اسلامیه پامنار، چاپ چهارم، ۱۳۶۷.

۱۶. کارگر، رحیم، نماز از دیدگاه دانشمندان و متفکران، ستاد اقامه نماز، چاپ سوم،

.۱۳۷۷

۱۷. کارگر، رحیم و محمدیاری، داستان ها و حکایت های نماز، ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۷.

۱۸. کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، مترجم: سیدجواد مصطفوی، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور.

۱۹. کنز العمال.

۲۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، چاپ بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.

۲۱.محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۷.

۲۲. مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، نماز؛ گنجینه رمز و راز، ستاد اقامه نماز، نمایندگی ولی فقیه در سپاه، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۲۳. مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، صدرا، چاپ دوم.

۲۴. موسوی خمینی رحمه الله، سید روح اللّه، آداب صلاه، ج ۱، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، چاپ اول، ۱۳۷۰.

۲۵. نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹